

تبیین مولفه های توسعه پایدار ملی با رویکرد ادبیات سنتی ایران (ضرب المثل ها و اشعار)

(مطالعه موردی: کتاب صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن و دیدگاه های مرتضی فرهادی)

کریم میرزاخانی

دانشجوی دکترای جامعه شناسی توسعه اجتماعی روستایی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نام نویسنده مسئول:

کریم میرزاخانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۹

چکیده

در فراتحلیل ادبیات و پیشینه توسعه قابل استنباط است که علاوه بر ابعاد و سطوح مختلف توسعه و روند ظهور و تکوین مضامین مستتر در توسعه از دهه ۱۹۶۰، دو رویکرد مهم در حرکت به سمت توسعه مطرح بوده است. رویکردهای توسعه درونزا و توسعه برونزا یا از نگاه فرهادی توسعه مبتنی بر سنت یا صنعت، دو مسیر توسعه ای پیش روی صاحب نظران، پژوهشگران، ملت و دولت ها بوده است. چالش، اغلب بر سر این است کدام راه در کدام بستر و کشور به توسعه منتهی خواهد شد؟ از سوی جامعه شناسان و پژوهشگران توسعه، پاسخ های متنوع و متفاوتی به این سوال داده می شود. در این مقاله مقصود این بوده است که در کتاب "صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن" و از نگاه فرهادی مسیر توسعه پایدار ایران کدام است؟ و در ادبیات سنتی ایران با تمرکز به دو بخش اشعار و ضرب المثل ها چقدر این موضوع قابل احصاء و بررسی است؟ به عبارت دیگر؛ هدف این مقاله تبیین مولفه های توسعه پایدار ملی با رویکرد ادبیات سنتی ایران با تمرکز بر اشعار و ضرب المثل های گردآوری، تحلیل و طبقه بندی شده از سوی فرهادی با تمرکز بر کتاب "صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن" بوده است. برای نیل به مقصود مذکور و تحلیل ابعاد متفاوت و مختلف موضوع از روش اسنادی و تحلیل محتوای کتاب مذکور و رویکردها و دیدگاه های فرهادی در سایر کتاب ها، منابع، مجلات و رسانه ها استفاده شده است. به عبارتی برای دستیابی به یک دیدگاه جامع و کامل همه ضرب المثل ها و شعرهای موجود در کتاب بررسی، مطالعه، تحلیل و طبقه بندی شد. یافته های پژوهش نشان داد اشعار و ضرب المثل های موجود در کتاب در ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی توسعه قابل احصاء و طبقه بندی است و این ابعاد به ترتیب اولویت اول تا چهارم را در محتوای و مضمون اشعار و ضرب المثل های کتاب دارند. نتایج حاصل حکایت از این دارد ایران برای حرکت در مسیر توسعه پایدار می بایست بر سنت های اصیل خود تکیه کند و مانند کشورهای موج دوم توسعه مانند ژاپن، چین و هند به تاریخ و فرهنگ، وطن پرستی، جوهره فرهنگ بومی، فرهنگ تولیدی و فرهنگ کار و ارزش ها و هنجاری محلی و ملی توجه نماید.

واژگان کلیدی: ایران، توسعه، ادبیات، اشعار و ضرب المثل و دیدگاه های مرتضی فرهادی

مقدمه

به باور بسیاری از اندیشمندان و دانشمندان حوزه علوم رفتاری توسعه^۱ با انسان شروع می‌شود و هدف فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مرتبط با توسعه، زندگی بهتر انسان است. به عبارتی آرمان علوم بشری و آرزوی دانشمندان حوزه‌های مختلف دانش، دستیابی به توسعه است (عاشقی، ۱۳۹۷). در سال‌های اخیر به ویژه ۲۰۱۴ تا ۲۰۲۰ توسعه چنین تعریف و تبیین می‌شود "توسعه، فرایند بسط انتخاب‌های انسانی در محیط اجتماعی قابلیت‌زا برای نیل به زندگی بهتر است" (تقی پورظهیر، ۱۳۹۴). واکاوی تعریف اخیر توسعه، بیانگر این است که توسعه بر انسان، افزایش قابلیت‌ها و گسترش انتخاب‌های وی و در نهایت زندگی بهتر او تکیه دارد (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۱۸).

واژه توسعه اولین بار توسط زیست‌شناسان به جای فرایند به کار رفت و در فرایندهای ارگانیک، انسان نقشی در رشد^۲ ندارد و قانون طبیعی آن را تضمین می‌کند. در حالی که توسعه در اجتماع، دولت و فرهنگ و آموزش نمی‌تواند به فرایند ارگانیک اتکا کند، زیرا انسان در امر توسعه مسئول و نقش اساسی ایفا می‌کند (مشایخ، ۱۳۹۸)؛ بنابراین در جوامع انسانی توسعه آرمان اغلب فعالیت‌های انسانی است (عاشقی و قهرمانی، ۱۳۹۵). صاحب‌نظران و پژوهشگران با نگاه میان رشته‌ای برای توسعه ابعاد و مولفه‌های متنوع اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی را مطرح می‌کنند (تقی پورظهیر، ۱۳۹۴) و در گزارش توسعه انسانی سال ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰ توسعه بشر با آزادی‌ها و انتخاب‌های انسان از طریق ایجاد قابلیت‌های انسانی مرتبط ذکر شده که هدف آن حداقل یا حداکثر انسان‌ها نیست، بلکه همه انسان‌ها می‌باشد (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۲۰). شاید با تأملی عمیق‌تر در ادبیات مفهوم توسعه، بتوان برای آن سطوح مختلفی از جمله توسعه جهانی، توسعه بین‌المللی، توسعه ملی، توسعه سازمانی، توسعه مدیریتی، توسعه حرفه‌ای، توسعه فردی و بسیاری سطوح دیگر را تعریف کرد؛ همچنین مرور ادبیات و پیشینه توسعه، معانی و استنباط‌های مختلفی را مثل رشد، رشد اقتصادی، توسعه جامع (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی)، توسعه پایدار^۳ و توسعه انسانی^۴ بدست می‌دهد که در برهه‌های زمانی مختلف مورد تأکید صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف بوده است (تقی پورظهیر، ۱۳۹۴). تودارو^۵ توسعه را جریانی چند بعدی تعریف می‌کند که نه تنها دربرگیرنده رشد اقتصادی بلکه مشتمل بر ابعاد دیگر توسعه یعنی توسعه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی هم می‌شود. این برداشت از توسعه به تبیین توسعه از نوع پایدار نزدیکتر است (محمودی، ۱۳۹۲). توسعه پایدار مفهوم دیگری از توسعه است که در دهه آخر قرن بیستم وارد مباحث توسعه شده است. مفهوم توسعه پایدار استنباط‌های متفاوتی را به ذهن متبادر می‌سازد؛ که رایجترین آنها نوعی برداشت است که انسان در آن، با محیط خود همزیستی مسالمت آمیزی دارد و از منابع و مواهب موجود در طبیعت به طور معقول بهره برداری می‌کند (مشایخ، ۱۳۹۸). پانایوتو^۶ استاد دانشگاه هاروارد از توسعه پایدار به عنوان یک مفهوم بانکی یاد می‌کند، توسعه‌ای که مثل پس انداز می‌ماند و ارزش خالص آن مثبت است و موجب کامیابی در آینده می‌شود. توسعه پایدار همچنین بر اهمیت وجود چشم انداز بلند مدت در مورد نتایج فعالیت‌های امروز و همکاری جهانی در بین کشورها برای رسیدن به راه حل‌های مؤثر تأکید می‌کند. این عناصر، توسعه پایدار را به صورت هدف کلیدی برای صورت بندی سیاست‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی درآورده است (کریک پاتریک و همکاران به نقل از زاهدی، ۱۳۸۴). براساس گزارش برانت لند^۷ توسعه پایدار عبارت است از توسعه‌ای که نیازهای کنونی جهان را تأمین می‌کند، بدون آنکه توانایی نسل‌های آتی را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند (نوابخش، ۱۳۹۵). همچنین محور قرار دادن انسان در فرایند توسعه، برداشت تازه تری از توسعه است که از دهه ۱۹۹۰ مورد اهتمام سازمان ملل متحد قرار گرفته است. در این نگرش درآمد سرانه تنها شاخص توسعه یافتگی محسوب نمی‌شود بلکه مسائل دیگری از قبیل بهداشت، تغذیه، دستیابی به آب آشامیدنی، آموزش و حفظ محیط زیست نیز مورد نظر قرار می‌گیرد. در سال ۱۹۹۰ اولین گزارش توسعه انسانی منتشر و از آن زمان تاکنون بیش از ۸۰۰ گزارش توسعه انسانی در سطح جهانی، منطقه‌ای، ملی و فراملی منتشر شده و صدها کارگاه، همایش و سایر برنامه‌های دیگری برای رشد و توسعه بشر سازماندهی شده است. در مفهوم انسانی توسعه برای اندازه‌گیری توسعه ملی در کنار درآمد سرانه، دستاوردهای بهداشتی و درمانی و آموزشی نیز سنجیده شود. شاخص توسعه انسانی یک شاخص ترکیبی متمرکز بر توانایی زندگی طولانی و سالم (امید به زندگی)، توانایی دستیابی به دانش (میانگین

- 1 -Development
- 2 -Growth
- 3 -Comprehensive development
- 4 -Sustainable Development
- 5 -human development
- 6 -Michael Todaro
- 7 -Panayotou
- 7 -Brundt land

سال‌های تحصیل و سال‌های مورد انتظار مدرسه) و توانایی دستیابی به یک استاندارد زندگی مناسب (درآمد ناخالص ملی سرانه) است (گزارش توسعه انسانی، ۹، ۲۰۱۸).

در کنار اهداف، ابعاد و سطوح مختلف توسعه، برخی از متفکران و صاحب‌نظران دو رویکرد درون‌زا و برون‌زا برای توسعه مطرح و در این زمینه نظریه پردازی و تحلیل کرده‌اند. در مقاله حاضر محور اصلی تمرکز بر تبیین رویکرد درون‌زا از توسعه با تأکید بر سنت در اندیشه‌های مردم‌شناس و جامعه‌شناس ایرانی مرتضی فرهادی^{۱۰} بوده است.

تبیین مساله

فرهادی در موخره کتاب "صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن"^{۱۱} چنین تبیین می‌کند که جای فرهنگ و اهمیت آن در کتاب‌های توسعه خالی است. معمولاً کتاب‌ها و نظریات توسعه، پای در نظریات مکتب نوسازی دارند و اگر فرهنگ در آن‌ها جایی داشته باشد، از این منظر به فرهنگ می‌نگرند. در کنار این رویکرد، رویکرد فرهنگی به توسعه نیز وجود دارد که فرهادی در فصول پایانی کتاب صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن، در بخش تشریح وضعیت سه کشور توسعه‌یافته موج دوم؛ یعنی ژاپن، چین و هند کوشش کرده است تا ریشه‌های فرهنگی توسعه این کشورها را نمایان سازد.

مساله اصلی مطرح در مقاله حاضر با تمرکز بر بعد فرهنگی توسعه، پاسخ به این سوال خواهد بود که ادبیات سنتی با تمرکز بر دو بعد اشعار و ضرب المثل در توسعه چه سهمی دارد؟ به منظور پاسخ به مساله پژوهش، اندیشه‌های فرهادی در کتاب "صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن" محور اصلی مطالعه قرار گرفته است. فرهادی در سربرگ مقاله‌ای با عنوان "صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن؟ (آسیب شناسی روند توسعه پایدار در ایران)" عبارت «برخورد شجاعانه کسانی که در مباحث توسعه، سهم سنت را هم لحاظ می‌کنند، سبب حیرت دیگران می‌شود. آیا این یک مصیبت است؟» را از "س. ک. دیوپ ۱۲" نقل کرده است که می‌توان گفت عصاره و هسته اصلی بحث‌های مقاله حاضر خواهد بود.

در این بخش از مقاله به دلایلی مانند انتخاب کتاب "صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن" به عنوان جامعه و نمونه پژوهش، تبیین مقاله با یک روال منطقی، ارتباط برقرار کردن خواننده با موضوع، کوشش شده است چشم انداز مفهومی جامعی از مضامین مطرح در کتاب^{۱۳} ارائه شود.

موضوع کتاب «فرهنگ و توسعه» است و نخستین چیزی که توجه خواننده را به خود جلب می‌کند طرح روی جلد کتاب است که اثری از خود مولف می‌باشد. تصویر این کلاژ بر روی جلد کتاب، انسانی را در حال شخم به‌سیله‌ی تراکتور نشان می‌دهد، شاید تصویری از مکتب نوسازی و تصور سازه‌محور و تکنولوژی‌محور از توسعه است؛ یعنی اگر پول، امکانات و تکنولوژی باشد، توسعه نیز محقق خواهد شد، دیدگاهی که نویسنده^{۱۴} در کتاب، به دنبال نقد و رد آن بوده است. در فصل اول کتاب با عنوان "راه‌ها و چاه‌ها و چاره‌ها (دو گانگی و چندگانگی فرهنگی و نظام سوداگری در غرب، توسعه و تکنولوژی و تبعات آن) به تبیین بحث‌های عام مربوط به کتاب و دیدگاه‌های نویسنده در سطح جهانی پرداخته شده است و موضوعاتی چون مکتب نوسازی، چند پارچگی و یا حداقل دو پارچگی فرهنگ و تمدن غربی، انتقادات از فرهنگ تمدن غربی (نه کلیت این فرهنگ و تمدن، بلکه بر بخش در اقلیت غرب از نظر جمعیت و در عین حال در حاکمیت و قدرت غرب) تحلیل شده است.

در فصل دوم با عنوان "توسعه پایدار دانشگران و دانشگاه‌های ما" نویسنده پس از مرور نظرات برخی از صاحب‌نظران، به بیان دیدگاه‌های خود درباره خاص‌بودگی مسائل ایران می‌پردازد. نویسنده‌ی کتاب چنین می‌نویسد: «...ما باید چه کار کنیم که انگلستان مشکل کمبود آب و باران ندارد، یا تفاوت مشکل آب هلند با مشکل آب ما از زمین تا آسمان است! و مسئله سیاهان و رنگین‌پوستان را در ایران نداریم. برای بازنماندن از انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی مدرن امروزی، چگونه باید برای خود مسئله نژادی و جنبش نژادی و مطالعات سیاهان و سرخ‌پوستان بیافرینیم؟! اگر اروپاییان و آمریکاییان مسئله‌ای به‌نام توسعه ندارند، چرا ما باید آن را کنار بگذاریم؟ اگر مشکل

۹-Human development report

۱۰ - در ادامه مقاله به منظور سهولت بجای "مردم شناس و جامعه شناس ایرانی مرتضی فرهادی" از فرهادی استفاده شده است.

۱۱ - عنوان کامل کتاب "صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن: انسان شناسی توسعه نیافتگی و واگیره پیشرفت پایدار و همه سوبه فرادادی و فتوتی در ایران" می‌باشد که برای سهولت در مقاله از عبارت مختصر "صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن" استفاده شده است.

۱۲- استاد مرد مشناسی هندی.

۱۳- در ادامه مقاله هر جا از واژه کتاب بدون ذکر نام کتاب استفاده شده است مقصود کتاب "صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن" است.

۱۴ - در ادامه مقاله هر جا از واژه نویسنده بدون ذکر نام استفاده شده مقصود مردم شناس و جامعه شناس ایرانی مرتضی فرهادی می‌باشد.

آن‌ها کار و تولید نیست و بازاریابی، تبلیغات تجارتي و بازاریابی پارتیزانی است، چرا ما باید تولید و فرهنگ تولیدی را رها کرده و نوکر بی‌جیره و مواجب آن‌ها در بازاریابی چریکی نیابتی و تنورتابی و بازار گرم‌کنی و مصرف و خرید و پرسه و پاساژ بشویم؟»

فصل سوم که هم‌نام کتاب است: «صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن؟» به تبیین عنوان پرداخته است. «...منظور ما از "فراز سنت" در این نوشته، ... بخشی از میراث فرهنگی یک ملت می‌باشد که مقوم توسعه پایدار و پایه‌دار موتور محرک و پیش‌برنده و بالابرنده آن است و به شکل دقیق‌تری در کارهای متأخر، مولف بخش بسیار کارآمد و کاربردی آن را به نام "پتانسیل فرهنگی" نام نهاده است که شامل فرهنگ تولیدی، فرهنگ کار و دانش‌های سنتی اعم از رسمی مکتوب و دانش مردمی شفاهی و نامکتوب، اعم از دانش صریح و ضمنی و فناوری‌های سنتی و تکنیک‌های بدن و گروه‌ها و سازمان‌های یاریگر و مدیریت‌های سنتی و مشارکتی صنفی و عناصر و مجموعه‌ها و الگوهای وابسته به آن است که تسهیل‌گر، روان‌ساز و توانایی بخش است. بخش دیگر آن بیشتر باورهای نظری برانگیزاننده و پشتیبانی‌کننده و جهت‌بخش بوده و شامل برخی از رازآموزی‌های مذهبی و هنری و فلسفی واقع‌گرایانه‌ی مردمی ضروری دیرینه و کهن‌ریشه می‌باشند و از آن جمله ادبیات شفاهی چندمنظوره و پرآموزه با محتوی میان‌رشته‌ای و میان‌عرفتی آسان‌نشین بر دل و روان آدمی از اقتصاد تا جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی و تعاون و یاریگری گرفته تا علوم نظیر آب و هواشناسی و گیاه‌شناسی و بوم‌شناسی تا آموزه‌های اخلاقی مذهبی و فلسفی. منظور ما از بر "فراز سنت" قرار گرفتن مکانیکی و فیزیکی و مکانی نیست و از سوی دیگر بر فراز سنتی مرده نیست، بلکه سنتی است که میل به دگرگونی و تکامل و زایش و رویش و جهش دارد. یک پای آن در گذشته و حتی گذشته‌های بسیار دور، و یک پای آن در آینده است». یکی از جدی‌ترین مسائل مطرح در این فصل، به چالش کشیدن گونه‌شناسی‌های رایج در علوم اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناسی که شناخته‌شده‌ترین نمونه‌ی آن، طبقه‌بندی‌ها و تقابل‌های دوتایی از جوامع از جمله سنتی/صنعتی است. نویسنده کتاب در توضیح این موضوع چنین می‌نویسد: «طبقه‌بندی جوامع جهان به سنتی و صنعتی از آن جهت یک طبقه‌بندی نامناسب و گمراه‌کننده است که تلویحاً و تصریحاً سنت را در برابر صنعت و سنتی را در برابر صنعتی قرار می‌دهد. در حالی که اگرچه جوامع صنعتی امروز جهان با همان جوامع در روزگار سنتی بودنشان تفاوت‌هایی دارند؛ اما بذر و جوانه‌های این جوامع صنعتی از دل همان جوامع سنتی رشد کرده است.

فصل چهارم کتاب اشاره دارد به «مکتب نوسازی، روستو و خیز گلایدی» که نقدی بر نظریات روستو یکی از نخستین نظریه‌پردازان مکتب نوسازی است. نویسنده کتاب در این فصل می‌کوشد تا دوربودن مدینه‌ی فاضله‌ی ترسیم‌شده توسط روستو و مراحل پنجگانه رشد اقتصادی وی که در واقع در برابر نظریه‌ی دوره‌بندی مارکسیستی تنظیم شده‌بود و همچنین برنامه‌های توسعه‌ای دیگر همچون اصل چهار ترومن و اصلاحات ارضی را که عمدتاً رویکردی از بالا به پایین داشته‌اند، به خصوص با توجه به شرایط ایران و بیان مسائل مختلفی مورد انتقاد قرار می‌دهد. قرائت مولف کتاب صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن از نظریه‌ی مراحل پنجگانه رشد اقتصادی روستو قابل توجه است. در واقع و در عمل خبری از مراحل پنجگانه رشد اقتصادی نیست و آنچه هست خیزی گلایدی و سپس سقوط در مرداب مصرف‌گرایی! که نام‌گذاری هوشمندانه‌ی این فصل نیز گواه آن است. وجود مبادلات نامتقارن سرد، برای همه‌ی کشورهای توسعه‌نیافته پیرامون قدرت اروپا و آمریکا و به ویژه امکانات فراوان برخی کشورهای کهن‌فرهنگ آسیا و آفریقا و از آن جمله امکانات و منابع فراوان نفت در ایران و آزار خواب در زیر سایه‌ی دکل‌های نفت که بعداً با نام آزار هلندی شهرت یافت که به ملت‌هایی نظیر ما امکان مصرف بدون تولید را داده بود، سبب شد که خیز گلایدی‌شده‌ی نسخه‌پروازی روستو ما را با سر در مرداب مصرف و مصرف انبوه و اسراف در مصرف پرتاب کند. عشق به مصرف در دولت‌ها و مردم ما چنان و رسانه‌های ما پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ چنان بالا گرفته بود که یادمان رفت که روستو سفارش کرده بود که برای رسیدن به بلوغ رشد خود نگهدارنده ما باید بخشی از درآمدمان را صرف سرمایه‌گذاری در تولید کنیم؛ اما ما در صرف درآمدهای نفت‌آورده و آب‌آورده و وام‌آورده و غیر چنان پیش رفتیم که رکورد مصرف را در جهان مصرف‌زده، زدیم و در بسیاری از موارد، حتی در مصرف مرگ از دیگر کشورها و ملت‌ها پیش افتادیم»

در فصل پنجم با عنوان "آزار ایرانی‌الاصل و هلندی‌الاسم و پیامدها و پسامدهای آن در ایران" نویسنده کتاب کوشش دارد تا به پیامدهای غیراقتصادی آزار هلندی بپردازد زیرا «اگرچه در آغاز ممکن است از اقتصاد سرچشمه بگیرد؛ اما هرگز در اقتصاد متوقف نمی‌شود، زیرا ماهیتی دارد که همه‌ی ارگانیزم را درگیر کرده و هم‌چون سرطان، دائم، اندام‌ها و دستگاه‌های سالم را نیز به تصرف خود در می‌آورد، که خطرناک‌ترین آن، درگیری سلسله اعصاب و آفت سطح هشیاری موجود در مورد توسعه و هر مسئله مهم و نوعی زوال عقل جمعی می‌شود» علاوه بر این در این فصل نویسنده نگاهی دوباره و متفاوت به دولت ملی دکتر محمد مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انداخته و از زاویه‌ای کمتر شنیده‌شده و دیده‌شده به آن نگریسته و تحلیل‌هایی نو ارائه داده است. نخستین تحریم نفتی ایران در زمان دولت مصدق صورت گرفت. مسئله‌ای که ایران امروز نیز به گونه‌ای دیگر با آن روبه‌رو گشته و راه‌های برون‌رفت آن زمان، از جمله اقتصاد بدون نفت، خرید اوراق قرضه ملی، جلوگیری از واردات کالاهای غیرضروری و سرمایه‌گذاری در تولید داخلی، می‌تواند امکان‌هایی برای وضعیت

کنونی فراهم آورد. این سیاست‌های اقتصادی دولت ملی موجب گشت تا برای نخستین بار، صادرات غیرنفتی ایران از واردات بیشتر شود، مسئله‌ای که دیگر در تاریخ ایران تکرار نشد.

فصل ششم کتاب «پیامدها و پیامدهای غیراقتصادی اقتصاد بادآورده» است که در آخرین فصل از جلد نخست کتاب تبیین شده است. نویسنده در این فصل در پی آن است تا نشان دهد که پیامدهای «اقتصاد بادآورده» تنها محدود به اقتصاد نمی‌شود، بلکه عرصه‌های فرهنگی و حوزه‌های اجتماع را نیز درمی‌نورد. علاوه بر آن شیوه‌های تولید را از صنعت به ساختمان‌سازی می‌گرداند. نویسنده در این کتاب مفهوم اقتصاد بادآورده را برای نخستین بار به کار نمی‌برد، بلکه پیش از این نیز در نوشته‌ها و آثار دیگر خود از آن استفاده کرده بود. برای نمونه وی در مقاله‌ی مکل مکل مکینگی «اقتصاد بادآورده» را این‌گونه تعریف می‌کند: «اقتصاد بادآورده، اقتصادی شکننده و آستیگمات و پر از کاستی و کژی و بیماری‌زا و آزارآفرین است... اقتصاد بادآورده گردآمدن شرایطی لحظه‌ای و امکاناتی ناپایدار است که فرد یا افرادی و یا ملتی در دوره‌ای کوتاه می‌تواند، با تولید کم و یا حتی نزدیک به بی‌تولیدی، چندین و چندبرابر تولیدات خود مصرف کند. اقتصاد بادآورده، اقتصادی تهی از عقلانیت و اکنون‌نگر و انگلی است که کارکرد بنیادی اقتصاد راستین و پایدار که نیازمند اندیشه و تدبیر و تحقیق و تجربه و کار و کوشش، یعنی وظیفه‌ی خطیر تولید است، از آن حذف شده...». دومین موضوع قابل ذکر به این مسئله بازمی‌گردد که یکی از دلایلی که عموماً در رابطه با توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم ذکر می‌گردد عدم وجود ثبات سیاسی است. نویسنده در مواجهه با این نظر چنین می‌نویسد: «آیا وضعیت کشورهای دارای ذخایر زیرزمینی و با سکون و استمرار سیاسی زیاد، بهتر از ما می‌باشند؟ در سیاست‌های بنیادی عربستان سعودی و لیبی تا همین اواخر، در چند دهه گذشته کدام تلاطم و تغییر معناداری وجود داشته است؟ در کشورهای عربی نفت‌خیز دیگر چطور؟» همان‌طور که گفته شد نویسنده در این فصل در پی آن است تا نشان دهد که پیامدهای اقتصاد بادآورده تنها محدود به عرصه‌ی اقتصادی نیست، وی در ذیل عناوینی بحث‌های مفصلی را مطرح می‌کند که در اینجا به دلیل محدودیت تنها عناوین آن‌ها ذکر می‌گردد: ۱- پیشتازی مصرف، ۲- سرفست مستمر در فرهنگ تولیدی و کار، ۳- یارانه‌های پنهان و آشکار مصرفی و وام‌های غیرتولیدی فرودگاه توسعه‌گلابدیری، ۴- تنبلی ذهن، ۵- تنبلی تن، ۶- رشد سرطان فردگرایی و خودخواهی و خودشیفتگی بی‌علت و جهت، ۷- اقتصاد بادآورده و واقعیت، ۸- مدواری.

در فصل هفتم بعنوان نخستین فصل از جلد دوم کتاب با موضوع «جامعه‌ی فرامصرف‌گرا و تولید ستیز ایران (آزار ناسور و عود علائم نونما و نوزود اقتصاد بادآورده و از آن جمله آزار هلندی و نفرین نفت)» نویسنده به نقد روشنفکران و غفلت آنان از تجارب دو قرن اخیر و همچنین غفلت از تجارب تاریخی غرب در مقابل القاهای نظریه‌های مکتب نوسازی می‌پردازد. نویسنده‌ی کتاب در بخش نخست این فصل به پیامدها و آثار مخرب مصرف‌گرایی و مصرف‌گرایی افسارگسیخته می‌پردازد که نقل‌قول‌هایی از صاحب‌نظران کشورهای دیگر همچون هاجون چنگ آن را خواندنی می‌کند.

عنوان فصل هشتم «ژاپنی پسرعموی شرق شرقی ما چه کرده است و ما چه می‌کنیم؟» است، در این فصل نویسنده، برخلاف رویکرد مکتب نوسازی، نشان می‌دهد که توسعه‌ی ژاپن برآمده از فرهنگ ژاپنی بوده و مدرنیته‌ی ژاپنی بر شانه‌های سنت‌های کهن بنا شده است. این مسئله پرسشی چنین را در برابر ما مطرح می‌سازد: «چگونه می‌توان سنتی بود اما گذشته‌گرا نبود، چگونه می‌شود هم پیشرفت کرد، هم اصالت داشت. چطور ممکن است هم سنت را حفظ کرد و هم تحول یافت.

در فصل نهم کتاب با عنوان «چین چه می‌کند، ما چه می‌کنیم؟» به تجربه توسعه چین از جمله کشورهای موج دوم پرداخته شده است. نویسنده کتاب می‌نویسد دلیل انتخاب چین این بوده که نشان دهد برخلاف تصور غالب نظام سیاسی نیست که می‌تواند یک جامعه را به سمت توسعه راهبری کند، بلکه مهم‌تر از آن فرهنگ تولیدی و فرهنگ کار می‌باشد. وی معتقد است: «سیاست با همه قدرت خود محصول عوامل قوی‌تر اما مستور است که ممکن است در جای‌های نامانوس و شیوه‌های ناملموس و ناپیدا سیاست را شکل داده و کانون یا کانون‌های قدرت را بود یا نابود کند» نویسنده در این فصل علاوه بر پرداختن به تجربه توسعه چین، به نقد نظریه‌های شرق‌شناسانه از مارکس گرفته تا وبر می‌پردازد و در این راه نقل‌قول‌هایی قابل توجه از ادوارد سعید، سمیر امین و جان ام. هابسون می‌آورد؛ اما وی در عین نقد، جانب انصاف را به ویژه درباره کارل مارکس فرونمی‌گذارد.

در فصل دهم کتاب با عنوان «هندیان، دیرینه‌تر خویشان ما چه کرده‌اند ما چه می‌کنیم» به تجربه‌ی توسعه هند اختصاص یافته است. هند که پیش از جدایی پاکستان، همسایه‌ی دیوار به دیوار ایران بود، و به روایت نویسنده کتاب، مردمانی چون مردمان کرمان و سیستان و بلوچستان و یزد داشت، به همراه چین و ژاپن، راه‌های نرفته و پیش‌بینی نشده‌ای را در توسعه رفتند و به موفقیت‌های چشمگیری دست پیدا کردند که جهان غرب آن‌ها را پیش‌بینی نمی‌کرد و این موضوع خود نشان دهنده‌ی آن است که راه توسعه و مسیر تاریخ تک‌خطی نیست. برای نمونه، هند در مواجهه با تکنولوژی، به توسعه‌ی تکنولوژی نیمه‌پیشرفته و تکنولوژی نرم دست‌زد، مسئله‌ای که بی‌ارتباط با فرهنگ کار و فرهنگ تولیدی نیست. تبیین اجمالی از کتاب بیانگر این است که پرداختن به فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگ

توسعه دارای اهمیت بالایی در طی نمودن مسیر توسعه محسوب میشود و در بطن فرهنگ نگاه به سنت میتواند اثرگذاری مطلوبی در مسیر توسعه داشته باشد. همانگونه که در بیان مسأله اشاره شد در این مقاله تحلیل ادبی با تمرکز بر اشعار و ضرب المثل‌های کتاب به عنوان مصداق‌های فرهنگی-سنتی توسعه مطرح نظر بوده است که در ادامه مروری به پیشینه این موضوع شده است.

بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اغلب مطالعات مربوط به توسعه با رویکرد توسعه با محوریت صنعت و با تمرکز بر ابعاد اقتصادی و کمتر فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بوده است. بنابراین پیشینه غنی در خصوص پژوهش در زمینه توسعه با محوریت سنت و به ویژه ادبیات متمرکز بر اشعار و ضرب المثل وجود ندارد. برای نمونه پیروز و عبدالهی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "ادبیات به عنوان کانون بازتاب توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی: گذار از سنت به تجدد در آثار میرزاده عشقی" در بخش پیشینه چنین قید کرده اند «تاکنون در رابطه با این موضوع پژوهشی صورت نگرفته است». با این وجود به منظور تبیین منطقی فرایند مقاله برخی از مطالعات مرتبط با موضوع به عنوان پیشینه در ادامه آورده شده است.

ذوالفقاری (۱۳۸۶) در تحقیقی با عنوان «هویت ایرانی و دینی در ضرب المثل‌های فارسی»، سعی در پاسخ به این سؤال دارد که نقش ضرب المثل‌ها در انعکاس و تقویت هویت ملی چیست؟ بعد از بررسی یک صد هزار ضرب المثل فارسی براساس دو مؤلفه ملی با معرفت‌های وطن، زبان، اسطوره‌ها، سنت‌ها و اقوام و مؤلفه‌های دینی با معرفت‌های: آیات و احادیث، اصطلاحات، مفاهیم، آداب و اعمال، نام‌ها و جاهای دینی و مذهبی وی نتیجه می‌گیرد: در حوزه‌ی مؤلفه‌های ملی، ۱۵۳۸ مثل و در حوزه‌ی مؤلفه‌های دینی ۶۸۰۰ مثل (جمعاً ۸۳۳۸ مثل) وجود دارد که به طور مستقیم به مسائل ملی اشاره دارند.

نوبین (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «تحلیل روانشناختی امثال و حکم فارسی» امثال و حکم فارسی را از منظر «روانشناسی ادبیات» مورد تحلیل قرار داده و نتیجه می‌گیرد: جلوه‌های روانی مانند کنش و رفتارهای اجتماعی، تلقین‌پذیری و انواع تعارض‌های روان‌شناختی در مثل‌های فارسی جلوه خاصی یافته‌اند.

پژوهشی دیگر از ساروخانی و قبادی (۱۳۸۶) با عنوان «روایت اجتماعی-فرهنگی قصه‌های ترکمنی» انجام شده است. این پژوهش شامل مطالعه‌ی تفسیری درباره قصه‌های مردم ترکمن است. محققان نتیجه می‌گیرند که: رویدادهای سیاسی، تاریخی و... در شکل اخلاقیات، ارزش‌ها و ایستارها منعکس می‌شوند. ضرب المثل‌ها به عنوان یک نشانه حامل پیام هستند و این پیام دربرگیرنده عنصر معرفتی یا شناختی است. کاربران عموماً از ساختارهایی که پشت ضرب المثل‌ها نهفته بی‌خبر و ناآگاهند و این که ضرب المثل‌ها عموماً تاریخ تولد و پیدایش مشخصی ندارند.

خاکی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان «تحلیل زبانزدی، روشی برای فهم ویژگی‌های عقلانیت ایرانی» معتقد است برای فهم عقلانیت ملت‌ها نباید به آثار نخبگان پرداخت؛ در عوض می‌بایست به نشانگان دیگری از قبیل زبانزدهای ملت که نمود خلقیات، عادات و اندیشه‌ها هستند، پرداخت.

فاطمی (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «بررسی و تحلیل منطقی لغزش‌های فکری خرد عامه در ضرب المثل‌های فارسی»، توصیه نامه منطقی برای تدوین کنندگان ضرب المثل‌های فارسی ارائه داده است تا مخاطبان را به برداشت صحیح و کاربرد درست مثل‌های منطقی و نیز اجتناب از کاربرد مثل‌های مغالطه‌آمیز رهنمون سازد.

جوانمرد و نجیب زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «بررسی مردم‌شناختی ویژگی‌های فرهنگی و اقلیمی در ضرب المثل‌های شهر کرمان»، به تحلیل ضرب المثل‌ها پرداخته و نتیجه می‌گیرند: از خلال ضرب المثل‌ها می‌توان به افسانه‌ها، تاریخ و سرگذشت این قوم دست یافت.

ارمکی و همکارانش (۱۳۹۲) در مطالعه‌ی با عنوان «تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه: با تأکید بر ضرب المثل‌های لری» از منظر فرهنگ متمرکز بر ادبیات به موضوع توسعه پرداخته‌اند. در این مطالعه با روش تحلیل محتوا مؤلفه‌های توسعه‌ای موجود در ضرب المثل‌ها شناسایی و تشریح شده است.

پیروز عبدالهی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان "ادبیات به عنوان کانون بازتاب توسعه فرهنگی و اجتماعی: گذار از سنت به تجدد در آثار میرزاده‌ی عشقی" به مطالعه مهمترین نمودهای تجددگرایی در اشعار میرزاده عشقی در مسیر تحولات فرهنگی و اجتماعی پرداخته‌اند.

جویباری و چراتی (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای با عنوان "چشم انداز اشعار معاصر ایران به توسعه اجتماعی" در پی پاسخ به این پرسش آمده‌اند که آیا شاعران معاصر و حاضر در عرصه ورود مدرنیته به ایران، توجهی به توسعه و گذر از سنت داشته‌اند؟ و اگر این گونه بوده چه مفاهیمی را مدنظر داشته‌اند؟ در این بین با بررسی آثاری از پنج شاعر (نیما یوشیج، محمد تقی بهار، احمد شاملو، سهراب سپهری و فروغ فرخزاد) که در بازه زمانی ۱۲۵۰ تا ۱۳۵۰ شمسی آثارشان را ارائه داده‌اند، به پاسخ این پرسش با شیوه تحلیل محتوا پرداخته‌اند.

گرچی و حسینی منش (۱۳۹۲) در مطالعه ای با عنوان "تحلیل مفهوم شهر و زندگی شهری در اشعار محمد شمس لنگرودی" (با محوریت توسعه بافت کلان شهرها) با روش تحلیلی به بررسی مفهوم شهر در اشعار محمد شمس لنگرودی با محوریت تاثیر آسیب های کلان شهر و اضطراب موقعیت پرداخته اند.

روش شناسی پژوهش

هدف این مقاله تبیین مولفه های توسعه پایدار ملی با رویکرد ادبیات سنتی ایران با تمرکز بر ضرب المثل ها و اشعار گردآوری، تحلیل و طبقه بندی شده از سوی فرهادی با تمرکز بر کتاب صنعت برفراز سنت یا در برابر آن بوده است. برای نیل به مقصود مذکور و تحلیل ابعاد متفاوت و مختلف موضوع از روش اسنادی و تحلیل محتوای کتاب مذکور و رویکردها و دیدگاه های فرهادی در سایر کتاب ها، منابع، مجلات و رسانه ها استفاده شده است. به عبارتی برای دستیابی به یک دیدگاه جامع و کامل همه ضرب المثل ها و اشعار موجود در کتاب بررسی، مطالعه، تحلیل و طبقه بندی شده است. جامعه این مطالعه آثار فرهادی با تمرکز بر کتاب صنعت برفراز سنت یا در برابر آن بوده است. نمونه پژوهش اشعار و ضرب المثل های گردآوری، تحلیل و تبیین شده در کتاب بوده است که در چهار بخش فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تحلیل شده است. در انتخاب نمونه همه اشعار و ضرب المثل های موجود در کتاب انتخاب و تحلیل شده است. برای تجزیه و تحلیل اشعار و ضرب المثل ها از روش تحلیل محتوا استفاده شده است و اشعار و ضرب المثل در چهار بعد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با تمرکز بر اصالت و پدید آورنده به شرح جدول زیر بررسی و طبقه بندی شده اند.

جدول شماره ۱: فراوانی و درصد اشعار و ضرب المثل ها در ابعاد چهارگانه توسعه

بعد شاخص	فرهنگی		اجتماعی		اقتصادی		سیاسی		مجموع	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
اشعار	۶۹	۱۰۰	۴۲	۶۶	۴۹	۴۵	۴۳	۵۸	۲۳۴	۶۰
ضرب المثل ها	۳۱	۴۵	۲۲	۲۴	۶۱	۵۵	۳۱	۴۲	۱۵۹	۴۰
مجموع	۱۰۰	۱۴۵	۶۴	۱۰۰	۱۱۰	۱۰۰	۷۴	۱۰۰	۳۹۳	۱۰۰

منبع: محاسبات پژوهشگر

یافته های پژوهش

یافته های پژوهش بر حسب تحلیل محتوا در دو کتاب طبقه بندی شده است. در بخش اول یافته های موضوعی که بر حسب موضوعات و شاخص های کلیدی مطرح در فصل مختلف تحلیل و طبقه بندی شده است. در بخش دوم بر حسب ابعاد چهارگانه توسعه اشعار و ضرب المثل ها طبقه بندی و آورده شده است.

الف- یافته های موضوعی: همانگونه که داده های جدول شماره ۲ نشان می دهد ۲۲۵ مورد شعر و ۱۷۰ مورد ضرب المثل در کتاب استفاده شده است^{۱۵}. در جدول زیر درصد توزیع اشعار و ضرب المثل ها در محورهای موضوعی مختلف و بر حسب فصول کتاب استخراج و گزارش شده است.

جدول شماره ۲: فراوانی و درصد اشعار و ضرب المثل ها به تفکیک محورهای موضوعی (چارچوب و فصول کتاب)

رتبه	مجموع		ضرب المثل		اشعار		عنوان فصل	فصل
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱	۲۰	۷۸	۱۰	۱۶	۲۷	۶۱	کلیات (اهمیت و پیشینه مشکلات منظومه ای توسعه پایدار در ایران)	مقدمه

اول	راه ها و چاه ها و چاره ها(دوگانه گی و چندگانگی فرهنگ و نظام سوداگری در غرب، توسعه و تکنولوژی و تبعات آن)	۱۶	۷	۱۵	۹	۳۱	۸	۴
دوم	توسعه پایدار دانشگران و دانشگاه های ما	۱۱	۵	۱۶	۹	۲۷	۷	۵
سوم	صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن	۱۲	۵	۱۹	۱۱	۳۱	۸	۴
چهارم	مکتب نوسازی، روستو و خیز گلایدری	۷	۳	۴	۲	۱۱	۳	۷
پنجم	آزار ایرانی الاصل و هلندی الاسم و پیامد ها و پسامد های آن در ایران	۴	۲	۴	۲	۸	۲	۸
ششم	پی آمد ها و پسامد های غیر اقتصادی (اقتصاد باد آورده)	۴۴	۲۰	۱۷	۱۰	۶۱	۱۵	۳
هفتم	جامعه "فرا مصرف گرا و تولید ستیز ایران(آزار ناسور و عود علائم نو نما و نوفزود" اقتصاد باد آورده و از آن جمله آزار هلندی و نفرین نفت)	۲۲	۱۰	۳۵	۲۱	۵۸	۱۵	۳
هشتم	ژاپنی پسر عموی شرق شرقی ما چه کرده است و ما چه می کنیم؟	۳۱	۱۴	۳۶	۲۱	۶۷	۱۷	۲
نهم	چین چه میکند؟ ما چه میکنیم؟	۱۰	۴	۷	۴	۱۷	۴	۶
دهم	هندیان "دیرینه تر خویشان ما" چه کرده اند، ما چه میکنیم	۷	۳	۱	۱	۸	۲	۸
	مجموع	۲۲۵	۱۰۰	۱۷۰	۱۰۰	۳۹۵	۱۰۰	-

منبع: محاسبات پژوهشگر

محور موضوعی ۱: مقدمه: کلیات(اهمیت و پیشینه مشکلات منظومه ای توسعه پایدار در ایران): در ابتدای کتاب مقدمه‌های با عنوان " کلیات (اهمیت و پیشینه مشکلات منظومه ای توسعه پایدار در ایران)" آورده شده است که تحلیل محتوای آن نشان می دهد در مقدمه طولانی ۱۶۶ صفحه‌ای کتاب، مؤلف نقد سیاست های توسعه ای ایران را با نظر به تصمیمات مدیریتی کشور در سده اخیر آغاز می کند. تصمیماتی که ذیل عنوان «مکتب نوسازی» قرار گرفت، «مسئله توسعه با نام های دیگر ترقی، آبادانی، عمران، پیشرفت و تجدد بیش از ۱۵۰ سال است که در مرکز توجه مصلحین و تحصیل کردگان و برخی روشن فکران و سیاست مداران ایران بوده و پس از جنگ جهانی دوم و به دلایلی که خواهد آمد از جانب صاحب نظران و دانشمندان علوم سیاسی و اقتصادی و علوم اجتماعی و همچنین سیاست مداران غربی و به ویژه رؤسای جمهور امریکا و اتاق های فکر آنان پس از جنگ جهانی دوم نیز قرار گرفته و در نظریات مکتب نوسازی مقدم تبلور یافته است». مدعا و استدلال فرهادی در مقدمه «انسان شناسی توسعه نیافتگی» این است که «مکتب نوسازی» بخشی از ریل گذاری کشورهای توسعه یافته و استعمارگر است برای بهره کشی از کشورهایی که سودای توسعه را در سر داشتند و دارند(فرهادی، ۱۳۹۷)

محور موضوعی ۲: راه ها و چاه ها و چاره ها(دوگانه گی و چندگانگی فرهنگ و نظام سوداگری در غرب، توسعه و تکنولوژی و تبعات آن): در فصل اول کتاب به چند موضوع مهم در پیوند با تکنولوژی از جمله دوگانگی و دوگونگی فرهنگ و تمدن غربی می پردازد. نویسنده برخلاف جریان های غالب که تصویری یک پارچه از فرهنگ و تمدن غربی دارند، چنین نمی اندیشد و معتقد به چندلایگی فرهنگ و تمدن غربی است و نه به یک پارچگی جامعه و فرهنگ غرب معتقد است و نه به خود مختاری و جبر غیر قابل قبول کنترل و علاج ناپذیر تکنولوژی. بحث دیگر این فصل مربوط به تفاوتی است که نویسنده کتاب میان «نیاز» و «خواست» قائل است و توضیحات که در نقد طبقه بندی نیازهای «جان کیج» ارائه می دهد. تکنولوژی امروزه ابزاری است که به شکل غالب در دست بخش مسلط جامعه جهانی بوده و از جانب این بخش هدایت و برنامه ریزی می شود و به شکل پیوسته با منافع این اقلیت قدرتمند سازگار و همخوان می گردد و به ویژه در پانصدسال گذشته در دست جوامع سوداگری استعماری، هدف و جهتی کاملاً سلطه گرانه یافته است، پس علت العلل وضعیت فناوری را، نه فقط در ذات تکنولوژی، بلکه در جوهره ای جامعه ای باید جستجو کرد که این تکنولوژی در آن پدیدار گشته و بالیده، تثبیت، تربیت و تسخیر شده است. مقصر دانستن تکنولوژی و ماهیت تکنولوژی بدون توجه به ماهیت جامعه آفریننده آن، نوعی تبرئه ضمنی و استتار شده قدرت های حاکم و قاهر و جابر جهانی آن می باشد و محاکمه چماق به جای چماق دار! و چماق زن است و اگرچه امکان دارد نفس داشتن چماق هم وسوسه کننده باشد... در جامعه تقسیم شده، تکنولوژی بیش از آنکه به سود اکثریت زیرسلطه باشد، همساز با منافع اقلیت در قدرت است. در انتهای این فصل نویسنده فرار از تکنولوژی بی قواره برآمده از نوسازی را تنها با «مهار نیروهای لجام گسیخته فردگرایی

افراطی نظام سوداگری - استعماری» میسر می‌داند. از شاخص‌های توسعه‌ای، شناسایی شده از تحلیل محتوای اشعار و ضرب‌المثل‌های این بخش می‌توان به مواردی چون آگاهی اجتماعی، مقرر بودن ملت‌های ستم دیده (بدلیل ناآگاهی) در کنار همدستان و همسودان داخلی و استعمار خارجی، همسو بودن همدستان داخلی در کنار استعمار خارجی، نقش و غارت نظام سوداگری، استعماری از کشورهای توسعه نیافته دارای منابع و ذخایر زیرزمینی، پارکینگ شدن جهان براساس طبقه بندی نیازها از نظرکیچ، تکنولوژی به عنوان شر لازم، آهنگ رشد تکنولوژی، کنترل تکنولوژی، یاغی شدن تکنولوژی در جوامع افسار گسیخته، نقش تمدن غرب بر تکنولوژی و بالعکس، عدم تعادل بین تولید و مصرف، مصرف‌گرایی حاصل از تکنولوژی، دور شدن از فرهنگ کار و تولید و افزایش بی‌رویه مصرف، تفاوت استفاده از تکنولوژی در کشورهای سازنده و مصرف‌کننده تکنولوژی، بی‌اعتمادی جمعی به فرهنگ بومی، کاهش فرهنگ تولید و کار و افزایش بی‌رویه مصرف اشاره کرد. (فرهادی، ۱۳۹۷)

محور موضوعی ۳: توسعه پایدار دانشگران و دانشگاه‌های ما: نگارنده‌ی کتاب پس از مرور نظرات برخی از صاحب‌نظران، به بیان دیدگاه‌های خود درباره خاص‌بودگی مسائل ایران می‌پردازد. بررسی مسئله دانش و بحران دانشگاه - خاصه گروه‌های علوم انسانی و اجتماعی - که خود به دست آمده از توسعه بیمارگونه مکتب‌نوسازی می‌باشد، در عهده این فصل است. نویسنده در مواجهه با این مسئله پرسشی بنیادین در نسبت با شرایط امروز مطرح می‌کند: «چرا علوم اجتماعی ما آستن پرسش‌های درباست (ضروری و واجب) و بنیادی و بن‌لادی در کشور ما نیست و در نتیجه انگار در حالت بی‌وزنی به سر می‌برد. در فرازی از این فصل می‌خوانیم «تا روزگاری که ما نتوانیم مسائل ویژه و در اولویت خود را تعریف کنیم، این رسالت همچنان نامعلوم و کار ما دنباله روی کورکورانه از مسائل دیگران باقی خواهد ماند. ما باید چه کار کنیم که انگلستان مشکل کمبود آب و باران ندارد، یا تفاوت مشکل آب هلند با مشکل آب ما از زمین تا آسمان است! و مسئله سیاهان و رنگین‌پوستان را در ایران نداریم. برای بازماندن از انسان‌شناسی و مطالعات فرهنگی مدرن امروزی، چگونه باید برای خود مسئله نژادی و جنبش نژادی و مطالعات سیاهان و سرخ‌پوستان بیافرینیم؟! اگر اروپاییان و آمریکاییان مسئله‌ای به‌نام توسعه ندارند، چرا ما باید آن را کنار بگذاریم؟ اگر مشکل آن‌ها کار و تولید نیست و بازاریابی و تبلیغات تجاری و بازاریابی پارتیزانی است، چرا ما باید تولید و فرهنگ تولیدی را رها کرده و نوکر بی‌جیره و مواجب آن‌ها در بازاریابی چریکی نیابتی و تنورتابی و بازارگرم‌کنی و مصرف و خرید و پرسه و پاساژ بشویم و از کلمات قصار امام علی (ع) «آنکه نداند از کجا آمده است هرگز نخواهد دانست که به کجا می‌رود». از شاخص‌های توسعه‌ای شناسایی شده از تحلیل محتوای اشعار و ضرب‌المثل‌های این بخش می‌توان به مواردی چون استفاده از تمامی ظرفیت‌های دانش از گذشته تا آینده، جایگاه والای آموزش، اهمیت پرسشگری و پژوهش، تولید علم به صورت دسته جمعی، فهم پذیری از تاریخ، استفاده از اولویت‌های پژوهشی بر اساس مسائل موجود کشور، ذوق زدگی تحصیل‌کردگان مکتب‌نوسازی، اهمیت دادن به فرهنگ غیرخودی (مکتب‌نوسازی) توسط پژوهشگران و تحصیل‌کردگان و گریز از فرهنگ تاریخی و بومی و ملی خود و تفاوت الزامات جامعه‌شناسی - انسان‌شناسی و روانشناسی ایران با سایر ملل اشاره کرد (فرهادی، ۱۳۹۷).

محور موضوعی ۴: صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن: مهم‌ترین فصل کتاب، که دیگر فصول بر محوریت آن تفصیل یافته‌اند، ایده اصلی آن با این اجمال آغاز می‌شود که توسعه امری در مقابل سنت و تراث تاریخی (گذشتگان) ملت‌ها نیست، بلکه توسعه با قرار گرفتن بر زمین و زمینه سنت‌های قومی است که ممکن خواهد شد، بنابراین بر ذمه اهل فکر و اندیشه است که به شناسایی سنت و استخراج دانش ضمنی نهفته در آن بپردازند. بدین منظور که این سنت‌ها و دانش‌های برآمده از آن، ظرفی باشد برای توسعه بومی. سنت در این نوشته، بخشی از میراث فرهنگی یک ملت می‌باشد که مقوم توسعه پایدار و پایه‌دار موتور محرک و پیش‌برنده و بالابرنده آن است و به شکل دقیق‌تری در کارهای متأخر، مولف بخش بسیار کارآمد و کاربردی آن را به نام "پتانسیل فرهنگی" نام نهاده و تعریف کرده است که شامل فرهنگ تولیدی، فرهنگ کار و دانش‌های سنتی است. منظور مولف از بر "فراز سنت" قرار گرفتن مکانیکی و فیزیکی و مکانی نیست و از سوی دیگر بر فراز سنتی مرده نیست، بلکه سنتی است که میل به دگرگونی و تکامل و زایش و رویش و جهش دارد. یک پای آن در گذشته و حتی گذشته‌های بسیار دور و یک پای آن در آینده است. فراز سنت گذشته بیاد آمده در زمان حال و خیز برداشته به آینده است. از نظر نویسنده فرق است بین جامعه سنتی صنعتی شده که بر ریشه و و حداقل بر خاکستر جامعه سنتی خود روئیده است و آن جامعه سنتی صنعتی نشده که می‌خواهد زمین و فرهنگ خود را زیر پای خود پس بزند و بر بستر بیگانه برود. حرکت غرب از سنت به صنعت و توسعه اولاً پیوسته و ثانیاً درون‌زا و ثالثاً تا اندازه زیاد ناخود آگاه و رابعاً بدون موانع جدی بیرونی بوده است. در حالی که راه عبور کشورهای تمدن‌ساز و کهن فرهنگ سنتی صنعتی نشده به سوی صنعتی شدن اولاً گسسته و ثانیاً برون‌زا و ثالثاً خود آگاه و رابعاً چه به وسیله موانع درونی به خاطر برون‌زا بودن توسعه در آن و چه به وسیله موانع بیرونی (کشورهای صنعتی شده) مانع‌گذاری شده‌اند. نویسنده در این فصل به نقل از س.ک. دیوپ بیان می‌کند برخورد شجاعانه کسانی که در مباحث توسعه سهم سنت را هم لحاظ می‌کنند سبب حیرت دیگران می‌شوند. آیا این یک مصیبت است؟ س.ک. دیوپ در پاسخ می‌گوید هرگز!

از شاخص‌های توسعه‌ای شناسایی شده از تحلیل محتوای اشعار و ضرب المثل‌های این بخش می‌توان به مواردی چون قوت استعماری، سوداگری غرب از دانش و قبضه نمودن آن، نوشتن تاریخ توسط فاتحان، قلم در کف دشمن، کار مولد و اهمیت آن نزد روستاییان از دام و زمین، سزاوار نبودن ملت کهن فرهنگ به ورطه تقلید، نظریات مکتب نوسازی و اعلام آنکه بزرگترین مانع توسعه سنت است، اهمیت پس انداز به قصد سرمایه‌گذاری، دور بودن کشورهای دارای ذخایر طبیعی از توسعه، کاهندگی فرهنگ کار و تولید و افزایش فرهنگ مصرفی اشاره کرد.

محور موضوعی ۵: مکتب نوسازی، روستو و خیز گلایدری: نویسنده‌ی کتاب در این فصل می‌کوشد تا دوربودن مدینه‌ی فاضله‌ی ترسیم‌شده توسط روستو و مراحل پنجگانه رشد اقتصادی وی که در واقع در برابر نظریه‌ی دوره‌بندی مارکسیستی تنظیم شده‌بود و همچنین برنامه‌های توسعه‌ای دیگر همچون اصل چهار ترومن و اصلاحات ارضی را که عمدتاً رویکردی از بالا به پایین داشته‌اند، به خصوص با توجه به شرایط ایران و بیان مسائل مختلفی مورد انتقاد قرار می‌دهد. قرائت مولف کتاب صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن از نظریه‌ی مراحل پنجگانه رشد اقتصادی روستو قابل توجه است. در واقع و در عمل خبری از مراحل پنجگانه رشد اقتصادی نیست و آنچه هست خیزی گلایدری و سپس سقوط در مرداب مصرف‌گرایی! که نام‌گذاری هوشمندانه‌ی این فصل نیز گواه آن است. وجود مبادلات نامتقارن سرد، برای همه‌ی کشورهای توسعه‌نیافته پیرامون قدرت اروپا و آمریکا و به ویژه امکانات فراوان برخی کشورهای کهن‌فرهنگ آسیا و آفریقا و از آن جمله امکانات و منابع فراوان نفت در ایران و آزار خواب در زیر سایه دکلهای نفت که بعداً با نام آزار هلندی شهرت یافت که به ملت‌هایی نظیر ما امکان مصرف بدون تولید را داده بود، سبب شد که خیز گلایدری‌شده‌ی نسخه‌پروازی روستو ما را با سر در مرداب مصرف و مصرف‌انبوه و اسراف در مصرف پرتاب کند. ... عشق به مصرف در دولت‌ها و مردم ما چنان و رسانه‌های ما پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ چنان بالا گرفته بود که یادمان رفت که روستو سفارش کرده بود که برای رسیدن به بلوغ رشد خود نگهدارنده ما باید بخشی از درآمدمان را صرف سرمایه‌گذاری در تولید کنیم؛ اما ما در صرف درآمدهای نفت‌آورده و آب‌آورده و وام‌آورده و غیر چنان پیش رفتیم که رکود مصرف را در جهان مصرف‌زده، زدیم و در بسیاری از موارد، حتی در مصرف مرگ از دیگر کشورها و ملت‌ها پیش افتادیم». از شاخص‌های توسعه‌ای شناسایی شده از تحلیل محتوای اشعار و ضرب المثل‌های این بخش می‌توان به مواردی چون توسعه با خیز گلایدری برای کشورهای توسعه نیافته، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، استفاده از انواع ترندها در کشورهای دارای ذخایر نفت و گاز توسط نظام استعماری، سوداگری، نپیمودن مراحل پله به پله و ایستگاه به ایستگاهی و سطح به سطح به مکتب نوسازی روستویی تا حد بلوغ توسط کشورهای جهان سوم و رسیدن به مرحله مصرف‌انبوه (با حذف مرحله بلوغ) بعنوان هدف غایی اشاره کرد.

محور موضوعی ۶: آزار ایرانی الاصل و هلندی الاصل و پیامدها و پسمندهای آن در ایران: نویسنده کتاب در این فصل و کوشش دارد تا به پیامدهای اقتصادی و غیراقتصادی آزار هلندی بپردازد زیرا «اگرچه در آغاز ممکن است از اقتصاد سرچشمه بگیرد؛ اما هرگز در محدوده اقتصاد متوقف نمی‌شود، زیرا ماهیتی دارد که همه‌ی ارگانیزم را درگیر کرده و هم‌چون سرطان، دائم، اندام‌ها و دستگاه‌های سالم را نیز به تصرف خود در می‌آورد، که خطرناک‌ترین آن، درگیری سلسله اعصاب و آفت سطح هشیاری موجود در مورد توسعه و هر مسئله مهم و نوعی زوال عقل جمعی می‌شود» علاوه بر این در این فصل نویسنده کتاب نگاهی دوباره و متفاوت به دولت ملی دکتر محمد مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ انداخته و از زاویه‌ای کمتر شنیده‌شده و دیده شده به آن نگریسته و تحلیل‌هایی نو ارائه داده است. برای بیماری هلندی نه تنها باید اثبات شود که نشانه‌های بیماری وجود دارد بلکه باید نشان داده شود که این نشانه توسط بیماری هلندی بوجود آمده است که عمده‌ترین این نشانه‌ها رونق بخش خدمات، تقویت پول ملی و افزایش نرخ ارز واقعی، افزایش واردات، کاهش نسبت صادرات کالاهای غیر نفتی و افزایش کالاهای غیر قابل مبادله است. از شاخص‌های توسعه‌ای شناسایی شده از تحلیل محتوای اشعار و ضرب المثل‌های این بخش می‌توان به مواردی چون آزار اقتصاد بادآورده، کاهندگی فرهنگ کار و تولید و افزایش مصرف‌انبوه، تسلط نظام سوداگری استعماری غرب بر اقتصاد و سیاست جوامع توسعه نیافته دارای ذخایر نفتی، تعارض بین ارزش‌های فرهنگی و جمع‌گرایانه ملت ما و ارزش‌های نوپدید و عاریه از نظام سوداگری و استعماری که سبب کندی و گاه نابودی رشد صنایع و تولیدات کشاورزی ملی گردیده است، فهم تاریخی از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تحریم‌های انجام شده توسط نظام استعماری و غربی در ایران و داشتن امید و جلوگیری از انجام دوباره آن اشاره کرد (فرهادی، ۱۳۹۷)

محور موضوعی ۷: پی آمدها و پسمندهای غیر اقتصادی (اقتصاد باد آورده): نویسنده در این فصل در پی آن است تا نشان دهد که پیامدهای "اقتصاد بادآورده" تنها محدود به اقتصاد نمی‌شود، بلکه عرصه‌های فرهنگی و حوزه‌های اجتماع را نیز درمی‌نوردد. علاوه بر آن شیوه‌های تولید را از صنعت به ساختمان‌سازی می‌گرداند. «اقتصاد بادآورده، اقتصادی شکننده و آستیگمات و پراز کاستی و کژی و بیماری زا و آزارآفرین است... اقتصاد بادآورده گردآمدن شرایطی لحظه‌ای و امکاناتی ناپایدار است که فرد یا افرادی و یا ملتی در دوره‌ای کوتاه می‌تواند، با تولید کم و یا حتی نزدیک به بی‌تولیدی، چندین و چند برابر تولیدات خود مصرف کند. اقتصاد بادآورده، اقتصادی تهی از عقلانیت

و اکنون نگر و انگلی است که کارکرد بنیادی اقتصاد راستین و پایدار که نیازمند اندیشه، تدبیر، تحقیق، تجربه، کار، کوشش و وظیفه‌ی خطیر تولید از آن حذف شده است. دومین موضوع قابل ذکر به این مسئله بازمی‌گردد که یکی از دلایلی که عموماً در رابطه با توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم ذکر می‌گردد عدم وجود ثبات سیاسی است. نویسنده در این فصل تبیین می‌کند که پیامدهای اقتصاد بادآورده تنها محدود به عرصه‌ی اقتصادی نیست و مسایلی چون: ۱- پیشتازی مصرف، ۲- پسرقت مستمر در فرهنگ تولیدی و کار، ۳- بارانه‌های پنهان و آشکار مصرفی و وام‌های غیرتولیدی فرودگاه توسعه‌ی گلاپدیری، ۴- تنبلی ذهن، ۵- تنبلی تن، ۶- رشد سرطان فردگرایی و خودخواهی و خودشیفتگی بی‌علت و جهت، ۷- اقتصاد بادآورده و واقعیت، ۸- مَدوارگی را در پی دارد. از شاخص‌های توسعه‌ی شناسایی شده از تحلیل محتوای اشعار و ضرب‌المثل‌های این بخش می‌توان به مواردی چون اقتصاد بدون نفت، سوپ سوپسیدی، زندگی زیر سایه دکل‌های نفتی، معاش بدون تلاش، پیشتازی مصرف بجای افزودن به توان کار و تولید، تاثیر بیماری اقتصاد بادآورده، اهمیت فرهنگ کار و تولید، اراده ملی و همه جانبه و مشارکتی و همگانی میان دولت و ملت جهت توسعه پایدار، استخراج و تراج ذخایری ایران و کشورهای گرفتار به بیماری هلندی، مصرف بی‌رویه و نادرست ذخایر آبی و فرونشستن سطح آب سفره‌های زیرزمینی، علت اصلی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مسئله ژینگول‌گری و قرتی‌گری (یکی از نشانگان اقتصاد بادآورده) اشاره کرد (فرهادی، ۱۳۹۷).

محور موضوعی ۸: جامعه "فرا مصرف‌گرا و تولید ستیز ایران (آزار ناسور و عود علائم نو نما و نوفرود" اقتصاد بادآورده و از آن جمله آزار هلندی و نفرین نفت): در این فصل نویسنده به‌طور کلی به نقد روشنفکران و غفلت آنان از تجارب دوقرن اخیر و همچنین غفلت از تجارب تاریخی غرب در مقابل الفاهای نظریه‌های مکتب نوسازی می‌پردازد. نویسنده کتاب در بخش نخست این فصل به پیامدها و آثار مخرب مصرف‌گرایی و مصرف‌گرایی افسارگسیخته می‌پردازد. و بین "نیاز" و "خواسته" تفاوت قائل می‌شود. نیازها غالباً از پیش ساخته شده و نیاز به باز آفرینی ندارند و غالباً دارای بنیادهای زیست‌شناختی‌اند و در طی هزاره‌ها شناخته شده‌اند و جهان گستر و زمان گسترند. خواسته‌ها به نسبت جدید تر بوده و به شکل مصنوعی و با طراحی و آگاهانه از جانب نظام سوداگری - استعماری به شکل مستمر ساخته و پرداخته می‌شوند. در این فصل نقل‌قول‌هایی از صاحب‌نظران کشورهای دیگر همچون هاجون چنگ آن را خواندنی می‌کند. در بخشی تحت عنوان: «کت‌بندی زرین فریدمن بزرگترین دروغ اقتصادی سیاسی نظام غرب» به یکی از مسائل اساسی که در طی چنددهه گذشته درباره روند توسعه‌ی کشورهای جهان سوم مطرح بوده می‌پردازد و آن را نسخه‌پیچی نظام سوداگری - استعماری تحت عنوان توسعه، اما در واقع برای چپاول منابع کشورهای دیگر تحلیل می‌کند. یکی از همین مسائل مطرح امروز، شیوه‌ی مالکیت واحدهای تولیدی و صنعتی و پافشاری برای خصوصی‌سازی آن‌هاست، نویسنده در این مورد معتقد است که مسئله واحدهای صنعتی و تولیدی در ایران بسی بیشتر از مالکیت است، وی چنین می‌نویسد: «اگر اقتصادخوانان ما داستان چند هزار ساله بَنه‌ها را در ایران به خوبی فهم کرده بودند و می‌دانستند، متوجه این امر می‌شدند که نوع مالکیت بر آب و زمین بَنه‌ها نیست که در گذشته آن‌ها را کارآمد می‌کرده است، بلکه این ساختار تولید پرور در جامعه ایرانی بوده که این بَنه‌ها را موفق و سرپا و کارا می‌ساخته است. آنچه تولید و صنایع ما را به زمین زده و تا شرایط همین است به هر شکل برای صدها بار به زمین می‌زند، مالکیت این صنایع و سرمایه‌های آن نیست، چه دولتی باشد، چه خصوصی باشد چه تعاونی باشد چه وقفی و در مالکیت پروردگاری!» این نقل‌قول از نویسنده با فرازی از جورج زیمل تکمیل می‌گردد: «مهم قواعد بازی است و نه جنس مهره‌ها!». البته مولف بر این باور است که مشکلات و ضعف اقتصادی ما پیش از سلطنت قاجار، همراه با تضعیف حکومت صفوی شروع شده و به تدریج پا گرفته است. این نشان می‌دهد که قبل از نفت نیز غالباً ما فاقد سیاست و درایت کافی اقتصادی بوده ایم و امکان فروش مواد خام ارزشمند و اقتصاد بادآورده را داشته ایم (فرهادی، ۱۳۹۷).

از شاخص‌های توسعه‌ی شناسایی شده از تحلیل محتوای اشعار و ضرب‌المثل‌های این بخش می‌توان به مواردی چون درک هویت، فرهنگ جمع‌گرایی و یاری‌گرانه فتوتی شرقی و ایرانی و درک هویت خویش، تاثیرات کالاپرستی و خود شیفتگی، نمایشگاهی شدن و پاساژی شدن جامعه توسط فریبندگی کالا، از دست دادن فرصت‌ها و پتانسیل فرهنگی، مصرف‌گرایی و خواسته‌پروری اقتصاد بادآورده/آزار هلندی (معاش بدون تلاش) که سطح هشیاری همه مبتلایانش را هدف قرارداده و آنان را در تراز هشیاری گیاهی در زمان حال نگاه می‌دارد، عرق ملی و وطن دوستی، تجربه دوران ملی شدن صنعت نفت در ارتباط با اقتصاد بدون نفت، دیدن و شنیدن تجربیات صاحب‌نظران و دلسوزان این مملکت توسط مدیران، طراحی ساخت‌های اقتصادی و اداری ما در آخرین پاگرد و حداقل از ۱۵۰ سال قبل با اهداف مستتر در مکتب نوسازی در توسعه و پیشرفت خردمندانه برای نظام استعماری و بی‌خردانه برای نظامات ملی ما و کل جهان توسعه نیافته (جهان سوم)، مصرف انبوه و نمایشگاه‌های سیار اشرافیت تازه به دوران رسیده در اقتصاد بادآورده و اقدام دیر هنگام و بی‌توجهی به اقتصاد بدون نفت اشاره کرد (فرهادی، ۱۳۹۷).

محور موضوعی ۹: ژاپنی پسر عمومی شرق شرقی ما چه کرده است و ما چه می‌کنیم؟: در این فصل نویسنده، برخلاف رویکرد مکتب نوسازی، نشان می‌دهد که توسعه‌ی ژاپن برآمده از فرهنگ ژاپنی بوده و مدرنیته‌ی ژاپنی بر شانه‌های سنت‌های کهن بنا شده است.

این مسئله پرسشی چنین را در برابر ما مطرح می‌سازد: «چگونه می‌توان سنتی بود اما گذشته‌گرا نبود، چگونه می‌شود هم پیشرفت کرد، هم اصالت داشت. چطور ممکن است هم سنت را حفظ کرد و هم تحول یافت؟» نویسنده برخلاف اغلب نویسندگان که معتقدند جوامع شرقی و از جمله ایران از ازل چنین بوده‌اند و برای توضیح توسعه‌نیافتگی آن‌ها دست به دامان نظریه‌هایی همچون استبداد شرقی می‌شوند، معتقد است که در صدوپنجاه سال اخیر ما به وضعیت کنونی افتاده‌ایم و به گونه‌ی دیگری به مسئله می‌نگرند: «اگر استبداد شرقی امری ازلی بوده است و استبداد سبب عقب‌ماندگی است پس چرا مشرق زمین - بنا بر طبقه‌بندی مورگان - تا اختراع ماشین بخار (دوره تمدن جدید) حدود دو میلیون سال پرچم‌دار پیشرفت و تمدن و فرهنگ در جهان بوده است؟ کشورهای نظیر ژاپن و چین و هند آیا جزو کشورهای شرقی نبوده‌اند؟ اگر این‌ها نیز شرقی‌اند چگونه است که تا شروع صنعتی‌شدن انگلستان، استبداد شرقی مانع پیشرفت آن‌ها نبوده و چرا کشورهای نظیر ژاپن و حتی کره جنوبی و هند با وجود استبداد شرقی - به قول غربیان - توانستند در موج دوم توسعه و در مدت نسبتاً کوتاهی و بدون غارت استعماری چهارصدساله خود را به توسعه برسانند و کشورهای روم و یونان و مصر باستان در نظام برده‌داری در گذشته و حکومت‌های نازیستی و فاشیستی و استالینیستی و مائوئیستی که غرب آن‌ها را به جز روم و یونان باستان که از خود هستند! از بدترین نوع استبداد می‌داند، توانسته‌اند در استبدادی‌ترین لحظات تاریخ خود به توسعه چشم‌گیر در زمینه‌های گوناگون دسترسی پیدا کنند. سخن این است که آنچه گریبان توسعه در کشورهایی با اقتصاد باد آورده با فرهنگ و تمدن کهن گرفته است؛ نخست حاصل شیوه تحمیل شده بر ما از سویی و سپس شیوه ای است که ما خود برای زندگی در زیر سایه دکل های نفت انتخاب کرده ایم و ترکیب این دو است که ما را از فرهنگ و تمدن و سنت های چند هزار ساله و از خزائن پتانسیل فرهنگی دور ساخته و دوم پول های بادآورده است. این اقتصاد سبب پیدایش اشرافیتی دروغین و بی کارکرد در میان توده های این ملت ها شده و مصرف گرایی بی حد و حصر را در میان آنها دامن زده است؛ سوم وجود اقتصاد استخراجی و خام فروشی و چهارم درآمد های نفتی حاصل از صادرات و فروش نفت خام و واردات بی رویه در یک صد و پنجاه سال گذشته بوده است. مولف علت العلل مسائل یاد شده و یاد نشده را دور افتادگی از فرهنگ تولیدی می‌داند. اما مسئله این است که جهت باد برای بازرگانان ژاپنی باد مناسب و وزش باد وطن به چهار سوی جهان است و برای بازرگان در اقتصاد بادآورده در شرایط نامتقارن کشورهای توسعه نیافته بادی است که از چهار سوی جهان به سمت میهن می‌وزد. بازرگان ژاپنی سودش با حکومتش و ملتش و صنایع و ترقی و توسعه کشورش گره خورده است و متاسفانه در اقتصاد بادآورده در کشور های توسعه نیافته، سود بازرگانان با سود ملت و دولت های ملی و حکومت ملی سازگار نیست. در راه توسعه پایدار کشورهایی نظیر ما به رستاخیزی ملی و همه جانبه نیازمندند که همچون کشورهای مصداق توسعه یافته موج دوم، اول بتوانند همه نیروها و سرمایه های موجود و پتانسیل فرهنگی خود یعنی تجربیات تاریخی - فرهنگی و شناخت آگاهی صریح ضمنی و کوشندگی یکپارک ملت و پویندگی و برنامه ریزی های آگاهانه و خردمندانه خرد و کلان دولت را هماهنگ و همسو سازند و در این راه همراهی اولولالباب (صاحبان خرد) با پند خواهی صاحبان قدرت همچون نان شب واجب است. اگر کشور های سنتی صنعتی شده موج دوم شرقی همچون ژاپن و چین و هند توانستند از این دور باطل خود را نجات دهند. اولاً به دلیل اصلی و محوری متکی نشدن به اقتصاد های باد آورده و ثانیاً به سبب تاریخ و فرهنگ پربار باستانی و بالاخره رها نکردن وطن پرستاری و جوهره فرهنگ بومی به طور اعم و فرهنگ کار و ارزش ها و هنجارهای آن به طور اخص بوده است (فرهادی، ۱۳۹۷).

از شاخص های توسعه‌ای شناسایی شده از تحلیل محتوای اشعار و ضرب المثل های این بخش می‌توان به مواردی چون عادت به بیکاری و بی‌عاری و عدم کار و خلاقیت، صرفه جویی دقیق و استفاده از مواد ظاهراً بی‌ارزش، استفاده از تجارب گذشته (انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت و جنگ تحمیلی) برای شکستن تولیدگریزی و مصرف گرایی مرضی، عدم کنترل سیاست های اقتصادی داخلی از داخل توسط دولت و قراردادن افسار تجارت و نوع اقتصاد و سیاست اقتصادی در دست دیگران، عدم رعایت منافع ملی توسط نظام سوداگری وابسته جهان سومی به ویژه حکومت های وابسته ویا ناآگاه، سیاست اقتصاد دو رویه از یک سکه، مصرف بدون تولید، ارائه آدرس های غلط توسط اقتصاد دانان تاجرشناس و فاجرشناس ایران به دولتمردان و هرگز شنیده نشدن سخنان اقتصادشناسان ایرانی، فراهم آوردن شرایط برای سودآوری تولید توسط مسوولان نه توجه به امر خصوصی سازی درشرایطی که فرهنگ کار و تولید مهیا نمی‌باشد، بازرگانان همسود داخلی وابسته به نظام سوداگری-استعماری، قدرت تشخیص و شناسایی دشمن، همدل شدن و با هم بودن به عنوان سرمایه ای بزرگ، استفاده از راه های تجربه شده هزار ساله بجای راه های میان بر و نو تجربه شده (پیوند سنت و صنعت نه سنت کشی کورکورانه)، جداکردن دوقلوی سیاست از اقتصاد، خلق الساعه نبودن پس افتادگی توسعه و توجه به ابعاد تاریخی و ریشه درگذشته کشورها و درارتباط با خود و سایرین، مبادله نامتقارن سرد، مدرک گرایی در آموزش، احساس نیاز واقعی به دانش و نیاز واقعی به دانستن و لوازم آن را نداشتن. (کاهندگی فرهنگ کار و تولید و افزایش مصرف گرایی)، دزدگی از دانش، دگرگونی های بنیادی درارتباط با دانش و توسعه و شیوه های انگیزه سازی و نرم افزاری تعلیم و تربیت برای آدم سازی و آینده، اهل تقلید و نه تحقیق و اهل مصرف و نه تولید

دربهترین حالت نقل و ناقل "دانش بر" و "دانش بحر" مصرف کننده می پروراند نه "دانش ورز" و "دانش پرور" و شناخت آفرین و تولید کننده علم و معرفت، مشارکت دادن کودکان و مسئولیت خواهی آنان، تعصب خام به بیگانه و بیگانه بودن، ننگ و عاری در پخته خواری و خام فروشی نفت و گاز، فضیلت ریاضت کشی، مدیریت سنتی در ایران در گذشته و تاثیرات سن و تجربه درکارها اشاره کرد(فرهادی، ۱۳۹۷).

محور موضوعی ۱۰: چین چه می‌کند ما چه می‌کنیم؟: در این بخش به تجربه توسعه چین از جمله کشورهای موج دوم پرداخته شده است. نویسنده می‌نویسد دلیل انتخاب چین این بوده که نشان دهد برخلاف تصور غالب، نظام سیاسی نیست که می‌تواند یک جامعه را به سمت توسعه راهبری کند، بلکه مهم‌تر از آن فرهنگ تولیدی و فرهنگ کار می‌باشد. وی معتقد است سیاست با همه قدرت خود محصول عوامل قوی‌تر اما مستور است که ممکن است در جای‌های نامانوس و شیوه‌های ناملموس و ناپیدا سیاست را شکل داده و کانون یا کانون‌های قدرت را بود یا نابود کند. در این فصل علاوه بر پرداختن به تجربه توسعه چین، به نقد نظریه‌های شرق‌شناسانه از مارکس گرفته تا وبر پرداخته شده و در این راه نقل‌قول‌هایی قابل توجه از ادوارد سعید، سمیر امین و جان ام. هابسون آمده است؛ اما نویسنده در عین نقد، جانب انصاف را به ویژه درباره کارل مارکس فرو نمی‌گذارد. در مورد مثال چین و ژاپن و هند معنای سخن ما این است که بن لادن ها و لایه های فرهنگی زیرین این سه کشورند که در دراز مدت امکان پیشرفت صنعتی و توسعه ای یکسانی را برای اقلیم های متفاوت، نظام های سیاسی و با ایدئولوژی مختلف و حتی متضاد فراهم می سازد. پتانسیل فرهنگی و به قول مولف تأمل فرهنگی و به بیان جواهر لعل نهرو تردید و دو دلی فیلسوفانه و خردمندانه، چین و روش های خردمندانه تاریخی آن در برخورد با مصادب استعماری که ناگهان بر سر چین آوار شد چینیان را به واکنش نو در شرایط تازه کشاند. چین نیز به مانند ژاپن و در زمینه فرهنگ تولیدی به سنت های تولیدی ما قبل صنعتی خود وفادار مانده و پله پله آن را ارتقاء داد. استفاده از روش های سنتی و قدیمی برنامه جهش بزرگ به جلو باعث شد که روش های قدیمی و سنتی با تکنولوژی مدرن و جدید در هم آمیخته شوند. این موضوع در شعار راه رفتن روی دو پا نهفته است که منظور از دو پا روش های قدیم و جدید می باشد. تمدن چین بر اساس فرهنگ قرار داشت لذا ژاپن تمدن صنعتی غرب را پذیرفت اما در اعماق قلبش همچنان فئودالی باقی ماند. در صورتی که چین فئودالی نبود و مانند ژاپن با عجله و شتاب در این زمینه پیش نرفت و از خرد و ودانش و روح علم سرشار بود و با اشتیاق به پیشرفت های علمی و صنعتی غرب می نگریست. از شاخص های توسعه ای شناسایی شده از تحلیل محتوای اشعار و ضرب المثل های این بخش می توان به مواردی چون رهائی از بیماری مزمن اقتصاد بادآورده و انواع زیرگونه های و دستیابی به توسعه در موج سوم توسعه، دستیابی به موج سوم توسعه با پرده برداری از حافظه جمعی (تاریخی)، پرنگ کردن پتانسیل فرهنگی و سرمایه اجتماعی، رسیدن به یک هدف از سه راه (بودایی، تائویی و کنفوسیوسی) از نظر چینیان، شفا بخش نبودن مکتب نوسازی و از آن جمله ماکس وبر (که پس افتادگی کشور های توسعه نیافته را به گردن تاریخ و فرهنگ خود آن ها می اندازد)، وظایف روشنفکران و دانشمندان علوم اجتماعی شرق در کشف تمامی فجایع نظام سوداگری، استعماری و تاثیرات آن درپس افتادگی کشورهای توسعه نیافته و نظام دورویه تمدنی ناموزون غرب اشاره کرد(فرهادی، ۱۳۹۷).

محور موضوعی ۱۱: هندیان "دیرینه تر خویشان ما" چه کرده اند، ما چه می‌کنیم؟: این محور به تجربه توسعه هند اختصاص یافته است. هند که پیش از جدایی پاکستان، همسایه دیوار به دیوار ایران بود و به روایت نویسنده، مردمانی چون مردمان کرمان و سیستان و بلوچستان و یزد داشت؛ به همراه چین و ژاپن، راه‌های نرفته و پیش‌بینی نشده‌ای را در توسعه رفتند و به موفقیت‌های چشمگیری دست پیدا کردند که جهان غرب آن‌ها را پیش‌بینی نمی‌کرد و این موضوع خود نشان دهنده آن است که راه توسعه و مسیر تاریخ تک‌خطی نیست. برای نمونه، هند در مواجهه با تکنولوژی، به توسعه‌ی تکنولوژی نیمه‌پیشرفته و تکنولوژی نرم دست زد، مسئله‌ای که بی‌ارتباط با فرهنگ کار و فرهنگ تولیدی نیست. فرهنگ هند، نه تنها به انسان‌ها و دیگر ادیان احترام می‌گذارد و در پاسداری از تنوع فرهنگی در جهان می‌کوشد حتی همین کوشش و هم‌زبانی را در حق جانوران ابراز می‌دارد. هندیان درس‌های بسیاری افزون بر صلح‌طلبی-بی‌آزاری مقاومت بدون خشونت دارند که به ما بیاموزند. اما درس بزرگتری که هندیان به ما و کشورهای نظیر ما می‌توانند بیاموزند درس چرخ‌های ریسندگی در برابر چرخ‌های نساجی منچستر است. پیام چرخ ریسندگی برای کشورهای جهان سوم کارکردن، تولید و خود کفائی و خود بسی و آزادی و وارستگی اقتصادی است. درس بزرگ گاندی به ملتش نه تعلیم چرخ ریزی که احیای سنت‌های کوشندگی کهن فرهنگ هندی و نشان دادن شرافت بخشانه کار به آدمی و راه عزت و استقلال به ملت‌های آسیایی و کشورهای توسعه نیافته جهان بود. از شاخص‌های توسعه‌ای شناسایی شده از تحلیل محتوای اشعار و ضرب المثل‌های این بخش می‌توان به مواردی چون فرهنگ انسان دوستی و حیوان دوستی، پاسداری از تنوع فرهنگی، آگاهی و هوشیاری حاصل از درد مندی، علاقه دانشمندان علوم اجتماعی آسیا به مطالعه موضوعات و مسائل دنیای غرب و رعایت عدل و عدالت در رای و کارها اشاره کرد(فرهادی، ۱۳۹۷).

ب- یافته‌های مربوط به ابعاد چهارگانه توسعه

یافته‌های پژوهش نشان داد اشعار و ضرب المثل‌های موجود در کتاب در چهار بخش فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قابل احصاء و طبقه بندی است. در ادامه این بخش اشعار و ضرب المثل‌های مرتبط با هر بعد در چهار بخش جداگانه شناسایی و طبقه بندی شده است. در جدول زیر فراوانی و درصد هر یک از ابعاد در کل اشعار و ضرب المثل‌ها آورده شده است.

جدول شماره ۳: فراوانی و درصد ابعاد چهارگانه توسعه در اشعار و ضرب المثل‌ها

ادبیات سنتی (ضرب المثل و اشعار)	بعد		ردیف
	فراوانی	شاخص	
درصد			
۳۶	۱۴۵	فرهنگی	۱.
۱۷	۶۴	اجتماعی	۲.
۲۸	۱۱۰	اقتصادی	۳.
۱۹	۷۴	سیاسی	۴.
۱۰۰	۳۹۳	مجموع	

منبع: محاسبات پژوهشگر

بعد اول: فرهنگی: بر حسب تحلیل محتوای کتاب ۱۰۰ مورد شعر و ۴۵ مورد ضرب المثل در بعد فرهنگی شناسایی شد که می‌توان گفت در بعد فرهنگی ۶۹ درصد اشعار و ۳۱ درصد ضرب المثل بوده است.

الف- شعرها: یافته‌های حاصل از تحلیل محتوای ۱۰۰ مورد شعر موجود در کتاب در خصوص اشعار بعد فرهنگی در این بخش ارائه شده است. چنانکه در جدول مشهود است اشعار در سه بخش عنوان، اصالت (از نگاه نویسنده) و پدیدآورنده طبقه‌بندی و احصاء شده است.

جدول شماره ۴: اشعار بعد فرهنگی توسعه به تفکیک اصالت و پدید آورنده

پدید آورنده	اصالت (از نگاه نویسنده)	شعر
نویسنده	پیوسته پرسیدن از خود، از دیگران و درونی کردن پرسش‌های دیگران به پرسش‌های خویشتن	پر پرسشی که می‌آمد/ از چله قرائت/ از اعتکاف "بوجه" /... می سرود/ خواندن لقاچ عقل است/ پرسش عصای خردمندی است/ پرسش کلید در گنج معرفت، ثلثی ز دانش است/ یک ریش به جا خاموش می‌کند، گوساله طلایی را...
مولوی	پرسیدن و باز پرسیدن و همیشه پرسیدن و... (پرسشگری)	اختلاف از گفتشان بیرون کند
مولوی	آرزوی به اندازه	آرزو می‌خواه لیک اندازه خواه
نویسنده	تقلید چشم بسته و کامل از نظام سوداگری - استعمار (فرهنگ غربی)	داروین خوش خیال و مورگان مهربان به کجایند؟/ با وزنه دگردیسی وزغ و قورباغگان، کی می‌توان تکامل همه جانبه انسان را گز کرد؟/ با پیشرفت فقط علم و فناوری/ رای بر تکامل همه سویه انسان داد؟/ این متر رو به تکامل، با خوی پس رونده سوداگری سازگار نیست/ خواهش برای تجزیه و تقطیر/ و ذره ذره و قطره قطره کردن انسان، رفتن به سوی شکافتن نه شکفتن، آیا تکامل است؟ این قورباغه، میل شدید به "قاشق کله" (کفچه لیز) شدن دارد./ چونان گله که بر می‌گردد، از "دون و دوش" و دام بره تاریخ/ مورگان چگونه ندانسته است؟/ که اختراع مسلسل، یعنی تنازل انسان! این حرف را آیا حایل میان دو سویه سفید و سرخ "مورگان"/ نشنید از قبیله سنکا/ واگشت ناهنگام به جرگه حیوانات/ و بترگشت به قانون ساده جنگل، حتی با قوی است/ حق با کسی است که می‌تواند! نیروی قابل تبدیل و پول قابل تسعیر/ بازور یا به زر، یا با تزویر.../ یا ساز و برگ کامل، بی نقص/ در راه مقصدی چنین ناقص و نازل، آیا تکامل است؟

نظامی	اشاره به تامل فرهنگی	چه خوش گفت آن سخنگوی جهانگرد/ که دیر آی و درست آی ای جوانمرد
اسدی	اشاره به تامل فرهنگی	دل از دیری کار، غمگین مدار/ تو نیکی طلب کن، نه زودی کار
جامی	اشاره به تامل فرهنگی	مکن تعجیل در تحصیل مقصود/ بسا دیری که باشد خوشتر از زود
سعدی	درس آموزی از تجربه نظام سوداگری - استعماری و رهایی ازستم، سلطه و اقتدار بخش فرهنگ مسلط غرب	کجا خود شکر این نعمت گذارم / که زور مردم آزاری ندارم
جامی	درس آموزی از تجربه نظام سوداگری - استعماری و رهایی ازستم، سلطه و اقتدار بخش فرهنگ مسلط غرب	من درخت افکن نیم، آنان گروهی دیگرند / با وجود صد تبر یک شاخ بی بر نشکنم
محمد مهدی سیار	بحران هویت	کجاست خانه من؟ هر چه هست اینجا نیست/ یکی به ماه بگوید که ماه پیدا نیست/ غریب نیست به چشم من آسمان و زمین/ ولی نه شهر و دیار من این طرف ها نیست
نویسنده	بحران هویت	از کدامین کوچه؟/ از کدامین ایوان؟/ به تماشا بنشینم، چشم انداز نیاکانم را؟/ شهر خالی شده از بوی عشیره من/ شهر خالی از خوی قبیله ما / آن خروسی که سحر می خواند،/ از قبیله ما نیست!/ بروم شاید از چشمه بنوشم آب/ بروم، شاید طرح باری فکنم با خاک/ آرزوی عبثی دارم، می دانم؛ می دانم/ بی مروت ها حتی، یک پل کوچک را، آباد، نگذاشته اند/ جنبش کف ها ز دریا روز و شب / کف همی بینی و دریا نی، عجب!
مولوی	اشاره به کاهش و فرسایش فرهنگ کار و تولید و بالا رفتن تصاعدی توقعات فرزندان و بی آمد های آن در خانواده	بودایی بزرگ/ که دوره می کند یسنا و پشت ها و آناجیل و قرآن را/ در زندان
نویسنده	غنی سازی فرهنگ - استفاده از همه فرهنگ ها	آب در کشتی هلاک کشتی است / آب در بیرون کشتی پشتی است!
مولوی	توجه به تاریخ و فرهنگ بومی و خودی	آن پا برهنه که میرفت، می سرود / هرگز به گر زه خارهاش نیاززد/ گل های زرد و کوچک پی کل
نویسنده	اشاره به مسائل و مشکلات خاص هر کشور	دشمن طاووس آمد پر او / ای بسا شه را که کشته فر او
مولوی	اشاره به ظرفیت ها و ذخایر سرشار انرژی کشور های توسعه نیافته کهن فرهنگ آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین که در این امکانات زمین گیر شده اند	گر شوم مشغول اشکال و جواب / تشنگان را کی توانم داد آب؟
اقبال لاهوری	اشاره به فهم مسائل خاص هر کشور توسط خود اندیشمندان داخلی و بدون الگو برداری از تاریخ و فرهنگ غیر خودی	کتابی در فن قواص بنوشت/ شگفتا پهنه دریا ندیده
مولوی	اشاره به فهم مسائل خاص هر کشور توسط خود اندیشمندان داخلی و بدون الگو برداری از تاریخ و فرهنگ غیر خودی	جامه شویی کرد خواهی ای فلان / رو مگردان از محله گازران
حافظ	در راستای تقویت نقادی تاکید بر ارتباط اندیشه و رزان با مردم	تو خود حجاب خودی، حافظ از میان برخیز
هایدگر	اشاره به تاریخ، فرهنگ و سنت	ما چونان نهالی هستیم / که باید از ریشه های خود/ خواه ناخواه/ سر از خاک برکشیم/ بشکفیم و بر دهیم
سعدی	اشاره به تفکر معنوی اندیشه و رزان و فیلسوفان در رفع مشکلات و راه نجات مردمانشان	عبادت به جز خدمت خلق نیست
حافظ	اشاره به تفکر معنوی اندیشه و رزان و فیلسوفان در رفع مشکلات و راه نجات مردمانشان	سرم به دنیی و عقبی فرو نمی آید/ تبارک الله از این فتنه ها که در سر ماست

سعدی	اشاره به کاهندگی فرهنگ تولیدی و کار و افزایش فرهنگ مصرفی	بر آن کدخدازاده باید گریست / که دخلش بود نوزده خرج بیست
بودجمهر حکیم	استفاده از تمامی ظرفیت ها و دانش و معرفتها (گذشتگان، هم عصر و حتی آیندگان) در جهان	همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز زاده نشده اند
نویسنده	اشاره به پایبند بودن به عمل و کردار با هر دین و مسلکی	از دیر و حرم باشندشان روی به مقصود / زاهد زه رهی پیر خرابات ز راهی
علاءالدوله سمنانی	اشاره به شکیبایی و استفاده خواننده کتاب از مباحث مطروحه	این وجد و سماع ما مجازی نبود / وین رقص که میکنیم بازی نبود / با بی خبران بگوی کی بی خبران / بیهوده سخن بدین درازی نبود
فردوسی	اشاره به رنج و مشقت نویسنده در وطن پرستی و هویت و حمیت فرهنگی همراه با ایمان عمیق به فرهنگ و زیست بوم خود	بسی رنج بردم در این سال سی / عجم زنده کردم بدین پارسی
فردوسی	اشاره به رنج و مشقت نویسنده در وطن پرستی و هویت و حمیت فرهنگی همراه با ایمان عمیق به فرهنگ و زیست بوم خود	گرت زین بد آید گناه من است / چنین است و ، این دین و راه من است
فردوسی	اشاره به رنج و مشقت نویسنده در وطن پرستی و هویت و حمیت فرهنگی همراه با ایمان عمیق به فرهنگ و زیست بوم خود	برین زادم و هم برین بگذرم / چنان دان که خاک پی حیدرم
مولوی	اشاره به فرهنگ ایران در طول هزار سال گذشته و در جهت اعتلای جامعه ایران و توسعه پایدار فرادادی و سرافرازی ملی	زین همهرمان سست عناصر دلم گرفت / "شیر خدا" و " رستم دستانم" آرزوست
مولوی	اشاره به عبور از دوران عسرت و گریز از دل گرفتگی از مردان سست عناصر و مولوی از خلق پرشکایت و گریان زمان خویش و به شیر خدا و رستم دستان پناه بردن. یعنی رجوع به وطن پرستاری و فرهنگ زیست بوم خود	شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر / کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست
مولوی	اشاره به عبور از دوران عسرت و گریز از دل گرفتگی از مردان سست عناصر و مولوی از خلق پرشکایت و گریان زمان خویش و به شیر خدا و رستم دستان پناه بردن. یعنی رجوع به وطن پرستاری و فرهنگ زیست بوم خود	با عصا کوران اگر ره دیده اند / در پناه خلق روشن دیده اند / گر نه بینایان بدنندی و شهان / جمله کوران مرده اندی در جهان
نویسنده	اشاره به اهمیت پرسیدن برای ملت بویژه داش آموزان و دانشجویان و اساتید	پر پرسشی که برمی گشت / از چله قرائت / از اعتکاف بوجه / موسی وشی که می آمد / از طور و نور و سینا / خواندن لقاح عقل است ، پرسش عصای خردمندی است / پرسش دریچه ای به دروازه شناخت / پرسش ، کلید در گنج معرفت / ثلثی ز دانش است / یک پرسش بجا، خاموش میکند گوساله طلایی را
شاعر ایرانی	اشاره به طرح پرسش های نوین بر پایه پرسش های پیشین است و بعبارتی به جای ویران کردن بن لادهای پیشین ، لادی را به آن اضافه نمودن	زمانه کسی را بزرگی دهد / که لادی به بن لاد پیشین نهد
حمید مصدق	اشاره به تولید علم بصورت دسته جمعی است	تو به تنهایی می خواهی جنگل باشی / جنگل ای دوست به یک افرا یا تبریزی جنگل نیست / تو فقط می خواهی برتر باشی / هیچ کس برتر نیست / چه گلی بر سر مردم زده ای؟
اقبال لاهوری	اشاره به تولید علم بصورت دسته جمعی است	قطره دریاست اگر با دریاست
ابن خلدون	اشاره به برخورداری بودن از عصبیت ملی به جای عصبیت فردی	گر بدی پی و پیاز و دیگچه همسایگان، پی پیازی می زدیم گر نان بدی
پروین اعتصامی	اشاره به فواید حاشیه ای تاریخ که به دآوری دقیق خائنان و خدمتگزاران بشری در سطوح گوناگون می پردازد	حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد / زمانه را قلم و دفتری و دیوانی است

اخوان ثالث	اشاره به فهم تاریخی از کودتا و تحریم های انجام شده توسط نظام استعماری و غربی در ایران و داشتن امید و جلوگیری از انجام دوباره آن	نادری پیدا نخواهد شد امید / کاشکی اسکندری پیدا شود
سعدی	اشاره به تعارض بین ارزش های فرهنگی و جمع گرایی ملت ما و ارزش های نوپدید و عاریه از نظام سوداگری - استعماری به شکل مستقیم و غیرمستقیم سبب کندی و گاه نابودی رشد صنایع و تولیدات کشاورزی ملی و تقابل بین منافع بازرگانان و منافع ملی در ایران گردیده است.	خدایا تو شبرو در آتش مسوز / که ره میزند سیستانی به روز
سعدی	اشاره به براینستکه آنچه را که دانشمندان غرب اندیشیده اند ما خود پیشاپیش عمل کرده ایم (پیشتازی مصرف) و عدم درس آموزی از تجربه تاریخی	حریف مجلس ما خود همیشه دل می برد / علی الخصوص که پیرایه ای بر او بستند
نصرت رحمانی	اشاره براینستکه آیا واقعا کشورهای نظیر ما توان علمی واجازه یاراده و قدرت تغییر ساختار اقتصادی را دارند؟	مثل یک ماهی سرگردان / که رها کرده دستی در تنگ بلور آب / که چنین می پیچد بر خود و گمان دارد/ پیماید دریا را
سعدی	اشاره به اهمیت فرهنگ کار و فرهنگ تولیدی	برو کار می کن مگو چیست کار / که سرمایه جاودانی است کار
حافظ	اشاره به اهمیت فرهنگ کار و تولیدی و عدم توجه به آن از طرف برخی روشنفکران و پژوهشگران و ...	داروی تربیت از پیر طریقان ستان / کادمی را بهتر از علت نادانی نیست
نویسنده	اشاره براین است که باوجود این همه ثروت متوقف و این همه سرمایه گذاری های ضد توسعه و این همه سرمایه های بالقوه موقوفات همگان بر سرمایه های خارجی و حضور کمپانی های خارجی از غالب استادان اقتصادمان گرفته تا مردان سیاست و دولت های مان پای می فشارند.	شاهنشاه آفاق تا آفاق / لطفش مثال ظرف شیری ناگهان سر رفت
حافظ	اشاره به اراده ملی و همه جانبه و مشارکتی و همگانی میان دولت و ملت و بسیج همه نیروهایی است که دارای درد و دغدغه مشترکی به نام توسعه پایدار ویژه و منحصر به فرد برای این بوم و بر هستند.	کمتر از ذره نی پست نشو / تا به خلوتگه خورشید رسی چرخ زنان
چکامه بوجه	اشاره براین است که اقتصاد آباد آورده (معاش بدون تلاش) و گونه های آن و ساخت و ساز این اقتصاد استعماری و ریل های نامشهود آن به گونه ای است که ملت و دولت ما را باهر نیت و هدف به سمت و سویی بکشاند که آن ها ایستگاههایش را از پیش ساخته اند و مقاصدی که از قبل مشخص کرده اند.	بی مهلتی برای گزین کردن/ اما همیشه گزیده گشتن : در حد مشتری! بی رغبتی برای پژوهیدن / اما مضمون دائمی پژوهش دشمن / در حد ارگانیزم جانوری / با پای خویش برفتن، در راه غیر گزیده / در راه ریلی از پیش ساخته / با مقصد کلنگی هم از اول معلوم
چکامه بوجه	اشاره به اراده ملی و همه جانبه و مشارکتی و همگانی میان دولت و ملت و بسیج همه نیروهایی است که دارای درد و دغدغه مشترکی به نام توسعه پایدار ویژه و منحصر به فرد برای این بوم و بر هستند. که با این اتحاد به ریشه کن کردن اقتصاد آباد آورده وزیر گونه های بر خیزند	عجوبه مردمان / با دست های جوش خورده به اشیا / با پای مانده در گل / با صد کلاه متغیر بر سر / در تیم و تیمچه کلاه فروشان سنتی / پاساژهای کلاه گذاری و راسته های کلاه برداری مدرن جهانی! / با نام و رنگ ها و طرح های شگفت و نا متعارف / ملای ترک و ملای فارس، کم هوش نیستند / حق است اگر که تبرئه کردند / در دادگاه مردم / از این همه کلاه که بر سرشان رفته است.
جامی	اشاره به تداوم انگیزه و عادت اجتماعی زیان بخشی است که عوامل اولیه آن یانابود و یاضعیف شده اند اما آموخته ها باناهشیاری همچنان عمل مش وند	چون تیشه مباحش و جمله بر خود متراش / چون رنده ز کار خویش بی بهره مباحش / تعلیم ز اره گیر در کار معاش / چیزی ز سوی خود می کش و چیزی می پاش
نظامی	اشاره براین است که برای ریاست از ریاست بریک خانواده تا یک ملت اگر چه نیت پاک و سلامت نفس ، فضائل اخلاقی شرط لازم است اما به هیچ وجه و هرگز کافی نیست.	دشمن دانا که غم جان بود / بهتر از آن دوست که نادان بود

مولوی	اشاره براین است که برای ریاست از ریاست بربیک خانواده تایک ملت اگرچه نیت پاک و سلامت نفس، فضائل اخلاقی شرط لازم است اما به هیچ وجه وهرگز کافی نیست.	دوستی با مردم دانا نکوست / دشمن دانا به از نادان دوست
سنایی	اشاره براین است که برای ریاست از ریاست بربیک خانواده تایک ملت اگرچه نیت پاک و سلامت نفس، فضائل اخلاقی شرط لازم است اما به هیچ وجه وهرگز کافی نیست.	دشمن دانا بلندت می کند / بر زمینت می زند نادان دوست
سنایی	اشاره براین است که برای ریاست از ریاست بربیک خانواده تایک ملت اگرچه نیت پاک و سلامت نفس، فضائل اخلاقی شرط لازم است اما به هیچ وجه وهرگز کافی نیست.	این مثل زد وزیر با بهمن / دوست نادان بدتر از صد دشمن
سنایی	اشاره براین است که برای ریاست از ریاست بربیک خانواده تایک موتلت اگرچه نیت پاک و سلامت نفس، فضائل اخلاقی شرط لازم است اما به هیچ وجه وهرگز کافی نیست.	بشنو این نکته را که سخت نکوست / مار، به دشمنت که نادان دوست
شاعر آمریکائی	اشاره به تفکر واندیشه غرب که در آن بزرگی عینی، فیزیکی و کمی غالب بر بزرگی معنوی و کیفی است.	شهر بزرگ شهری است که آدم های بزرگی داشته باشد
مولوی	اشاره به مصرف بی رویه و نادرست ذخایر آبی و فرونشستن سطح آب سفره های زیرزمینی که این خطر بزرگ بالای سرمان چرخ می زند ماو بسیاری از کشورهای مسلمان به تامل آن را نگاه نکردیم .	گر بود حرف تو کژ معنیت راست / آن کژی لفظ مقبول خداست
مولوی	اشاره به مصرف بی رویه و نادرست ذخایر آبی و فرونشستن سطح آب سفره های زیرزمینی که این خطر بزرگ بالای سرمان چرخ می زند ماو بسیاری از کشورهای مسلمان به تامل آن را نگاه نکردیم . و راه برون رفت راصرفا در ضرب و زور عقلا نیت کوتاه بین فن آورانه جستجو کردیم و غافل اینکته همین قفل آب از راه کلیدان و کلید تکنولوژی نابه جا بسته گردیده است.	مقریبی می خواند از روی کتاب / ما و کم غورا ز چشمه بندم آب / چون که بشنید آیت او از نا پسند / گفت آریم آب را ما با کلند / ما به زخم بیل و تیزی تیر / آب را آریم از پستی ز بر
مولوی	اشاره به مصرف بی رویه و نادرست ذخایر آبی و فرونشستن سطح آب سفره های زیرزمینی که این خطر بزرگ بالای سرمان چرخ می زند ماو بسیاری از کشورهای مسلمان به تامل آن را نگاه نکردیم . و راه برون رفت راصرفا در ضرب و زور عقلا نیت کوتاه بین فن آورانه جستجو کردیم و غافل اینکته همین قفل آب از راه کلیدان و کلید تکنولوژی نابه جا بسته گردیده است. که بنظر می رسد این بی توجهی ماهمه جانبه هست گویا این بیماری هلندی اول تعقل و تامل مارا هدف قرار داده و احساس کاذبی از بی نیازی از زمین و آسمان برای ما فراهم می آورد و کام (ما بیمار) را از ذوق توهم خوش می کند.	کام از ذوق توهم خوش کنی / در دمی در خیک خود پرش کنی / پس به یک سوزن تهی گردی ز باد / این چنین فربه تن عاقل مباد
سعدی	دکان داران دزد در روز روشن	خدایا توشبرو در آتش مسوز / که ره میزند سیستانی به روز
مولانا	تسلط بر خود مارا از چیرگی باز می دارد. باشناخت خویش است که ما بر خود مسلط می شویم	زندگی مرگ است بی دیدار خویش
اقبال لاهوری	گم کردن خویش / درک هویت خویش - بازگشت به فرهنگ جمع گرایی و یاریگرانه فتوتی شرقی و ایرانی و درک هویت خویش	بیا اقبال جامی از چمستان خود درکش / تو از میخانه مغرب ز خود بیگانه می آئی
اقبال لاهوری	گم کردن خویش / درک هویت خویش - بازگشت به فرهنگ جمع گرایی و یاریگرانه فتوتی شرقی و ایرانی و درک هویت خویش	هر که بر خود نیست فرمانش روان میشود فرمان پذیر دیگران
اقبال لاهوری	گم کردن خویش / درک هویت خویش - بازگشت به فرهنگ جمع گرایی و یاریگرانه فتوتی شرقی و ایرانی و درک هویت خویش	ای گدای ریزه ای از خون غیر / جنس خود می جوئی از دکان غیر
نویسنده	گم کردن خویش / درک هویت خویش - بازگشت به فرهنگ جمع گرایی و یاریگرانه فتوتی شرقی و ایرانی و درک هویت خویش	مینشینیم رو بروی خویش / خویش را گم کرده بودم

نویسنده	گم کردن خویش / درک هویت خویش- بازگشت به فرهنگ جمع گرای و بیاریگرانه فتوتی شرقی و ایرانی و درک هویت خویش	از کدامین کوچه از کدامین ایوان / به تماشا بنشینم چشم انداز نیاکانم را
قیصر امین پور	گم کردن خویش / درک هویت خویش- بازگشت به فرهنگ جمع گرای و بیاریگرانه فتوتی شرقی و ایرانی و درک هویت خویش	سال ها دویده ام از پی خودم / تا به خود رسیده ام دیده‌ام که دیگرم
سعدی	از دست دادن فرصت هاو پتانسیل فرهنگی	ای که پنجاه رفت و در خوابی / مگر این پنج روز دریایی
قیصر امین پور	از دست دادن فرصت هاو پتانسیل فرهنگی	ناگهان چقدر زود دیر می شود
اقبال لاهوری	راه رستگاری توجه و رجوع به اتفاقات و تجارب گذشته است و انجام اقدامات مناسب و بموقع	سر زند از ماضی تو حال من / خیزد از حال تو استقبال من
حافظ	عدم نیاز به سواد واقعی و دائمی. اشاره بر این است که مادرزمینه آموزش و پرورش و آموزش عالی می خواهیم ناممان باسواد باشد نه خودمان اسممان رییس و مدیر باشد و نه رسممان و در آموزش غالباً به دنبال مدرک باید بود نه درک و...	خطت دمید و نخواندی حدیث مهر و وفا را / هزار حیف که خط دار و سواد نداری
ابن یمین	دلزدگی از دانش - جهل مرکب. اشاره بر این است که در جوامعی که روز به روز کمتر تولید می کند و بیشتر مصرف می نماید حاصل این تحصیلات کرختی ذهن، افول کنجکاو و پرسشگری و سیری کاذب و بیمارگونه و لذت‌گویی از دانایی است. ندانستن و ناآگاهی نسبت به ندانستن	آنکس که نداند و بداند که نداند / گنگان خرک خویش به مقصد برساند آنکس که نداند و نداند که بداند / در جهل مرکب ابدالدهر بماند آنکس که بداند و نداند که بداند / بیدار کنیدش که در راه بماند
آریان پور	اشاره بردگرگونی های بنیادی در ارتباط با دانش و توسعه و شیوه های انگیزه سازی و نرم افزاری تعلیم و تربیت برای آدم سازی و آینده سازی برای کشور است	آفتاب زندگی تابنده باد / چشم به طلعت آینده باد
داور شیخاوندی	آدم های اهل تقلید و نه تحقیق و اهل مصرف و نه تولید و از نظر نویسنده در بهترین حالت نقل و ناقل "دانش بر" و "دانش بحر" مصرف کننده می پروراند نه "دانش ورز" و "دانش پرور" و شناخت آفرین و تولید کننده علم و معرفت	منم سخت پرگو و پر مدعا / منم سخت کم خون و اندک نویس
فخر رازی	انجام کارها از نوع بزنی در رو پاک کردن صورت مساله به جای حل آن	فخر رازی علم را لیتی کند / بیش طفلان ریزد و تی تی کند
مهدی اصغری	خنثی بودن و به جایی نرسیدن. اشاره به نظام تعلیم و تربیت رسمی ما است که که غالباً افرادی را می پروراند که سی سال از پشت میزشان تکان نخورند و در حفظ آن بکوشند و... زندگی اداری اگرچه ظاهراً زندگی آرام و بی تلاطم و محافظه کارانه است اما مگر نظام سوداگری اجازه می دهد. (زندگی قسطی اضافه کاری و دور کاری و مسابقه برای درآمد بیشتر نه برای پس انداز و سرمایه گذاری تولیدی بیشتر بلکه برای مصرف بیشتر و انبوه)	آدم ترسو نه چیزی می شود نه چیزیش می شود
فردوسی	کسب علم و دانش - معلم همیشه محصل اشاره بر این است که وقتی به ملت ژاپن نگاه می کنی می بینی انگار هر کدام یک آموزگار آرمانی یعنی یک همیشه محصل اند.	چنین گفت پیغمبر راستگوی زگهواره تا گور دانش بجوی
اسدی	تجربه و لیاقت در نتیجه بالا رفتن سن. اشاره به این است که مدیریت سنتی در ایران در گذشته به تاثیرات سن و تجربه در کارها بسیار حساس بوده است اما متأسفانه احساس عدم نیاز به تولید و پیامدهای آن ما را از این آموزه های فرهنگی و تاریخی دور کرده است.	جوان را ره و رای گردان بود / دلش بردن از راه آسان بود
مسعود سعد	تجربه و لیاقت در نتیجه بالا رفتن سن. اشاره به این است که مدیریت سنتی در ایران در گذشته به تاثیرات سن و تجربه	جوان خردمند نزدیک دانا / چو دری بود کش به زر بر نشانی

	در کارها بسیار حساس بوده است امامتاسفانه احساس عدم نیاز به تولید و پیامدهای آن مارا ازاین آموز ههای فرهنگی وتاریخی دور کرده است.	
اسدی	تجربه و لیاقت در نتیجه بالا رفتن سن. اشاره به این است که مدیریت سنتی درایران در گذشته به تاثیرات سن وتجربه در کارها بسیار حساس بوده است امامتاسفانه احساس عدم نیاز به تولید و پیامدهای آن مارا ازاین آموز ههای فرهنگی وتاریخی دور کرده است.	جوانه کینه را شاید و جنگ را / کهن پیر تدبیر و فرهنگ را جوان گر چه بینا دل و پر فسون / بود نزد پیر آزمایش فزون
حافظ	فضیلت در ریاضت کشی برای رسیدن به هدف. اشاره به این است که در جامعه ژاپنی ریاضت کشی حتی برای بچه هانیز دارای فضیلت است ومعتقدند که برای آماده کردن بچه ها دربرابردشواری های زندگی تحمل این گونه سختی ها لازم است	ناز پرورده تنعم نبرد راه بدوست/ عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد دوام عیش و تنعم نه شیوه عشق است / اگر معشر مائی بنوش نیش غمی
خاقانی	فضیلت در ریاضت کشی برای رسیدن به هدف. اشاره به این است که در جامعه ژاپنی ریاضت کشی حتی برای بچه هانیز دارای فضیلت است ومعتقدند که برای آماده کردن بچه ها دربرابردشواری های زندگی تحمل این گونه سختی ها لازم است	اسکندر و تنعم و ملک دوروزه عمر/ خضر و شعار مفلسی و عمر جاودان
فردوسی	کار و تلاش و پشتکاری- فضیلت ریاضت کشی. اشاره براین است که در گذشته طرز تفکری همانند ژاپنیا (در جامعه ژاپنی ریاضت کشی حتی برای بچه هانیز دارای فضیلت است) در نظر وبیشتر از آن در عمل به کار برده می شد ولی در جامعه دارای اقتصاد بادآورده ومصرف زده بی نیاز از هر کار و کوششی انگار چنین سخنانی هرگز نبوده اند.	نابرده رنج گنج میسر نمی شود/ مزد و آن گرفت جان برادر که کار کرد
اصطلاح سیر جانی	وضعیت غیر عادی- بهم ریختگی. اشاره به این است که نه تنها ما بلکه همه کشورهای نظیر ما که دارای اقتصاد بادآورده وآب ونفت و گاز آورده وتوسعه نیافته اند کم وبیش ودیر یازود دارای (تغییرات پی رپی محل زندگی، تعویض مسک، سبک زندگی بی پایه و.... وبهم ریختگی وبی معنایی پرتکان وتلاطم) همین وضعیت اند.	ما ور کک بندیم کک هم رقاص خدایه
شهریار	متواضع در دانش و علم. اشاره به این است که کسانی که غافل از شناخت بومی چه در سطح ملی وچه در سطح منطقه می خواهند پادرجای پای جوامع غربی بگذارند می گوید: جوامع غربی تمام نردبان هاوجاپای خودراباخود برده اند وچه بسا که تنها دام هایی بر سر راه بومیان ذوق زده ابه جا گذاشته باشند.	من ناخوانده دفتر هم که طفل مکتب عشقم
مولوی	توجه زیاد به دیگران و عدم توجه به خود. اشاره به این است که مارکس بعنوان یکی از سرسخت ترین منتقدان نظام سرمایه داری غربی باز باهمان شیشه کبود شرق شناسی نظام سوداگری -استعماری به روابط کشور های اروپایی ومشرق زمین ومستعمرات ونیمه مستعمرات نگاه می کند حتی اگر به شدت ماکس وبر نباشد ولی نیم نگاه محسوب می شود یعنی نگاه به غرب بعنوان الگو وعامل پیشرو ونگاه به شرق بعنوان عقب مانده وپیرو	پیش چشمت داشتی شیشه کبود/ پس همه عالم کبودت می نمود
اصطلاح کرمانی	توجه زیاد به دیگران و عدم توجه به خود. اشاره به این است که مارکس بعنوان یکی از سرسخت ترین منتقدان نظام سرمایه داری غربی باز باهمان شیشه کبود شرق شناسی نظام سوداگری -استعماری به روابط کشور های اروپایی ومشرق زمین	کور خدائی و بینای دیگران

	<p>و مستعمرات ونیمه مستعمرات نگاه می کند حتی اگر به شدت ماکس وبر نباشد ولی نیم نگاه محسوب می شود یعنی نگاه به غرب بعنوان الگو وعامل پیشرو ونگاه به شرق بعنوان عقب مانده وپیرو</p>	
سیاوش کسرائی	<p>تاثیر آثار استعمار با بودن تفکرات استعماری. اشاره به کالبدشکافی بی نظیر مارکس از سازوکار استعمار در نظام سوداگری - استعماری به تنهایی کافی است که بپذیریم وی بسیار پیش از سایه خود دویده است و تاثیر وی تار و زاری که بیداد زنده است زنده خواهد ماند.</p>	<p>تو زنده ای هنوز که بیداد زنده است هنوز</p>
فردوسی	<p>عدم شناخت همه چیز توسط یک تن. اشاره به این است که البته نباید توقع داشت که یک تن حتی اگر مجموعه بلند بالایی از صفات ناب و نادر هم باشد بتواند به تنهایی در جامعه استعماری وضع مستعمره رافهم کند.</p>	<p>چنین پاسخ داد که دانش بس است / ولی کن پراکنده با هر کس است</p>
خواجو	<p>عدم شناخت همه چیز توسط یک تن. اشاره به این است که البته نباید توقع داشت که یک تن حتی اگر مجموعه بلند بالایی از صفات ناب و نادر هم باشد بتواند به تنهایی در جامعه استعماری وضع مستعمره رافهم کند.</p>	<p>اهل خرد چه در این ره بسند / در همه چیزی نه به تنها رسند جمله همه راه بدین پی برند / و نه از این باغچه گل کی برند هر چه در آفاق زخیز وز شر / هر که در آفاق شناسد مگر حکمت نه بیک جا نهند / تحفه دانش نه به یک تن دهند</p>
بوذرجمه‌ور	<p>عدم شناخت همه چیز توسط یک تن. اشاره به این است که البته نباید توقع داشت که یک تن حتی اگر مجموعه بلند بالایی از صفات ناب و نادر هم باشد بتواند به تنهایی در جامعه استعماری وضع مستعمره رافهم کند.</p>	<p>همه چیز را همگان دانند و همگان را مادر نزیاییده</p>
مولوی	<p>عدم شناخت همه چیز توسط یک تن. اشاره به این است که البته نباید توقع داشت که یک تن حتی اگر مجموعه بلند بالایی از صفات ناب و نادر هم باشد بتواند به تنهایی در جامعه استعماری وضع مستعمره رافهم کند.</p>	<p>چشم حس همچون کف دست است و بس / نیست کس را بر همه او دسترس</p>
حافظ	<p>نا مطلوب بودن راه و رسم زندگی. اشاره به این است که چین بقول کایسرلینگ والاترین فرهنگ جهانی، ناگهان خود را در محاصره ملت هایی دید که دانا یانش پیاده و دیوانگانش سواره اند که در این میان هم استعمارگران اروپایی وهم آسیایی وجود داشتند. و در عین حال نشان دهنده دورویه تمدنی ناموزون غرب است.</p>	<p>فلک به مردم نادان دهد زمام امور / تو اهل دانش و فضلی همین گناهت بس</p>
سعدی	<p>مهربانی به حیوانات و انسان دوستی آنها. اشاره به فرهنگ هند که نه تنها به انسانها و دیگر ادیان احترام می گذارد و در پاسداری از تنوع فرهنگی در جهان می کوشد حتی همین مهربانی رادر حق جانوران ابراز می دارد.</p>	<p>سگ اصحاب کهف روزی چند / پی مردم گرفت و مردم شد</p>
اصطلاح مرکزی و لرستان	<p>کسی که نه تنها سود نمی رساند بلکه ضرر هم می رساند. اشاره به این است که موضوع ها و مسائلی را که دانشمندان علوم اجتماعی در آسیا برای مطالعه بر می گزینند یاد جهان پیشرفته مدروز هستند و یا جهان پیشرفته علاقمند به آنها است و یاد ر جوامع نمایشگاهی خاورمیانه ویتربینی و به قول قدمای ایرانی دکانی و امامزاده ای چشم کورکن برای متولی گری است.</p>	<p>امام زاده ما شفا نمی دهد اما کور میکند</p>
نظامی گنجوی	<p>فرهنگ انسان دوستی و حیوان دوستی. اشاره به فرهنگ هند که نه تنها به انسانها و دیگر ادیان احترام</p>	<p>می داد ز دوستی نه ز فسوس / بر چشم سیاه آهوان بوس</p>

	می‌گذارد و در پاسداری از تنوع فرهنگی در جهان می کوشد حتی همین مهربانی را در حق جانوران ابراز می دارد.	
بابا طاهر	بالاترین حقیقت حضور خداست	به صحرا بنگرم صحرا ته بینم/ به دریا بنگرم دریا ته بینم به هر جا بنگرم کوه و در و دشت/ نشان از قامت رعنا ته بینم
سعدی	رعایت عدل و عدالت در رای و کارها	عبادت به جز خدمت خلق نیست/ به تسبیح و سجاده دلخ نیست
مولوی	آگاهی و هوشیاری حاصل از درد مندی است زیرا خلاها و نقیصه های بشری را بیشتر می بیند. اشاره مولف به گاندی که در عصر تمدن "قلب آهن غرب" قلبی به نرمی ولطافت پرمیوه استبرق، آگاه و هشیار و در نتیجه دردمند و خونین و مهربانش رابه همه انسانها و حتی به دشمنانش ارمغان می داد.	هر که او بیدار تر پر درد تر / هر که او آگاه تر رخ زرد تر
مولوی	آگاهی و هوشیاری حاصل از درد مندی است زیرا خلاها و نقیصه های بشری را بیشتر می بیند. اشاره مولف به گاندی که در عصر تمدن "قلب آهن غرب" قلبی به نرمی ولطافت پرمیوه استبرق، آگاه و هشیار و در نتیجه دردمند و خونین و مهربانش رابه همه انسانها و حتی به دشمنانش ارمغان می داد.	پس عمرگفتش که این زاری تو/ هست هم آثار هشیاری تو

منبع: فرهادی، ۱۳۹۷

ب - ضرب المثل ها: در این بخش یافته‌های مربوط به ضرب المثل های بعد فرهنگ توسعه شناسایی و طبقه بندی شده است. ۴۵ مورد ضرب المثل بعد فرهنگی در سه بخش عنوان، اصالت (از نگاه نویسنده) و پدید آورنده در جدول ارائه شده است.

جدول شماره ۵: ضرب المثل های بعد فرهنگی توسعه به تفکیک اصالت و پدید آورنده

ضرب المثل	اصالت (از نگاه نویسنده)	پدید آورنده
اگر نمی توانی تشویق کنی تنبیه کن	اهمیت تشویق و تنبیه در آموزش در برابر سکوت و بی تفاوتی	نویسنده
با خاموشی میتوان خاموش کردن کوه را	بی تفاوتی و سکوت. آشکار نبودن معنی سکوت در فرهنگ ایرانی، آیا علامت رضاست؟ یا خاموشی در برابر ابلهان! و یا نشانه بی همتی و بلا تکلیفی. متاسفانه معنی این گونه سکوت هر چه باشد، ورود به گلستان اندیشه نیست!	نویسنده
دیر آیی و درست آیی	اشاره به تأمل فرهنگی	نویسنده
مطرب کم بود یک دسته هم از میبران آوردند	اشاره به خواسته پروری دروغین	اصطلاح کمره ای
سورناچی کم بود یکی هم از غوغه اومد	اشاره به خواسته پروری دروغین	اصطلاح کمره ای
به شتر مرغ گفتند تخم کن! گفت من شترم، گفتند پس بار بکش! گفت من مرغم؟	اشاره به وطن پرستاری واقعی و گریز از جهان وطنی دروغین	اصطلاح ایرانی
درخت روی ریشه اش سبز می شود	اشاره به تاریخ، فرهنگ و سنت	اصطلاح کرمانی
طلای طجر است، دو به دش (ده اش) ضرر است	اشاره به این دارد که حقیقت درهمه جا موجود و منتشر است	اصطلاح ملایری
کار را که کرد، آنکه تمام کرد	اشاره به نقش خواننده کتاب در دانستن ظرفیت ها، منابع، دانش و معرفت های موجود و استفاده و نگهداری صحیح آنان	اصطلاح ایرانی
هر جا سخن از دزد است از دستک هم هست	اشاره به همدستان و همسودان داخلی در کنار استعمار خارجی	نویسنده
تحصیل حاصل است	اشاره به دور شدن از فرهنگ کار و تولید و افزایش بی رویه مصرف	اصطلاح ایرانی
اگر یزد دور است خوشبختانه گز نزدیک	اشاره به دور شدن از فرهنگ کار و تولید و افزایش بی رویه مصرف	اصطلاح ایرانی

اصطلاح کرمانی	اشاره به میزان کاهندگی فرهنگ کار و تولید و افزایش مصرف و با متفاوت بودن استفاده از تکنولوژی در کشور سازنده تکنولوژی باکشور مصرف کننده تکنولوژی	تنبل نرو به سایه سایه خودش می آید
بودر جمهر حکیم	استفاده از تمامی ظرفیت ها و دانش و معرفتها(گذشتگان ،هم عصر وحتی آیندگان)درجهان	همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز زاده نشده اند
نویسنده	اشاره به جایگاه بالای آموزش عالی و همکاری رسانه ها به ویژه رسانه های مکتوب در شناساندن آن	زنده باد طوطیان شکر شکن شیرین گفتار
اصطلاح ایرانی	اشاره به کاهندگی فرهنگ کار و تولید و کاهلی	نان گدایی را به گاو کار دادند ، دیگر به کار نرفت
اصطلاح ایرانی	اشاره از شکایت از کسانی که می بیننداز کار نویسنده به اسم خود استفاده می کنند و هیچ انتقادی خودشان نمی کنند	شتر دزدی و دولا دولا؟
اصطلاح ایرانی	اشاره به طرح پرسش های نوین بر پایه پرسش های پیشین است وبعبارتی به جای ویران کردن بن لادهای پیشین ،لادی را به آن اضافه نمودن	بی مایه فطیر است
نیما	اشاره به طرح پرسش های نوین بر پایه پرسش های پیشین است وبعبارتی به جای ویران کردن بن لادهای پیشین ،لادی را به آن اضافه نمودن	تا چیزی نباشد چیزی به آن علاوه نمی شود.
نیما	اشاره به تولید علم بصورت دسته جمعی است	شاعر خودش است و دیگران
اصطلاح ایرانی	اشاره به کاهندگی فرهنگ کار و تولید و افزایش مصرف انبوه در شرایط اوضاع خوب اقتصادی	هرچه که پیدا کند / خرج اتینا کند
اصطلاح کرمانی	اشاره به کاهندگی فرهنگ کار و تولید و افزایش مصرف انبوه در شرایط اوضاع خوب اقتصادی	خدا خوب کرده
جلال آل احمد	اشاره به تسلط نظام سوداگری -استعماری غرب بر اقتصاد و سیاست جوامع توسعه نیافته دارای ذخایر نفتی	نفت را می برند و در مقابل هرچه بخواهی به تو می دهند از شیر مرغ تا جان آدمیزاد حتی گندم
اصطلاح الیگودرزی	اشاره بر عملکرد کشورهای جهان سوم در پیشتازی در مصرف است و توسعه بیش از آنکه خودش را در تولید نشان داده باشد در مصرف موفق بوده است.	گاو ما شیر نمیده ، مرحبا به پیشابش
اصطلاح کرمانی	اشاره بر اینستکه آنچه را که دانشمندان غرب اندیشیده اند ما خود پیشاپیش عمل کرده ایم (پیشتازی مصرف) وعدم درس آموزی از تجربه تاریخی	از استخوان شکسته پیرس نه از جراح
عمق بخارایی	اشاره بر اینستکه آنچه را که دانشمندان غرب اندیشیده اند ما خود پیشاپیش عمل کرده ایم (پیشتازی مصرف) وعدم درس آموزی از تجربه تاریخی	گل بود به سبزه نیز آراسته شد
نویسنده	اشاره بر این است که باوجود این همه ثروت متوقف و این همه سرمایه گذاری های ضد توسعه و این همه سرمایه های بالقوه موقوفات، همگان بر سرمایه های خارجی و حضور کمپانی های خارجی از غالب استادان اقتصادمان گرفته تا مردان سیاست و دولت ها پای می فشارند.	کلوچه ای که در عین خوردن تمام نمی شود
رسول اکرم(ص)	اشاره به اراده ملی و همه جانبه و مشارکتی و همگانی میان دولت و ملت و بسیج همه نیروهایی است که دارای درد و دغدغه مشترکی به نام توسعه پایدار ویژه و منحصر به فرد برای این بوم و برهستند. که باین اتحاد به ریشه کن کردن اقتصاد باد آورده و زیرگونه های بر خیزند	مسلمان نیست کسی که انگشتش دوبار از یک سوراخ گزیده شود.
حسن خیاط باشی	گم کردن خویش -گم کردن گروه مرجع	خودمان را از خودمان کم دارم امشب
اصطلاح کرمانی	باد کردن/ باد در غبغب انداختن	قپوزو
اصطلاح کرمانی	بی قراری/ تنش واضطراب	دنگو
اصطلاح ایرانی	کم مصرف کردن -پس انداز- سرمایه -کار	یک سال بخور نان و طره/ صد سال بخور نون و کره

امام علی (ع)	سود بردن از تجربه در زمان مقتضی	فرصت ها چون ابر در گذرند-سکوت گلستان اندیشه است.
اصطلاح ایرانی	از دست دادن فرصت ها و پتانسیل فرهنگی	در همیشه روی یک پاشنه نمی چرخه
اصطلاح ایرانی	از دست دادن فرصت ها و پتانسیل فرهنگی	یک زمان غافل شدم صد سال راهم دور شد
اصطلاح کرمانی	بازگشت به گذشته و سنت ها (پتانسیل فرهنگی) برای توسعه	درخت روی ریشه خو دسبز می شود
اصطلاح کمره ای	رها کردن کار با اهمیت و انجام کار بی اهمیت و از نظر مولف در بهترین حالت نقل و ناقل "دانش بر" و "دانش بحر" مصرف کننده می پروراند نه "دانش ورز" و "دانش پرور" و شناخت آفرین و تولید کننده علم و معرفت	همه چی آراسته - فاشق کلم بی دسته
اصطلاح ایرانی	تربیت درست فرزند. اشاره به مشارکت دادن کودکان و مسولیت خواهی از آنان در جامعه ایرانی به ویژه در روستاها و ویژه تر در میان عشایر به محض عقل رس شدن	فرزند به دل عزیز و به چشم خوار باشد
اصطلاح لرستانی	تجربه و لیاقت در نتیجه بالا رفتن سن. اشاره به این است که مدیریت سنتی در ایران در گذشته به تاثیرات سن و تجربه در کارها بسیار حساس بوده است امامتاسفانه احساس عدم نیاز به تولید و پیامدهای آن مارا از این آموز ههای فرهنگی و تاریخی دور کرده است.	جوان را به خواستگاری و پیر را برای خر خریدن نفرست
اصطلاح کرمانی	کشف حقایق از اهلش. از استخوان شکسته باید پرسید و نه از جراح. اشاره به این است که کشف تمامی فجایع نظام سوداگری - استعماری و تاثیرات آن در پس افتادگی کشورهای توسعه نیافته قاعدتا از وظایف روشنفکران و دانشمندان علوم اجتماعی شرق و مستعمرات و نیمه مستعمرات می باشد.	به درد کشیده برو نه به طبیب
اصطلاح ایرانی	مصرف گرایی و خواسته پروری - اقتصاد باد آورده. اشاره بر این است که مادرزمینه آموزش و پرورش و آموزش عالی می خواهیم ناممان باسواد باشد نه خودمان اسممان رییس و مدیر باشد و نه رسممان و در آموزش غالبا به دنبال مدرک باید بود نه درک و البته این بخش از همان جامعه نمایشگاهی و تئاتری و مجازی ماست که خود معلول طبیعت زندگی در اقتصاد بادآورده و نیز گونه های متبوع و مطبوع آموزه های آن است	تنبیل مرو به سایه / سایه خودش میایه
اصطلاح کرمانی	مصرف گرایی و خواسته پروری - اقتصاد باد آورده. اشاره بر این است که مادرزمینه آموزش و پرورش و آموزش عالی می خواهیم ناممان باسواد باشد نه خودمان اسممان رییس و مدیر باشد و نه رسممان و در آموزش غالبا به دنبال مدرک باید بود نه درک و البته این بخش از همان جامعه نمایشگاهی و تئاتری و مجازی ماست که خود معلول طبیعت زندگی در اقتصاد بادآورده و نیز گونه های متبوع و مطبوع آموزه های آن است	هر که دوید هر که خزید با هم رسید
اصطلاح ایرانی	دانش اندوزی و هزاران نکته در تولید. اشاره بر این است که ما احساس نیاز واقعی به دانش و نیاز واقعی به دانستن و لوازم آن نداریم، چراکه نیازی به تولید نداریم، چراکه تولید حتی ساده ترین آن نیز به سال ها دانش اندوزی و تجربه آموزی نیازمند است. (کاهندگی فرهنگ کار و تولید و افزایش مصرف گرایی)	هزاران نکته دارد خر چرانی
اصطلاح ایرانی	دانش اندوزی و هزاران نکته در تولید. اشاره بر این است که ما احساس نیاز واقعی به دانش و نیاز واقعی به دانستن و لوازم آن نداریم، چراکه نیازی به تولید نداریم، چراکه تولید حتی ساده ترین آن نیز به سال ها دانش اندوزی و تجربه آموزی نیازمند است. (کاهندگی فرهنگ کار و تولید و افزایش مصرف گرایی)	پالان دوزی است و دریائی از علم
اصطلاح مازندرانی	دانش اندوزی و هزاران نکته در تولید. اشاره بر این است که ما احساس نیاز واقعی به دانش و نیاز واقعی به دانستن و لوازم آن نداریم، چراکه نیازی به تولید نداریم، چراکه تولید حتی ساده ترین آن نیز به سال ها دانش	چوپانی صد و بیست مقام دارد غیر از هی هی و هیهایش

اندوزی و تجربه آموزی نیازمند است. (کاهندگی فرهنگ کار و تولید و افزایش مصرف گرای)ی	
---	--

منبع: فرهادی، ۱۳۹۷

بعد دوم: اجتماعی: بر حسب تحلیل محتوای کتاب ۴۲ مورد شعر و ۲۲ مورد ضرب المثل در بعد اجتماعی شناسایی شد که می توان گفت در بعد اجتماعی ۶۶ درصد اشعار و ۲۴ درصد ضرب المثل بوده است.

الف- شعرها: در این بخش یافته های تحلیل محتوا نشان می دهد ۴۲ مورد شعر در کتاب در ارتباط با بعد اجتماعی توسعه وجود دارد که در جدول زیر این اشعار به همراه اصالت (از نگاه نویسنده) و پدیدآورنده ارائه شده است.

جدول شماره ۶: اشعار بعد اجتماعی توسعه به تفکیک اصالت و پدید آورنده

پدید آورنده	اصالت (از نگاه نویسنده)	شعر
رودکی	کژ، تفننی و سهل انگارانه ندیدن و نبودن پایه و بن لادن (توجه و اهمیت دادن به پایه و اساس کار)	لاد را بر بنای محکم نه / که نگهدار لاد بن لادست
مولوی	اشاره به تفاوت برداشت تغییرات جمعیتی (مهاجرت از روستا به شهر) از یک کشور به کشور دیگر	گرچه باشد در نوشتن شیر شیر
مولوی	اشاره به استادان، پژوهشگران خردمند و ملت نجیب و ستم ستیز که طرفدار لشکر شکست خورده اند و بار بار بی رونق اند.	بانگ مظلومان ز هر جا بشنوند / آن طرف چون رحمت حق می دوند
مولوی	اشاره به تمرکز صاحبان معرفت تجربی و فراتجربی بر مهمترین موضوعات درگیر جامعه مضطرب و فرورفته آن	گفت پیغمبر که احق هر که هست / او عدو ماست و غول رهنست / هر که او عاقل بود او جان ماست / روح او و ریح او ریحان ماست
مولوی	اشاره به مطالعات فرهنگی، مطالعات زنان و جوانان و مسئله توسعه باتاکید بر فرهنگ بومی نه فرهنگ غربی	گفت قصدم زین فشاندن جوز نیست / تیزتر بنگر برین ظاهر، مایست / قصد من آنست که آید بانگ آب / هم ببینم بر سر آب این حباب / گرد جو و گرد آب و بانگ آب / همچو حاجی طایف کعبه صواب
نظامی	اشاره به افرادی که ادعای پست مدرنی دارند ولی در عمل و نظر نقدی جدی بر مدرنیته وارد نمی کنند	به چشمی خیرگی کرد آنکه برخیز / به دیگر چشم دل دادن که مگریز
نیما یوشیج	اشاره به تکنولوژی و جامعه ای که به تکنولوژی شکل و شیوه استفاده از آن را به اشکال گوناگون مشخص می سازد	اما صدای آدمی این نیست / با نظم هوش ربایی من / آواز هخای آدمیان را شنیده ام / در گردش شبانی سنگین / ز اندوه های من، سنگین تر / آوازهای آدمیان را یکسر / من دارم از بر / یک شب درون قایق، دلتنگ / خوانند آنچنان / که من هنوز هیبت دریا را در خواب میبینم
نویسنده	اشاره به قدرت و هم ترفندهای نهان آن (تکنولوژی) بازتابیده در رسانه های جمعی تحت کنترل قدرت دارد	او نمی خواهد / گرنه از برایش آسان بود / که بدراند پرده گوشت را / مهربان است و نمی خواهد / چه کسی می خواهد نوکر کر را؟ / اما: تا که آسوده کند گوشت را / از فحش ریکی که کسی در کوچه نثار کرد / از صداهای دوری که تو را به کمک می طلبد / و هواری که برادر دیشب، زیر آواری از بیداد کشید / و صدای نوک پای دردی نامعلوم / جعبه کوچک آواز برایت آورده ست / این همه مطرب / این همه ساز!
نویسنده	اشاره به خودآگاهی اجتماعی (یعنی خود را در برابر جمع احساس کردن، خود را در جمع و وابسته به جمع حس کردن)	در شلوغی های هفتاد و دو رنگ شهر / بودن چو نان که نابودن / چون دری بر پاشنه و چون اسب عساری گرد خود گشتن / دل نهادن بر تصاویر غل و زنجیر
حافظ	اشاره به جهان مدارایی و جهان مروتی	آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است / با دوستان مروت با دشمنان مدارا

نویسنده	اشاره به نوکیسگی، بی جنبه گی و خودگم کردگی	ندید بدید / نوکیسه / خود گم کرده / بی ریشه بی بوته / پریشان عقل
مولوی	اشاره به استفاده نامتعارف از هویت، ارزش های ملی انسانی و مذهبی جهت تبلیغات اقتصادی و سوداگرانه	به جای استفاده از شیر خدا و رستم دستانم آرزوست ... / از دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست / از-فنجان چای داغم گلستانم آرزوست -استفاده و تبلیغ کردن
نویسنده	اشاره به خلق الساعه نبودن آرمان های امروزی دموکراسی، برابری و برادری و آزادی	آنچه دانشمندان و فلاسفه می اندیشند، عوام تجربه میکنند
شاعر آمریکائی	اشاره به پارکینگ شدن جهان براساس طبقه بندی نیازها از نظر کیچ	همه درختان بهشت را برینند؛ و از آن پارکینگی ساختند به اندازه همه بهشت
اقبال لاهوری	اشاره به تولید علم بصورت دسته جمعی است	تو به تنهایی می خواهی جنگل باشی / جنگل ای دوست به یک افرا یا تبریزی جنگل نیست / تو فقط می خواهی برتر باشی / هیچ کس برتر نیست / چه گلی بر سر مردم زده ای؟
نویسنده	اشاره به تولید علم بصورت دسته جمعی است	قطره دریاست اگر با دریاست
مولوی	اشاره به گزینش موضوعات از جامعه خود توسط پژوهشگران واصحاب ادیشه بجای استفاده از موضوعات مورد طرح درجوامع غربی و پیشرفته	ده بار از آن راه بدان خانه برفتید / یک بار از این خانه بر این بام بر آبیید
مولوی	اشاره به متفاوت بودن الزامات جامعه شناسی و انسانشناسی و روانشناسی اجتماعی معاصر ایران با الزامات ومسائل ومشکلات این علوم درغرب وحتى کشو رهای توسعه نیافته بدون ذخایر زیرزمینی وسوخت فسیلی	نرم نرمک گفت شهر تو کجاست / که علاج اهل هر شهری جداست
سعدی	اشاره به متفاوت بودن الزامات جامعه شناسی و انسانشناسی و روانشناسی اجتماعی معاصر ایران با الزامات ومسائل ومشکلات این علوم درغرب وحتى کشو رهای توسعه نیافته بدون ذخایر زیرزمینی وسوخت فسیلی	خور و خواب تنها طریق دد است / بر این بودن آیین نا بخرد است
نویسنده	اشاره به ذوق زدگی تحصیل کردگان وشیفندگان مکتب نوسازی ازمدرن ومدرنیته ومعاصر ومتجدد وامروزه روزی وحذف تاریخ فرهنگ ملت های ستمدیده از نظام سوداگری - استعماری توسط آنان	با پای خویش برفتن، در راه غیر گزیده / در راه ریلی از پیش ساخته / با مقصدی هم از اول معلوم / در راه رهنان نه شبگیر، روزگیر / با علم و سر و با صنعت سامری / کر گشته در برابر آواز طور / آوازهای گوساله طلایی را / و خرده خوانی قارون را در مایه های مایه داری و سوداگری / اما، این گونه نیک شنیدن، باوریدن
مولوی	اشاره به اهمیت دادن به فرهنگ غیر خودی (مکتب نوسازی) توسط پژوهشگران وتحصل کردگان وگریز از فرهنگ تاریخی وبومی وملی خود	جامه شویی کرد خواهی ای فلان / رو مگردان از محله گازران
اقبال لاهوری	اشاره به تعریف فرازسنت که گذشته بیادآمده در زمان حال وخیز برداشته به آینده است.	سر زند از ماضی تو حال تو / خیزد از حال تو استقبال تو
سهراب سپهری	اشاره به ملت های نظیر ماست که نباید نرمش خودرا درهیچ زمینه ای اذ دست بدهد وباید بتواند نشانی های متعدد راه های گوناگون رابرای سنجش وگزینهش داشته باشد.	کار ما نیست شناسایی راز گل سرخ / کار ما شاید این است / که در افسون گل سرخ شناور باشیم / پشت دانایی اردو بزینیم
بوستان سعدی	اشاره به کسانیکه گناه توسعه نیافتگی کشور های نظر ما را برگردن مسائلی همچون محافظه کاری ومقاومت دربرابرنواوری،قدرگرایی وخودمحوری وعدم انگیزه برای پیشرفت می اندازند که سخنشان برخاسته از تجربه عمیق ودست اول وواقعیت زندگی مردمان این کشورها نیست .	یکی روستایی سقط شد خرش / علم کرد در طاق بستان سرش / جهان دیده پیری بر او برگذشت / چنین گفت خندان به ناطور دشت / مپندار جان پدر کاین حمار / کند دفع چشم بد از کشتزار / که این دفع چوب از سر و گوش خویش / نمی کرد تا ناتوان مرد و ریش

مولوی	اشاره به این است که سزاوار نیست که ما از مقام آدمیان یک ملت کهن فرهنگ به ورطه تقلید محض و کور از غرب هبوط کنیم	خلق بر باد ده
حافظ	اشاره به این است که سزاوار نیست که ما از مقام آدمیان یک ملت کهن فرهنگ به ورطه تقلید محض و کور از غرب هبوط کنیم	در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم / سرزنش ها گر کند خار مغیلان غم مخور
مولوی	اشاره به این است که سزاوار نیست که ما از مقام آدمیان یک ملت کهن فرهنگ به ورطه تقلید محض و کور از غرب هبوط کنیم	خلق را تقلیدشان بر باد داد / ای دو صد لعنت بر این تقلید باد
مولانا	اشاره برنادیده گرفتن تاثیرات اخلاقی وانسان سازوآینده ساز فرهنگ تولیدی و کار و سربراشدن ملت به ثروت نیاکانی با مبارکی مرد آخربین ودولت آخربین وملت آخربین فاصله افزاینده دارد.	در پس هر گریه آخر خنده ای است / مرد آخر بین مبارک بنده ای است
نظامی	اشاره به تفاوت میان انسان مصرف کننده جهان سوم بدون تلاش وازگهواره کار وتولیدافتاده بانسان تولیدکننده (جهان توسعه یافته)اززمین تاآسمان است.	کلاغی تک کبک را در گوش کرد / تک خویشتن را فراموش کرد
حافظ	اشاره به موفقیت درکار وتولید وتوجه بلیغ وعمیق به قوانین حاکم بر واقعیت استعاضه از واقعیات طبیعی وواقعیت های اجتماعی.	در ره منزل لیلی که خطر ها است در آن / شرط اول قدم آن است که مجنون باشی
کارو	اشاره به مسئله ژینگول گری (یکی از نشانگان اقتصاد بادآورده) وقرتی گری ودیگراسامی نه بدلیل خودش که به دلیل تضادی که بافرهنگ کار،تلاش،تولیدونوسعه پایداردارد مهم وبسیارمهم وغیرقابل گذشت است	گردن دراز ، لاغر و باریک / دو سه من ابل ، کراوات شیک / عینک سفید، ثلث آن تاریک / ناخن ها دراز، موها کتابی / پوشت بنفش، کت عنابی / کفش پسته ای شلوار آبی / خنده های جلف ، غمزه و اطوار / کلی بی حیا، کلی بدهکار / بدپوز و پررو / بیکار و بی عار / نوک پا تا سر، دروغ و کلک / اسم چند آرتیست یک مشت متلک / مرده زنان، چه پیر چه جوان / فیلسوف زمان! در پنج شش زبان / گودنایت فی فی جان از انگلیسی ، از فرانسه : اوه مونشری مرسی / در عالم خواب یک لحظه لندن / یک لحظه پاریس بعد نیوجرسی / منزل آقا پارک منوچ خان / کمی دور تر از گود عباسی / ثروت مفهوم سه میلیون دلار / سرمایه نقد سه چار پاپاسی / با پول مردم بی رو درواسی / کافه شهرداری پی رقاصی / سه دفعه تانگو / سی دفعه زومبا / بعد تا نصف شب بوگی و سامبا / کت رفته گرو پیرهن پاره / دهان خون آلود گیج و آواره / یکدست در رفته، دک و دنده خرد / آقای آجدان ، من منوچ قرتی / برید ببینید فی فی رو کی برد؟ / جاده به جاده پای پیاده / تق تق یک در سایه مادر / در کنج ایوان مست و نیمه جان / می رود بخواب گودنایت فی فی جان
مولوی	اشاره براین است که شگفت آوراست فلاسفه مانگارانحطاط انسان سرزمین خود رادردورشدن ازکاروخلاقیت وخودشکوفایی حاصل از رشدشخصیت اجتماعی درفضاهای تولیدی ومناسبات سازنده وی باطبیعت وجامعه وفرهنگ نمی بینندوهمچون کران وپیران سنگین گوش گرم چانه به مطالبی پاسخ می دهند که ازآنها نپرسیده اند.	این جوابات قیاسی راست کرد
عراقی	اشاره براین است که شگفت آوراست فلاسفه مانگارانحطاط انسان سرزمین خود رادردورشدن ازکاروخلاقیت وخودشکوفایی حاصل از رشدشخصیت اجتماعی درفضاهای تولیدی ومناسبات سازنده وی باطبیعت وجامعه وفرهنگ نمی بینندوهمچون کران وپیران سنگین گوش گرم چانه به مطالبی پاسخ می دهند که ازآنها نپرسیده اند.وشگفت آنکه کسانی که درباره تاریخ علوم اجتماعی وآسیب شناسی آن درایران قلم می زنند غالباً هیچ یک ازاین مطالب را ندیده اند.	یا نبند هیچکس از باده فروشان بیدار / یا نه، من هیچکس هیچکس در نگشود

حمید ادیب	<p>اشاره براین است که شگفت آوراست فلاسفه مانگار انحطاط انسان سرزمین خود رادردور شدن از کار و خلاقیت و خود شکوفایی حاصل از رشد شخصیت اجتماعی در فضاهای تولیدی و مناسبات سازنده وی با طبیعت و جامعه و فرهنگ نمی بینند و همچون کران و پیران سنگین گوش گرم چانه به مطالبی پاسخ می دهند که از آنها نپرسیده اند. و شگفت آنکه کسانی که درباره تاریخ علوم اجتماعی و آسیب شناسی آن در ایران قلم می زنند غالباً هیچ یک از این مطالب را ندیده اند. و این اشکال مهم: پاسخ گوی به پرسیده ها و موضوعات و مضامین غیر ضروری ربط و ناپهنگام و از پیش قالب پذیرفته و قلمکاری تکراری و سکوت سنگین و خاموشی در برابر پرسش های بنیادی امروز جامعه، فرهنگ، اقتصاد و بحران ها و کاستی های اساسی اشکال بزرگ علوم اجتماعی ایران نیز هست که آن چنان بادوربین و تلسکوپ های فضایی در حال رصد جوامع و گروه های مرجع در غرب است که واقعیت های زیر پای خود را حتی در خانه خویش نمی بینند</p>	<p>قالب نمی پذیرم / هر چند می گدازندم / در کوره های زنهار / روان آبم ، در بستر نا معلوم خاک / لیبی که نمی داند، کی بوسه و کی فریاد خواهد شد / من، شرق شاعرم / به آفتاب فقط سجده خواهم کرد / من رود را غلتیده ام / دیگر در منطق کوزه ها نمی گنجم</p>
مولوی	قدر نشاختن چیزی علی الخصوص بن مایه آفرینش (آب)	هر که او ارزان خرد ارزان دهد / گوهر طفلی به مشت می ناند
سعدی	دوستی - وطن دوستی	ما یوسف خود نمی فروشیم / تو سیم سیاه خود نگهدار
یغمای جندقی	کسی که به نصایح بی توجه است با زور و فریاد هم نمی توان به او فهماند اشاره مولف به دیدن و شنیدن تجربیات صاحب نظران و دلسوزان این مملکت توسط مدیران بوده و نباید فراموش کرد که مسئله حکمرانی غیر از گلایه گذاری و دادخواهی های شخصی است.	گوش اگر گوش تو ناله اگر ناله من / آنچه البته به جانی نرسد فریاد است
صائب تبریزی	مصرف بدون تولید و همچنان در خواب بودن	کره اسب از نجابت در تعاقب می رود / کره خر از خیریت پیش پیش مادر است
مولوی	همدل شدن و با هم بودن سرمایه ای بزرگ است - سرمایه اجتماعی. اشاره مولف به نتایج یکسان در یک امر پژوهشی با مبنای قرارداد مطالعه تاریخ، فرهنگ و جامعه یک کشور	ای بسا هند و ترک و هم زبان / ای بسا دو ترک چون بیگانگان که زبان همدلی خود دیگر است / هودلی از همزبانی بهتر است
مولوی	تعصب خام به بیگانه و بیگانه بودن با تاریخ و باستانشناسی مردم شناسی و جامعه شناسی ملت های کهن فرهنگ و نگاه کردن به جهان از پنجره بسته غرب محورانه	سخت گیری و تعصب خامی است / تا جنینی کار خون آشامی است
سعدی	توجه به ظواهر ما را از توجه به باطن هر چیزی غافل کند. اشاره مولف براین است که خواجگان آموزش و پرورش و خانواده های ما به جای در بند نقش ایوان باید به دنبال بن لاد و پی و پای بست باشند یعنی جامعه هوشیار و بیدار و آخربینی که بیشتر به دنبال تولید و کار است و نه در پی مصرف و اوقات بلاهت. که این مسئله نیازمند آگاهی و روشنگری همگانی و عزم ملی و اقدام جمعی است.	خانه از پای بست ویران است / خواجه در بند نقش ایوان است
حافظ	آدم های مغرور فقط آنچه را که دوست دارند می بینند. اشاره مولف به برخی نویسندگان و تحصیل کردگان است که تنها چیزی را که به دماغ در نمی آورند مسئله آبادان سازی پانصدساله پور ژوازی مهربان و انسان دوست و زحمتکش غرب است. و بس. هیچ کس نمی گوید که یکایک ما ایرانیان در چهار صد سال و به ویژه یک صد سال گذشته کم یا زیاد بی گناهییم و دعا های غرب را آمین نگفته ایم اما ای ملت های ۱۶۰ کشور و یابیشتر جهان همه در این مسئله	چون غرض آمد هنر پوشیده شد / صد حجاب از دل سوی دیده شد

	گناهکار و تنها کشورهای استعمارگر غربی بی گناهند؟ انصاف هم خوب چیزی است.
--	---

منبع: فرهادی، ۱۳۹۷

ب- ضرب المثل ها : در بخش ضرب المثل ها، نخست عنوان ۲۲ ضرب المثل ذکر و در کنار آن اصالت آن (از نگاه نویسنده) و پدیدآورنده آن ذکر شده است.

جدول شماره ۷: ضرب المثل های بعد اجتماعی توسعه به تفکیک اصالت و پدید آورنده

ضرب المثل	اصالت (از نگاه نویسنده)	پدید آورنده
با دست پس می زنند و با پا پیش می کشند	اشاره به افرادی که ادعای پست مدرنی دارند ولی در عمل و نظر نقدی جدی برمدرنیته وارد نمی کنند	اصطلاح ایرانی
نه به دار و نه بار، اسمش گذاشتند هالو بختیار	اشاره به توجه استادان و پژوهشگران به مسائل و معضلات جوامع توسعه نیافته به وضعیت داخلی خودشان و عدم توجه این جوامع به شعارهای دهکده کوچک و جهانی سازی...	اصطلاح الیگودرزی
آب آمد از روغن چرب تر	اشاره به انتخاب موضوعات و اولویت های تحقیقاتی، پایان نامه ها و عناوین کتاب ها براساس کارهای کشورهای غربی و پیشرفته نه براساس مسائل موجود در کشور بویژه موضوع کار	اصطلاح کرمانی
از خر افتاده و گرده جسته	اشاره به گزینش موضوعات و مسائل وطنی از جامعه خود توسط پژوهشگران واصحاب اندیشه بجای استفاده از موضوعات مورد طرح در جوامع غربی و پیشرفته وهمچنین اشاره به رسیدن به مال و مقام از سرخوش شانس و بدون کار	اصطلاح کمره ای
از خر افتاده و چلغته	اشاره به گزینش موضوعات و مسائل وطنی از جامعه خود توسط پژوهشگران واصحاب اندیشه بجای استفاده از موضوعات مورد طرح در جوامع غربی و پیشرفته وهمچنین اشاره به رسیدن به مال و مقام از سرخوش شانس و بدون کار	اصطلاح کمره ای
خودش را بیار و اسمش و میار	اشاره به تعریف مسائل ویژه و در اولویت جامعه خود به جای دنباله روی کورکورانه از مسائل سایر جوامع	اصطلاح الیگودرزی
کور کار نداشت مژه هایش می کند برای خود کار درست می کرد.	اشاره به متفاوت بودن الزامات جامعه شناسی و انسانشناسی و روانشناسی اجتماعی معاصر ایران با الزامات و مسائل و مشکلات این علوم در غرب و حتی کشورهای توسعه نیافته بدون ذخایر زیرزمینی و سوخت فسیلی	اصطلاح ایرانی
سری را که درد نمی کرد دستمال می بست	اشاره به متفاوت بودن الزامات جامعه شناسی و انسانشناسی و روانشناسی اجتماعی معاصر ایران با الزامات و مسائل و مشکلات این علوم در غرب و حتی کشورهای توسعه نیافته بدون ذخایر زیرزمینی و سوخت فسیلی	اصطلاح ایرانی
قطار تو را به جایی می برد که خود می رود	اشاره به ذوق زدگی تحصیل کردگان و شیفتگان مکتب نوسازی از مدرن و مدرنیته و معاصر و متجدد و امروزه روزی و حذف تاریخ فرهنگ ملت های ستمدیده از نظام سوداگری - استعماری توسط آنان	باب پرلمن
انسان شناسی قادر است بارها بمیرد و زنده شود	اشاره به فناپذیری معرفت های تجربی و فراتجربی بشری	لوی اشتراوس
آنکه نداند از کجا آمده است هرگز نخواهد دانست که به کجا می رود.	اشاره به فهم و پندآموزی از تاریخ	امام علی (ع)
ابر که میره به ساری، برو بچسب به کاری، ابر که میره به تبریز گیوت پات کن و بگریز	اشاره به شناخت درست از مبدا (جامعه سنتی و تاریخ و فرهنگ ما) و هم مقصد (تاریخ و جامعه و تکنولوژی و فرهنگ جوامع چند کانونه غرب و وقاصد و اهداف هر کانون آن) است.	اصطلاح تهرانی (روستای امامه)
با ماشین سوار غربیل به دست	اشاره به تفاوت میان انسان مصرف کننده جهان سوم بدون تلاش و از گهواره کار و تولید افتاده بانسان تولیدکننده (جهان توسعه یافته) از زمین تا آسمان است.	اصطلاح کمره ای
خو در به کوچه علی چپ زدن	خود را به خواب زدن	اصطلاح ایرانی

اصطلاح ایرانی	همه چیز تغییر کرده است و ما همچنان در خوابیم	دنیا را هفت بار خواب برده و انگار ما رو خواب برده
اصطلاح ایرانی	استفاده از راه های تجربه شده هزار ساله بجای راه های میان بر و نو تجربه شده (پیوند سنت وصنعت نه سنت کشی کورکورانه)	از راه برو بی راه مرو هر چند که راحت دور با
اصطلاح ایرانی	از هر جهت زبان دیدن. اشاره براین است که ما متاسفانه در جامعه کم تولید پرمصرف ونمایشگاهی نه توانسته ایم فرزندان این مرز وبوم را به رشد اجتماعی شایسته یک کشور کهن فرهنگ ومشارکتی جمع گرا برسانیم ونه آنها را حداقل به کارفکری واندیشیدن ومطالعه وخلاقیت وتلاش فردی رهنمون شویم.	از آنجا رانده و از اینجا مانده
اصطلاح ایرانی	از هر جهت زبان دیدن. اشاره براین است که ما متاسفانه در جامعه کم تولید پرمصرف ونمایشگاهی نه توانسته ایم فرزندان این مرز وبوم را به رشد اجتماعی شایسته یک کشور کهن فرهنگ ومشارکتی جمع گرا برسانیم ونه آنها را حداقل به کارفکری واندیشیدن ومطالعه وخلاقیت وتلاش فردی رهنمون شویم.	هم از شوربای قم ماند هم از حلیم کاشان
اصطلاح ایرانی	انجام کار بیهوده و بی ثمر. اشاره براین است که خواجگان آموزش وپرورش و خانواده های ما به جای دربند نقش ایوان باید به دنبال بن لاد وپی وپای بست باشند یعنی جامعه هوشیاروبیدار وآخرینی که بیشتر به دنبال تولید وکاراست ونه دربی مصرف واوقات بلاهت. که این مسئله نیازمند آگاهی وروشنگری همگانی وعزم ملی واقدام جمعی است.	ریش پیوند سیبل کردن
اصطلاح ایرانی	اشاره به تفاوت برداشت تغییرات جمعیتی(مهاجرت از روستا به شهر) ازیک کشور به کشور دیگر	گرچه گرد است به دیدن گردو / نه هر آن گرد که بینی گردوست
اصطلاح ایرانی	اشاره به افرادی که ادعای پست مدنی دارند ولی درعمل ونظر نقدی جدی برمدرنیته وارد نمی کنند	با دست پس می زند و با پا پیش می کشند
اصطلاح روسی	جدید ترین و نوترین چیزه ها از گذشته هاست که بدلائل گوناگون فراموش شده است.	بهترین نو غالباً آن است که در گذشته دور فراموش شده است

منبع : فرهادی، ۱۳۹۷

بعد سوم : اقتصادی : برحسب تحلیل محتوای کتاب ۴۹ مورد شعر و ۶۱ مورد ضرب المثل در بعد اقتصادی شناسایی شد که می توان گفت در بعد اقتصادی ۴۵ درصد اشعار و ۵۵ درصد ضرب المثل بوده است.
 الف- شعرها : در این بخش یافته ای تحلیل محتوا نشان می دهد ۴۹ مورد شعر در کتاب در ارتباط با بعد اقتصادی توسعه وجود دارد که در جدول زیر این اشعار به همراه اصالت (ازنگاه نویسنده) و پدیدآورنده ارائه شده است.

جدول شماره ۸ : اشعار بعد اقتصادی توسعه به تفکیک اصالت و پدید آورنده

پدید آورنده	اصالت (ازنگاه نویسنده)	شعر
پروین اعتصامی	معاش بی تلاش- اقتصاد باد آورده	جان رها کردیم و در فکر تنیم / تن بمرد و در غم پیراهنیم
حافظ	اشاره به خرق اجماع وعادت بانظریات اغلب نویسندگان مکتب نوسازی پیشامتقدم ایرانی -اروپایی ودرچالش پژوهیده ودرازمدت با مکتب نوسازی متقدم آمریکایی	در خلاف آمد عادت بطلب کام که من / کسب جمعیت از ان زلف پریشان کردم
امثال و حکم دهخدا	اشاره به تاثیرات مکتب نوسازی متقدم پس ار انقلاب اسلامی درایران	چه خوش بود که برآید به یک کرشمه دو کار / زیارت شه عبدالعظیم و دیدن یار
حافظ	اشاره به نظریات مکتب نوسازی(که دلایل پس افتادگی رادرفرنگ ملی می بیند) درکشورهای توسعه نیافته وبه تماشای گل و سبزه وگوش به بلبل نشستن بجای نگاه کردن به بدی وزشتی وتاجران چرتکه انداز وجنایت کاران بادستکش های سفید وقلب های سیاه	آیین تقوی ما نیز دانیم / لیکن چه چاره با بخت گمراه
مولوی	اشاره به بسط مسئله بنیادی توسعه پایدار	از راه برو ، بی راه مرو ، هرچند که راحت دور با

مولوی	استفاده درست از تمامی منابع، ذخایر و ظرفیت ها بارویکرد توسعه پایدار	مرد حجی همره حاجی طلب / خواه کرد و خواه ترک و یا عرب / کم نگر در رنگ و اندر شکل او / در نگر در عزم و در آهنگ او/ ای بسا هندو و ترک هم زبان / ای بسا دو ترک چون بیگانگان / که زبان همدلی خود دیگر است / همدلی از هم زبانی برتر است.
مولوی	اشاره به بیان موانع ومشکلات توسعه نیافتگی وتلاش در رفع آن	این وجد و سماع ما مجازی نبود / وین رقص که میکنیم بازی نبود / با بی خبران بگوی کی بی خبران / بیهوده سخن بدین درازی نبود
شفیعی کدکنی	اشاره به زیادتروبیشتربودن آهنگ رشدتکنولوژی، فردگرایی، رقابت وسایر بحران ومشکلات وهمچنین بی تامل وعجول بودن انسانها	به کجا چنین شتابان؟ / گون از نسیم پرسید / هوس سفر نداری ز غبار این بیابان؟ همه آرزویم اما / چه کنم که بسته پام / به کجا چنین شتابان؟ به هر آن کجا که باشد به جز این سرا سرایم / سفرت به خیر اما تو و دوستی، خدا را / چو از این کویر وحشت به سلامتی گذشتی / به شکوفه ها، به باران برسان سلام ما را.
مولوی	اشاره بر عدم خودمختاری تکنولوژی وقابل کنترل وعلاج پذیری بودن آن	آب در کشتی هلاک کشتی است / آب در بیرون کشتی پستی است!
مولوی	باتدبیر، به تغییر جا وگاه جبرویبات ترکیب خاصی از برخی جبرها راه ومفری یافتن(درارتباط باتکنولوژی)	هان مخسب ای جبری بی اختیار / جز به زیر آن درخت میوه دار/ تا که شاخ افشان کند هر لحظه باد/ بر سر خفته بریزد نقل و زاد/ جبر خفتن در میان رهنان / مرغ بی هنگام کی دارد امان
مولوی	اشاره هم به جامعه ایی که علم وتکنولوژی در آن سامان یافته وهم تاثیر متقابلی که تکنولوژی برافراد وجامعه دارد. که ازان راههای نوین دیگری درجهاتی دیگر ایجادمیگردد	فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو در اندازیم
مولوی	اشاره هم به جامعه ایی که علم وتکنولوژی در آن سامان یافته وهم تاثیر متقابلی که تکنولوژی برافراد وجامعه دارد. که ازان راههای نوین دیگری درجهاتی دیگر ایجادمیگردد	عالمی از نو نباید ساخت، از نو آدمی
نویسنده	برای آزادی ازچنگ گرگ باید به چنگالی تیز مجهزشویم بی آنکه ماهیتا گرگ شویم وبه گرگ شدن افتخار کنیم(درارتباط باتکنولوژی)	در مصاف گرگان اگر تحصیل چنگالی تیز را واجب می شماریم، باری به گرگ شدن مفاخرت نکنیم
عبدالکریم سروش	برای آزادی ازچنگ گرگ باید به چنگالی تیز مجهزشویم بی آنکه ماهیتا گرگ شویم وبه گرگ شدن افتخار کنیم(درارتباط باتکنولوژی)	گرگ باید بود، نیز او داند/ تا ندرندش، تا بدراند / لیکن و افسوس که او جز آنچه هست، ار بلند ار پست / بود، نتواند/ بره مظلوم و بی ازار را ماند.
مولوی	اشاره به سازگاروهمخوان بودن تکنولوژی با منافع اقلیت قدرتمند جوامع سوداگری -استعماری	مرغ در بالا پران و سایه اش/ می دود بر خاک پران سایه وش/ ابلهی صیاد ان سایه شود / می دود چنان که بی مایه شود / ره نبرده هیچ در مقصود خویش / رنج ضایع، سعی باطل پای ریش

فردوسی	اشاره به کشورهای دارای ذخایر سرشار نفت جهان سوم که برخلاف انتظار ازمدار توسعه یافتگی به دور بوده درصورتیکه برخی از کشو رهای بدون چنین ذخایری توانستند موج دوم صنعتی شدن درجهان را ببیمایند که ازنظ مولف علت آن کاهندگی فرهنگ کار وتولید وافزایش فرهنگ مصرفی است	بیا کند چرمش به زهر و به نفت / سوی اژدها روی بنهاد تفت
فردوسی	اشاره به کشورهای دارای ذخایر سرشار نفت جهان سوم که برخلاف انتظار ازمدار توسعه یافتگی به دور بوده درصورتیکه برخی از کشو رهای بدون چنین ذخایری توانستند موج دوم صنعتی شدن درجهان را ببیمایند که ازنظ مولف علت آن کاهندگی فرهنگ کار وتولید وافزایش فرهنگ مصرفی است	به اسب و به نفت آتش اندر زدند / همه هندیان دست بر سر زدند
سعدی	اشاره به کشورهای توسعه نیافته دارای ذخایر شرشار به ویژه نفت وگاز که بعنوان کشورهای درحال توسعه باخیز گلاپردی نامگذاری کرده اند	ترسم نرسی به کعبه ای اعرابی / این ره که تو می روی به ترکستان است
دراویش پرده زن وپرده خوان	اشاره به شناسایی کامل و خوب ساخت کلی آزار اقتصاد بادآورده ونحوه مقابله باآن در هرظاهر وشکلی	دیده خواهم تا که باشد شه شناس / شاه را بشناسد او در هر لباس
سعدی	اشاره به اقتصاد بدون نفت است	بر احوال آن مرد باید گریست/که دخلش بود نوزده خرج بیست
فردوسی	اشاره به پیشتازی مصرف بجای افزودن به توان کار وتولید	من آنم که رستم بود پهلوان / من آنم که طیاره در آسمان
اخوان ثالث	اشاره به پیشتازی مصرف بجای افزودن به توان کار وتولید	های نخراشی به غفلت گونه ام راه تیغ ! های نهریشی صفای زلفکم راه دست! آپرویم را نیزیزی دل
پروین اعتصامی	اشاره به تاثیر بیماری اقتصاد بادآورده (معاش بدون تلاش) که حاصل توان یابی در مصرف کردن بدون بذل هرگونه کوشش ذهنی است.	تو نبینی پرده دیوار را / چون ببینی پرده اسرار را
مولوی	اشاره به تاثیر بیماری اقتصاد بادآورده (معاش بدون تلاش) که حاصل توان یابی در مصرف کردن بدون بذل هرگونه کوشش ذهنی است.	فخر رازی علم را لبتی کند / پیش مرغان ریزد و تی تی کند
فردوسی	اشاره براین است که هرکس به زبانی صفت حمد احتیاج وخواسته ومصرف ومصرف انبوه را به جای سرمایه گذاری وتولیدمی زند.	چو چپ و راست کرد و خم آورد راست / خروش از خم چرخ چاچی بخواست
مولوی	اشاره به مصرف بی رویه ونادرست ذخایر آبی وفرونشستن سطح آب سفره های زیرزمینی که این خطر بزرگ بالای سرمان چرخ می زند ماوبسیاری ازکشورهای مسلمان به تامل آن را نگاه نکردیم .	گر بود حرف تو کز معنیت راست / آن کزی لفظ مقبول خداست
مولوی	اشاره به مصرف بی رویه ونادرست ذخایر آبی وفرونشستن سطح آب سفره های زیرزمینی که این خطر بزرگ بالای سرمان چرخ می زند ماوبسیاری ازکشورهای مسلمان به تامل آن را نگاه نکردیم . وراه برون رفت راصرفا درضرب وزورعقلانیت کوته بین فن آورانه جستجوکردیم وغافل اینکه همین قفل آب ازراه کلیدان وکلید تکنولوژی نابه جا بسته گردیده است.	مقرب می خواند از روی کتاب / ماو کم غورا ز چشمه بدم آب / چون که بشنید آیت او از نا پسند / گفت آریم آب را ما با کلند / ما به زخم بیل و تیزی تیر / آب را آریم از پستی ز بر
مولوی	اشاره به مصرف بی رویه ونادرست ذخایر آبی وفرونشستن سطح آب سفره های زیرزمینی که این خطر بزرگ بالای سرمان چرخ می زند ماوبسیاری ازکشورهای مسلمان به تامل آن را نگاه نکردیم . وراه برون رفت راصرفا درضرب وزورعقلانیت کوته بین فن آورانه جستجوکردیم وغافل اینکه همین قفل آب ازراه کلیدان وکلیدتکنولوژی نابه جا بسته گردیده است.که بنظر می رسد این بی توجهی ماهمه جانبه هستگویا این بیماری هلندی اول تعقل وتامل مارا هدف قرارداده واحساس کاذبی از بی نیازی از زمین وآسمان برای ما فراهم می آورد وکام ما(بیمار)راازذوق توهم خوش می کند.	کام از ذوق توهم خوش کنی / دردمی در خیک خود پرش کنی / پس به یک سوزن تهی گردی ز باد / این چنین فربه تن عاقل مباد
مولوی	اشاره به استخراج وتاراج ذخایر آبی ایران وکشورهای مانند که گرفتار به بیماری هلندی درمناطق کم باران آسیا وآفریقا که لازم است این مسئله بیش ازاین مورد عنایت دانشمندان اقتصاد کشاورزی تاوزرای آب وبرق ودولتمردان قرارگیرد	نرم نرمک گفت شهر تو کجاست؟ که علاج اهل هر شهری جداست

میر فخرائی	اشاره به فروش و برداشت از سرمایه و بن مایه آفرینش یعنی آب معین است. که این سرمایه ها تنها از آن مانیست که هر طوریکه بخواهیم آن هارا مصرف کنیم	در حقیقت مالک اصلی خدا است / این امانت بهر روزی دست ما است
حافظ	اشاره به این است که پس از هر تغییر اقتصادی یا سیاسی و تکنولوژیکی که سبب افزایش ناگهانی درآمد کشاورزان منطقه شده وقاعدتا می بایستی سبب بهبود وضعیت روستاهای منطقه و آبادانی آنها گردد، سبب ویرانی و کاهش تولید و مهاجرت شبیه به فرار بیشتری از روستاها شده است. مانند اصلاحات ارضی و...	کمر از ذره نئی ، پست مشو، عشق بورز / تا به خلوتگه خورشید رسی چرخ زنان
قیصر امین پور	گم کردن خویش / درک هویت خویش - بازگشت به فرهنگ جمع گرایی و یاریگرانه فتوتی شرقی و ایرانی و درک هویت خویش	سال ها دویده ام از پی خودم / تا به خود رسیده ام دیده ام که دیگرم
مولانا	سیرت خواهی و درون نگری - تاثیرات کالاپرستی و خود شیفتگی	دانه پنهان کن سراسر دام شو / ما درون را بنگرم و حال را
حافظ	ظاهر سازی - خیلی کم عیب و مشکل داشت یکی دیگر هم اضافه شد. فریبندگی کالا منجر به نمایشگاهی شدن و پاساژی شدن جامعه ما شده است.	حریف مجلس ما خود همیشه دل می برد / الخصوص که پیرایه ای به آن بستند
اقبال لاهوری	ظاهر سازی - خیلی کم عیب و مشکل داشت یکی دیگر هم اضافه شد. فریبندگی کالا منجر به نمایشگاهی شدن و پاساژی شدن جامعه ما شده است.	چنین دور آسمان کم دیده باشد / که جبریل امین را دل خراشد
حافظ	عرق ملی و وطن دوستی. اشاره مولف به عدم وابستگی به غرب و کشورهای صنعتی شده ستمکاره	من آن نگین سلیمان به هیچ نستانم / که گاه و گاه بر او نقش اهرمن باشد
سعدی	قدرت رسانه ای دشمن. اشاره مولف به غرب و گروه های همسود و پیروان مکتب نوسازی که خود را سالم و مردمان ۱۶۰ کشور جهان را دچار توهم توطئه می دانند	نقدا قلم در دست دشمن است
عطار نیشابوری	انتظار بیهوده، اشاره به اینست که چگونه است که کشاورزان ایرانی پس از چند هزار سال زندگی با تعاونی های درون زاد و باستانی خود همچون واره و بنه و بلوک و مال (تعاونی های تولید و چند منظوره) در عصر حاضر نتوانسته اند واره محصولات خود را در قالب تعاونی های قدیم و جدید و با کمک وزارت خانه های مرتبط تعاونی هایی برای گردآوری محصولات و حمل و نقل و عرضه مستقیم به مشتریان و مصرف کنندگان تاسیس کنند و این ستم چند ده ساله را از میان بردارند. مشکل در کجاست	چو بدو ره نی و بی او صبر نی / مضطرب گشتیم و مضطر سوختیم
مولوی	انسان در هیچ لحظه ای در این دنیا بطور کامل مقصودش حاصل نیاید اشاره مولف به شرایط پرمسئله تولید در ایران بویژه در زمینه کشاورزی و باغداری و دامداری و طیور داری و نوغانداری	آن یکی خر داشت پالانش نبود / یافت پالان گرگ خر را در ربود
امیر قلی امیری	مال بی زحمت برکت ندارد. اشاره به مصرف ذخایر زیرزمینی (خام فروشی و پخنه خری و مصرف انبوه)	آن غلامی که آب جوی آورد / آب جوی آمد و غلام ببرد
فردوسی	اشاره بر انتقال تکنولوژی همچون ماشین ها و صنعت چاپ از مشرق زمین و چین به هر جا	نوشتم سخن چند بر پهلوی / ابر دفتر و کاغذ و خسروی
اقبال لاهوری	تولید و کار و رسیدن به خود کفایی و استقلال اقتصادی	آنچه از خاک تو رست ای مرد حر / آن فروش و آن بیوش و آن بخور
پروین اعتصامی	اهمیت کار و تولید و عمل به آن	دین از تو کار خواهد و کار از تو راستی / این درد با مباحثه درمان نمی شود
وحشی بافقی	بدون رنج و زحمت صاحب چیزی شدن و به هدف رسیدن - عدم رعایت در عدالت. اشاره به تقسیم کار برادرانه و انسان دوستانه نظام سوداگری - استعماری (اشاره به تربیت پزشک و مهندس و... برای کشورهای توسعه نیافته) است که اگر برای جهان توسعه نیافته آب ندارد امدار عوض برای غرب نان فراوان دارد! و... همچنان که به پزشکان و هندان جهان توسعه نیافته محتاج می باشند به این پروردگان علوم اجتماعی اروپا محور و ایدئولوژی شرق شناسانه نیز نیازمندند! افزون بر آنکه این برگزیدگان غالباً با سرمایه گذاری های کشورهای توسعه نیافته و با خون جگر پرورده شده اند و عروسانی هستند که بی چک و چانه به خانه بخت غربیان وارد می شوند	زیباتر آنچه مانده ز بابا از آن تو / بدای برادر از من و اعلا از آن تو

اصطلاح ایرانی	بدون رنج و زحمت صاحب چیزی شدن . اشاره به تقسیم کاربرادرانه وانسان دوستانه نظام سوداگری -استعماری!(اشاره به تربیت پزشک و مهندس و... برای کشورهای توسعه نیافته) است که اگر برای جهان توسعه نیافته آب ندارد امدار عوض برای غرب نان فراوان دارد! و... همچنان که به پزشکان وهندسان جهان توسعه نیافته محتاج می باشندبه این پروردگان علوم اجتماعی اروپا محوروایدئولوژی شرق شناسانه نیز نیازمندند!افزون برآنکه این برگزیدگان غالبا با سرمایه گذاری های کشورهای توسعه نیافته وباخون جگرپرورده شده اند وعروسانی هستند که بی چک وچانه به خانه بخت غربیان وارد می شوند	نه چک زدیم نه چونه / عروس رو بردیم به خونه
جامی	کار و تلاش با استقامت - پشتکار و پایداری.اشاره براین است که انگار ژاپنی ها همانند پاولف روسی معتقدند که "نبوغ چیزی نیست جز کار و کار و کار"	به کوشش به هر چیز خواهی رسید/ به هر چیز خواهی کماهی رسید
وحشی بافقی	کار و تلاش با استقامت - پشتکار و پایداری. اشاره براین است که انگار ژاپنی ها همانند پاولف روسی معتقدند که "نبوغ چیزی نیست جز کار و کار و کار"	به هر کاری که همت بسته گردد/ اگر خواری بود گلدسته گردد
نویسنده	انتظارنتیجه از یک کار بیهوده.اشاره به این است که اگر ما ایرانیان بتوانیم از چنگال این بیماری مزمن اقتصاد بادآورده وانواع زیرگونه های آن نجات یابیم این امکان وجوددارد که ایران درموج سوم توسعه جزئیکی از کشورهای پیشرو اسلامی واولین کشور شیعه وفارسی زبان باشد که به توسعه دست یابد.	هر اگر فاصله ای - کاشکی همگی فاصله اند - دست در دستم نه - تا اگر ها را از باغ زبان برچینیم - کاشکی را بسپاریم به کرت نسبان
نویسنده	اشاره به این است که اگر ما ایرانیان بتوانیم از چنگال این بیماری مزمن اقتصاد بادآورده وانواع زیرگونه های آن نجات یابیم این امکان وجوددارد که ایران درموج سوم توسعه جزئیکی از کشورهای پیشرو اسلامی واولین کشور شیعه وفارسی زبان باشد که به توسعه دست یابد.که البته برای دست یابی به چنین آرزوهای بزرگی راه حل نهایی را در پرده برداری از حافظه جمعی(تاریخی)- پرنگ کردن پتانسیل فرهنگی و سرمایه اجتماعی دانسته است.	تا نگوید خوشوقتی خوشبختی است/ پرده برداریم از حافظه مان

منبع : فرهادی، ۱۳۹۷

ب - ضرب المثل ها : در بخش ضرب المثل ها، اول عنوان ۶۱ ضرب المثل ذکر و در کنار آن اصالت آن (ازنگاه نویسنده) و پدیدآورنده آن ذکر شده است.

جدول شماره ۹ : ضرب المثل های بعد اقتصادی توسعه به تفکیک اصالت و پدید آورنده

پدید آورنده	اصالت (ازنگاه نویسنده)	ضرب المثل
اصطلاح ایرانی	پول بادآورده - ایجاد فرصت در حوادث - خوش شانسی اشاره براینست که ساخت های اقتصادی واداری ما درآخرین پاگرد وحدافل از ۱۵۰ سال قبل باهدف های مستتردرمکتب نوسازی درتوسعه وپیشرفت خردمدانه برای نظام استعماری وبی خردانه برای نظامات ملی ما وکل جهان توسعه نیافته (جهان سوم)طراحی شده است	تغاری بشکند، ماستی بریزد/جهان گردد به کام کاسه لیسان
اصطلاح ایرانی	اشاره به نجات نظام های اقتصادی جهان سوداگری واستعماری ازورشکستگی بصورت ناخواسته وغالبا نادانسته توسط جوامع کشور های توسعه نیافته	کوچه روشن کن و خانه تاریک کن
اصطلاح ایرانی	اشاره به کارگریزی ومصرف گرایی بویژه درقشرهای نوکیسه وبهره ور از اقتصاد باد آورده	ندیده دیده شود عقلش پریشان
اصطلاح ایرانی	اشاره به کارگریزی ومصرف گرایی بویژه درقشرهای نوکیسه وبهره ور از اقتصاد باد آورده	از نو کیسه قرض نکن/ اگر قرض کردی خرج نکن
نویسنده	اشاره برنقش وتاثیر تمدن غرب برتکنولوژی وبالعکس	هر دو هو لو کچه هم او کچه
اصطلاح ایرانی	اشاره بر عدم خودمختاری تکنولوژی وقابل کنترل پذیری بودن آن	گردو رو با گردو میشکنند.
اصطلاح ایرانی	اشاره بر عدم خودمختاری تکنولوژی وقابل کنترل وعلاج پذیری بودن آن	سگ زرد برادر شغال است

اصطلاح مازندرانی	اشاره بر عدم خودمختاری تکنولوژی و قابل کنترل و علاج پذیری بودن آن	شغال بیشه مازندران را / نگیرد جز سگ مازندرانی
اصطلاح ایرانی	اشاره به وجود روابط درون زا و متقابل عناصر منظومه بایکدیگر است(اشاره به روابط تکنولوژی در غرب " تعادل بین تولیدکننده و مصرف کننده "	چهل چیز خانه به صاحب خانه می برد
اصطلاح ایرانی	اشاره به وجود روابط درون زا و متقابل عناصر منظومه بایکدیگر است(اشاره به روابط تکنولوژی در غرب " تعادل بین تولیدکننده و مصرف کننده " و "عدم تعادل بین تولیدکننده و مصرف کننده" در کشورهای توسعه نیافته نظیر ما	لحاف چهل تکه
اصطلاح کمره ای	اشاره به یاعی شدن تکنولوژی در جامعه افسارگسیخته	افسار سر خود
نویسنده	اشاره به خیل خریداران محصولات غربی(کشورهای مصرف کننده جهان سوم) که نیاز به خودنمایی خود را با آراستن به کالاهای غربی ارضامی کنند	نه کشته و نه رشته و نه بافته ایم؟
اصطلاح ایرانی	اشاره به اینکه پس انداز صرفا برای خرج ناکردن و نهاندن نیست (مرحله اول با پس انداز امکان سرمایه گذاری برای تولید و کار بر روی طبیعت و به ویژه کارمولد و بعد در شرایط سخت برای روز مبادا)	برای نهادن چه سنگ و چه زر
اصطلاح ایرانی	اشاره به پس انداز به قصد سرمایه گذاری	کم بخور همیشه بخور
اصطلاح ایرانی	اشاره به پس انداز به قصد سرمایه گذاری	سالی بخور نان و تره / عمری بخور نان و کره
اصطلاح ایرانی	اشاره به پس انداز به قصد سرمایه گذاری	میش ر سی کن / گله پتی کن
اصطلاح ایرانی	اشاره به پس انداز به قصد سرمایه گذاری	میش را سی کن کلاهد را کج بگذار
اصطلاح ایرانی	اشاره به اهمیت فرآوری و پرهیز از آنچه که با کار و صرف وقت بر روی مواد منافات دارد.	خام مده ، پخته مخر / میش مده پخته مخر
اصطلاح ایرانی	اشاره به اهمیت فرآوری و پرهیز از آنچه که با کار و صرف وقت بر روی مواد منافات دارد.	میش دهی پخته خری خام دهی پخته خری
ناصر خسرو	اشاره به اهمیت فرآوری و پرهیز از آنچه که با کار و صرف وقت بر روی مواد منافات دارد.	شاه را پیش، جز از پخته پخته ننهی / مؤمنی را که ضعیف است یکی نان ندهی
اصطلاح کرمانی	اشاره به اهمیت فرآوری و پرهیز از آنچه که با کار و صرف وقت بر روی مواد منافات دارد.	قوچ مخر که پوچ میشه / بره بخر که میشه میشه
اصطلاح کرمانی	اشاره به اهمیت فرآوری و پرهیز از آنچه که با کار و صرف وقت بر روی مواد منافات دارد. و همچنین یعنی کسب و کار تواز رونق نیفتد و کم و سن سال ولاغر و خام خریدن و بزرگ شده فروختن.	چو خواهی که دیگت نیفتد ز جوش / کوچک بخر و بزرگ بفروش
نویسنده	اشاره به این است که محصول خالص منحصر به زمین و دام است	مال ملک زمین است و میش گنج روان / به شرط آنکه صبح و پسین آید به دام
نویسنده	اشاره به این است که محصول خالص منحصر به زمین و دام است و همچنین کارمولد و زایا سبب شده است که روستاییان اهمیت بسیاری برای آنچه که زاییده و زایا است قائل شوند.	موش ماده بهتر از فیل نره
نویسنده	اشاره به این است که محصول خالص منحصر به زمین و دام است و همچنین کارمولد و زایا سبب شده است که روستاییان اهمیت بسیاری برای آنچه که زاییده و زایا است قائل شوند.	تا توانی چار چیز ماده خر ماده میش و مادیان و ماکیان و ماده خر
دبلیو روستو	اشاره به کشورهای دارای ذخایر سرشار نفت جهان سوم که برخلاف انتظار از مدار توسعه یافتگی به دور بوده در صورتیکه برخی از کشورهای بدون چنین ذخایری توانستند موج دوم صنعتی شدن در جهان را بپیمایند	اسراف در مصرف در آرمان شهر جامعه مصرف انبوه
اصطلاح ایرانی	اشاره به آزار اقتصاد بادآورده (معاش بدون تلاش یازندگی یا خواب در زیر سایه دکل های نفتی) که زیرگونه آزار نفت آورده است	اگر دردم یکی بودی چه بودی
اصطلاح ایرانی	اشاره به اقتصاد بدون نفت است	چو دخلت نیست خرج آهسته تر کن
نویسنده	معاش بدون تلاش	اقتصاد باد آورده
نویسنده	سوپ سوبسیدی ، زندگی زیر سایه دکل های نفتی	معاش بدون تلاش

اصطلاح کرمانی	اشاره به تاثیر بیماری اقتصاد بادآورده (معاش بدون تلاش) که حاصل توان یابی در مصرف کردن بدون بذل هرگونه کوشش تنی و ذهنی است که باتدریج باین سبک زندگی شخصی می آموزد که حتی المقدور وظایف خود را به گردن خانواده، اطرافیان و دولت بیندازد.	ورراو رو
اصطلاح ایرانی	اشاره به تاثیر بیماری اقتصاد بادآورده (معاش بدون تلاش) که حاصل توان یابی در مصرف کردن بدون بذل هرگونه کوشش تنی و ذهنی است که باتدریج باین سبک زندگی شخصی می آموزد که حتی المقدور وظایف خود را به گردن خانواده، اطرافیان و دولت بیندازد.	مثل هلو بپر تو گلو
اصطلاح ایرانی	اشاره به تاثیر بیماری اقتصاد بادآورده (معاش بدون تلاش) که حاصل توان یابی در مصرف کردن بدون بذل هرگونه کوشش ذهنی است.	در دره خیار بسیاریه، مرد می خام بره بیاره
اصطلاح کمره ای	ظاهر سازی-خیلی کم عیب و مشکل داشت یکی دیگر هم اضافه شد. فریبندگی کالا منجر به نمایشگاهی شدن و پاساژی شدن جامعه ما شده است.	مطرب کم بود یک دسته هم از میبران آوردند
نویسنده	ظاهر سازی-خیلی کم عیب و مشکل داشت یکی دیگر هم اضافه شد. فریبندگی کالا منجر به نمایشگاهی شدن و پاساژی شدن جامعه ما شده است.	گل بود به سبزه نیز آراسته شد
اصطلاح ایرانی	ولخرج و سخاوتمند	دست به جیب
اصطلاح ایرانی	بی کار بودن - آسودگی مطلق	دست در جیب
اصطلاح ایرانی	آدم های بیکار و هرزه گرد	راس راس راه رفتن
اصطلاح ایرانی	کنار گذاشتن اولویت ها	شتر را با بار رها کردن و با پشته کوه را گرفتن
اصطلاح ایرانی	کنار گذاشتن اولویت ها	شتر را گم کردن و دنبال افسار آن گشتن
اصطلاح ایرانی	تشویق به مصرف گرایی و خواسته پروری	کفاف کی دهد این باده ها به مستی ما
اصطلاح ایرانی	اشاره به ارتباط بین حقوق و میزان آن با صادرات نفت و گاز و دندان تیز کردن به آن	دنبه به گرگ سپردن
اصطلاح ایرانی	دم را غنیمت شمردن. اشاره به ذات اقتصاد بادآورده/آزار هلدنی (معاش بدون تلاش) که سطح هشیاری همه مبتلایانش را هدف قرار داده و آنان را در تراز هشیاری گیاهی در زمان حال نگاه می دارد	در زمان حال حال را باش
اصطلاح ایرانی	خدمت رایگان و از طرف مقابل انتقاد. اشاره مولف به نه خریدن مواد خام به قیمت نازل توسط غرب و آمریکا از کشورهای جهان سوم	مفتش میدان سنگش کمه
اصطلاح ایرانی	خدمت رایگان و از طرف مقابل انتقاد. اشاره به نه خریدن مواد خام به قیمت نازل توسط غرب و آمریکا از کشورهای جهان سوم	دندان اسب پیشکش را شمردن
اصطلاح کمره ای	اشاره به اینست که بدون حمایت و سیاست های حمایتی در ایران نه بخش خصوصی و نه بخش دولتی و نه بخش تعاونی می تواند روی پای خود بایستد	گو از چشم گو میبینه
نویسنده	اشاره به اهمیت مصرف انبوه در نظام سوداگری و استعماری که بدون آن مقصد و هدف خود را گم می کند	دیگر به خون تازه نمی گردد/ بشکسته است چغچغه و چرخ آسیاب
اصطلاح ایرانی	حسن زیاد و فراوان. اشاره مولف به نیازمند بودن به واردات از دیگر کشورهای جهان و در همان حال هر سال یک محصول کشاورزان مان روی دستشان بماند و درآمد کشاورزانمان در ازای یک سال کارشان به اندازه سود چندساعته و یا چند روزه عمده فروشان و بدتر از همه سلف خراندولالان و صادر و وارد کنندگان غالباً انحصاری میوه و تره بار نباشد.	آب افتاده به دست شمر
اصطلاح کرمانی	رو به نابودی و محتاج شدن. اشاره به اینست که چگونه است که کشاورزان ایرانی پس از چند هزار سال زندگی باتعاونی های درون زاد و باستانی خود همچون واره وینه و بلوک و مال (تعاونی های تولید و چند منظوره) در عصر حاضر	به مال بادی سرشرب واجب الحجی دم صبح واجب الزکات

	نتوانسته اند واره محصولات خود را در قالب تعاونی های قدیم و جدید و با کمک وزارت خانه های مرتبط تعاونی هایی برای گردآوری محصولات و حمل و نقل و عرضه مستقیم به مشتریان و مصرف کنندگان تاسیس کنند و این ستم چند ده ساله را از میان بردارند. مشکل در کجاست	
اصطلاح ایرانی	مال بی زحمت برکت ندارد. اشاره مولف به مصرف ذخایر زیرزمینی (خام فروشی و پخته خری و مصرف انبوه)	باد آورده را باد می برد
اصطلاح ایرانی	عادت به بیکاری و بی عاری و عدم کار و خلاقیت	نشیمن بادی خاکی نمی شود
اصطلاح ایرانی	عادت به بیکاری و بی عاری و عدم کار و خلاقیت	نان گدائی را به گاو کار دادند دیگر بکار نرفت
اصطلاح مرکزی	با زیرکی در هر موقعیتی سود بردن و اشاره به صرفه جویی دقیق استفاده از مواد ظاهرا بی ارزش در فرهنگ تولید و کار	از آب روغن گرفتن
اصطلاح سیر جانی	با زیرکی در هر موقعیتی سود بردن و اشاره به صرفه جویی دقیق استفاده از مواد ظاهرا بی ارزش در فرهنگ تولید و کار	زورت از زر است
اصطلاح ایرانی	مکمل همدیگر بودن. اشاره بر اینست که سیاست و اقتصاد دورویه از یک سکه واحدند	این آستر است که رویه را نگه می دارد
اصطلاح ایرانی	برای کار نکرده پول گرفتن - اقتصاد باد آورده (معاش بدون تلاش) که نظرنویسنده بر این است که بدون چاره اندیشی برای علت العلل های بیماری و با اصلاحات موضعی کاری از پیش نمی رود.	دارا کباب و ندار بوی آن
اصطلاح ایرانی	برای کار نکرده پول گرفتن - اقتصاد باد آورده (معاش بدون تلاش) که نظر نویسنده بر این است که بدون چاره اندیشی برای علت العلل های بیماری و با اصلاحات موضعی کاری از پیش نمی رود.	کاهش مال ما دانش مال مردم، گل گندم
اصطلاح ایرانی	بدون رنج و زحمت صاحب چیزی شدن. اشاره به تقسیم کار برادرانه و انسان دوستانه نظام سوداگری - استعماری! (اشاره به تربیت پزشک و مهندس و... برای کشورهای توسعه نیافته) است که اگر برای جهان توسعه نیافته آب ندارد اما دعوض برای غرب نان فراوان دارد! و... همچنان که به پزشکان و هندسان جهان توسعه نیافته محتاج می باشند به این پروردگان علوم اجتماعی اروپا محور و ایدئولوژی شرق شناسانه نیز نیازمندند! افزون بر آنکه این برگزیدگان غالباً با سرمایه گذاری های کشورهای توسعه نیافته و باخون جگر پرورده شده اند و عروسانی هستند که بی چک و چانه به خانه بخت غربیان وارد می شوند	نه چک زدیم نه چونه / عروس رو بردیم به خونه
اصطلاح عشایر ایرانی	ننگ و عاری در پخته خواری و خام فروشی نفت و گاز و..	خام دهی پخته خوری میش دهی بخته خری
اصطلاح ایرانی	انتظار نتیجه از یک کار بیهوده. اشاره به این است که اگر ما ایرانیان بتوانیم از چنگال این بیماری مزمن اقتصاد باد آورده و انواع زیرگونه های آن نجات یابیم این امکان وجود دارد که ایران در موج سوم توسعه جزئیکی از کشورهای پیشرو اسلامی و اولین کشور شیعه و فارسی زبان باشد که به توسعه دست یابد.	اگر را کاشتند سبز نکرد
اصطلاح ایرانی	اشاره به زیادتربیشتر بودن آهنگ رشد تکنولوژی، فردگرایی، رقابت و سایر بحران و مشکلات و همچنین بی تامل و عجول بودن انسانها	بزن و در رو / از زیر کار در رو / با سه سوت / سر هم بندی / گازش را گرفتن / بچسبان / بچسبان / در ویراستاری / به خاکی زدن / در رانندگی / جیم شدن در ادارات / سر و ته کار را به هم آوردن / بدو بدو کردن / سگ دو زدن

منبع: فرهادی، ۱۳۹۷

بعد چهارم: سیاسی: بر حسب تحلیل محتوای کتاب ۴۳ مورد شعر و ۳۱ مورد ضرب المثل در بعد سیاسی شناسایی شد که می توان گفت در بعد سیاسی ۵۸ درصد اشعار و ۴۲ درصد ضرب المثل بوده است.

الف- اشعار: در این بخش یافته های تحلیل محتوا نشان می دهد ۴۳ مورد شعر در کتاب در ارتباط با بعد سیاسی توسعه وجود دارد که در جدول زیر این اشعار به همراه اصالت(ازنگاه نویسنده) و پدیدآورنده ارائه شده است.

جدول شماره ۱۰: اشعار بعد سیاسی توسعه به تفکیک اصالت و پدید آورنده

پدید آورنده	اصالت (ازنگاه نویسنده)	شعر
مولوی	نقش مخرب نظام سوداگری -استعمار در کشورهای توسعه نیافته	گاو اگر واقف ز قصابان بدی / کی پی ایشان بدان دکان شدی / کی بخوردی از کف ایشان سبوس / کی بدادی شیرشان از چاپلوس
فردوسی	نقش مخرب نظام سوداگری -استعمار در کشورهای توسعه نیافته	تو این را دروغ و فسانه مدان / به یکسان روش در زمانه مدان / از او هرچه اندر خورد با خرد / دگر بر ره رمز و معنی برد
مولوی	اشاره به تهی گشتگی از غرور و نزولی تندرستانه از اوج افلاک نایل شدن دارد و رنگ باختن خودخواهی و خودشیفتگی	کام از ذوق توهم خوش کنی / در دمی در خیک خود پرش کنی / پس به یک سوزن فروگردی ز باد / این چنین فربه تنی هرگز مباد
نویسنده	اشاره به تهی گشتگی از غرور و نزولی تندرستانه از اوج افلاک نایل شدن دارد و رنگ باختن خودخواهی و خودشیفتگی	زال و گران چون حقیقت / به سر ذره را کوفت بر خاک
نویسنده	اشاره به تهی گشتگی از غرور و نزولی تندرستانه از اوج افلاک نایل شدن دارد و رنگ باختن خودخواهی و خودشیفتگی	فاش می گویم / من بر آن استم / که جهان را گر خداوندی است / من خداوند جهان استم / هر کجا جایی است جای من! / هر چه در هرجا، برای من! / تا بنامم، تا ز منم بر هر چه مهر بودن خود را / نام ها هستند / تا بنوشم، تا به رقص آید زمین از همت سرشار سر مستم / جام ها هستند / تا ببینم، تا به هر دیدن شکوفد صد بهار خنده در چشمم / رنگ ها هستند / تا نماند خالی از بازپچه های موم وش دستم / سنگ ها هستند
نویسنده	اشاره به تهی گشتگی از غرور و نزولی تندرستانه از اوج افلاک نایل شدن دارد و رنگ باختن خودخواهی و خودشیفتگی	رو به سوی درگه والای من دارد / آن زمان که ماه / بر سر امواج شب راند به نرمی زورق سیمینه خود را / روی من در روی او پیدا است / آن زمان که مهر / به رخ دریا کشد آیینه خود را
نویسنده	اشاره به تهی گشتگی از غرور و نزولی تندرستانه از اوج افلاک نایل شدن دارد و رنگ باختن خودخواهی و خودشیفتگی	هیبت پرواز شاهین غرور خویش را بینم / آن زمان که ابر، به ستیغ کوه ساید سینه خود را / تا بدانم چون خویش از چند، آسمان هست، اختران هستند / تا به خویش آیم، دیگران هستند.
اسماعیل خوئی	اشاره به وزش نسیم شک دریاور خودخواهانه و خودباورانه در ذهن شاعر نسبت به پنداری است که من و تنها من را عامل شناسایی و ادراک جهان می داند و نشان دهنده نزدیک شدن به ایدئالیسم فرارونده و ایدئالیسم خداپاورانه است	به هراس و حیرت آلوده / مشکلی دارم / مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرسیدش / باز پرسیدش که فردا چون تواند بود، گر نه برخیزم، چو برخیزد سحر خیز اختر زرین فردا، من ؟ چه تواند بودن آیینه / گر نه در او، باز بینم نقش خود را من ؟
اسماعیل خوئی	نویسنده اشعار میدارد این اشاره وسیله بازاندیشی برای کسانی است که در روزگار ما دوباره و بدون تفکر عملا و یا نظر ادرام خطرناک ایدئالیسم فردگرایانه و خودبینانه - بستگی هستی "جهان، به هستی من" در برابر بستگی هستی جهان به هستی آدمیان و بالاخره "جهان برای خدا" و در برابر: - فروغلتیده اند.	آنطرف تاریک است / پشت تاریکی چیزی است نهان / نتوان منکر خورشید شدن / مرد نابینا گفت

اقبال لاهوری	اشاره به مقصود بودن ملت های ستم دیده (بدلیل ناآگاهی) در کنار همدستان وهمسودان داخلی واستعمار خارجی	مثل نی خود را ز خود کردی تهی / بر نوای دیگران دل می نهی ای گدای ریزه ای از خون غیر / جنس خود می جویی از دکان غیر
احمد شاملو	اشاره به نقش وغارت نظام سوداگری -استعماری از کشورهای توسعه نیافته به ویژه کشورهای دارای ذخایر زیرزمینی سرشار	ماهیان می داندند، عمق هر حوض به اندازه دست گره است
سعدی	اشاره به محکومیت سروری دنیای غرب	ای کشته که را کشتی تا کشته شدی زار / تا باز که او را بکشد آنکه تو را کشت
سعدی	اشاره به اینکه سخنان برپایه نوشته ها ونظریات وطبقه بندی های فاتحان است	ندانم کجا دیده ام در کتاب/که ابلیس را دید شخصی به خواب/نظر کرد وگفت ای نظیر قمر/ندارد خلق از جمالت خبر/تو را سهمگین روی پنداشتند/به گرمابه در زشت بنگاشتند/بخندید وگفت آن نه شکل من است/ولیکن قلم در کف دشمن است
حافظ	اشاره به اینکه سخنان برپایه نوشته ها ونظریات وطبقه بندی های فاتحان است	چو غرض آمد هنر پوشیده شد / صد حجاب از دل به سوی دیده شد
حسن بن محمد بن حسن قمی	اشاره به اینکه سخنان برپایه نوشته ها ونظریات وطبقه بندی های فاتحان است	و در برابر این کوشک بر سر کوه ها که آن را کوه خور گویند جوسقی بنا کرده است مثل مناره، درازی آن سی گز و بر سر آن نیزه دراز نشانده است و بر سر آن دو مورس آویخته است یکی منع برق و سرما
سعدی	اشاره به استدلال کاسب کارانه یک سیاست مدار غربی در توجیه کمک به کشورهای فقیر	ندانم کجا خوانده ام در کتاب
حمید ادیب	اشاره به استدلال کاسب کارانه یک سیاست مدار غربی در توجیه کمک به کشورهای فقیر	در سفرهای آسمانی / در تلسکوپ این بقالان / چیزی به چشم نمی آید / الا مشتری
مولوی	اشاره به وضعیت استقرار کشورهای توسعه نیافته دارای ذخایر نفتی در مراحل رشد اقتصادی روستو و بیان این مطلب که آیدگرگونی این جوامع بصورت طبیعی بوده یا مرضی و سرطانی	کام از ذوق توهم خوش کنی / در دمی در خیک خود پرش کنی / پس به یک سوزن فروگردی ز باد/ این چنین فربه تنی هرگز مباد
میرفخرایی	اشاره به خودتوازن قوا ورقابت بین دو بلوک شرق و غرب که تامدتی در جهان شرایط مساعدی مورد نظر روستو(طی مراحل رشد اقتصادی) را برای نفس کشیدن کشورهای جهان سوم فراهم کرده بود	چون دانه ای میانه دو سنگ آسیاب
مولوی	اشاره به نپیمودن مراحل ایستگاه به ایستگاهی وپله به پله وسطح به سطح مکتب نوسازی روستویی تاحد بلوغ توسط کشورهای جهان سوم و رسیدن به مرحله مصرف انبوه(باحذف مرحله بلوغ) بعنوان هدف غایی بدون تولید انبوه وبدون دانش انبوه وبدوه فرهنگ تولیدی وکار	چون رسی بر بام های آسمان / ننگت آید جستجوی نردبان
امین خضرای	اشاره به عدم امید وعدم ایجاد شتاب توسط نظام استعماری در امر توسعه وفراروی هم سویه پایدار در کشورهای توسعه نیافته	نکند جور پیشه سلطانی / که نیاید ز گرگ چوپانی / گرگ گرسنه چو یافت گوشت نپرسد / کاین شتر صالح است یا خر دجال / ما را به چوب و رخت شبنانی فریفتند/ این گرگ سالهاست که با گله آشنا است / گرگ در گله و سگ بسته و چوپان در خواب / گرگ را گفتند می خواهند چوپانت کنند ، بر سر زنان گفت، ترسم دروغ باشد / گرگ گله را به مهمانی نبرد / نکند گرگ پوستین دوزی / توبه گرگ مرگ است / به خانه گرگ می روی سگت را با خودت ببر
سعدی	اشاره به حذف مسولیت وتطهیر قدرت استعماری در معاملات توسعه ایی وپیش رفتگی معدودی وپس آفتادگی بیش از ۱۶۰کشور جهان	ترحم بر پلنگ تیز دندان/ جفا کاری بود بر گوسفندان

	<p>نشانی غلط دادن به مردم عدالت جوی شرق و بخش مردمی تأثیر گزار غرب و دفاع ازستمگران و تعظم و تکریم حساب شده برپلنگ تیزدندان و جفاکاری بر گوسفندان نیست.</p>	
<p>جلال آل احمد</p>	<p>اشاره نویسنده در اقتباس از مقاله جماعت بی سر جلال آل احمد در ارتباط با عقب ماندگی ایران و برخی تحصیل کردگان و روشنفکران خود فروخته میباشد که بقول مولف باید آنان آثار و تجربه تاریخی رو بادقت مطالعه و داوری کنند و زمام خود را به شاگردان عالیجناب پرنس خود خوانده میرزا ملگم خان ناظم الدوله ندهند.</p>	<p>ای سر! سر جماعت بی سر! آتشفشان قطبی خاموش برف پوش / بی تو چگونه نگریم؟! بی تو چراغ چاره چگونه!؟</p>
<p>نویسنده</p>	<p>اشاره به علت اصلی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (شکست اقتصادی نیروهای استعمار داری اثر سازی حربه تحریم نفت بود که می توانست الگوی کارآمد و موثر برای همه کشورهای توسعه نیافته نفت خیز خاور میانه و جهان شود) و نقش آمریکا و انگلیس در این کودتا و همچنین آن دسته از رهبران سیاسی که نمایش مشاجرات لفظی و سطحی و رقابت های نفتی انگلیس و آمریکا را باور کردن و بر سر حقوق شکننده و تثبیت نشده به جدل پرداخته و از دشمنان راستین غافل شدند. که متأسفانه این غفلت یکی از درناک ترین لحظات تاریخی ایران که عقب گردی ربع قرن و نابودی همه نیروهای که قلب شان برای استقلال اقتصادی و وطن می تپید را به همراه داشت.</p>	<p>او از تبار ابابیل است / اما در کشور گل و بلبل، در کشوری که هم گل و بلبل، ارضیه ایست که رسیده است، از گرگ ها به کفتار! دیر یست بر خیل هیچ ابرهه نباریده است... بسیار نو شکفته شقایق را، اما، گلبرگ سرخ ریخته بر خاک</p>
<p>دهخدا</p>	<p>اشاره به توجه و آگاهی در دهه اخیر مجلس و دولت نسبت به مسئله فرآوری نفت و گاز و در عمل پیگیری آن و همچنین جریانات سیاسی جهانی که ظاهراً به زبان ایران بوده اما در نپهان و ناخواسته کار کردهای پنهان مثبتی برای ما داشته و مبدل به توفیقی اجباری شده است.</p>	<p>عدو شود سب خیر اگر خدا خواهد / خمیر مایه دکان شیشه گرسنگ است</p>
<p>عطار نیشابوری</p>	<p>اشاره به توجه و آگاهی در دهه اخیر مجلس و دولت نسبت به مسئله فرآوری نفت و گاز و در عمل پیگیری آن ولی نتوانستند در طی چهار دهه خود را از خام فروشی و تبعات بیماری هلندی نجات دهند.</p>	<p>هفت شهر عشق را عطار گشت / ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم</p>
<p>امین خزائی</p>	<p>اشاره بر این است که مفلسان نظام سوداگری بسیار مایلند که مصرف کنندگان را با بمباران آوازه گری های اقتصادی و بازاریابی چریکی به ربات های ابله و حرف شنو و سربه زیر مبدل کنند. آنان به خوبی می دانند وجودشان به وجود بلاهت بستگی دارد.</p>	<p>عاقل آسوده بود تا به جهان خر باشد / زبان بسته دراز گوش و دور از جان دراز گوش</p>
<p>سلمان هراتی</p>	<p>اشاره بر این است که مفلسان نظام سوداگری بسیار مایلند که مصرف کنندگان را با بمباران آوازه گری های اقتصادی و بازاریابی چریکی به ربات های ابله و حرف شنو و سربه زیر مبدل کنند. آنان به خوبی می دانند وجودشان به وجود بلاهت بستگی دارد. تقلیل آدمی به ابزار جاندار زباله سازی زباله خواری در بازار بغداد سوداگری به جز قشر خربزه رانیند.</p>	<p>من هم می میرم ام نه مثل غلامعلی / که از درخت به زیر افتاد / بس گاوان از گرسنگی ماغ کشیدند / و با غیظ ساقه های خشک را جویدند / چه کسی برای گاوان علوفه میریزد؟ / من هم می میرم / اما نه مثل گل بانو / که سر زایمان مرد / پس صفرا مادر برادر کوچکش شد / و مدرسه نفت / چه کسی جاجیم می بافد؟ / من هم می میرم / اما نه مثل حیدر / که از کوه پرت شد / پس گرگ ها جشن گرفتند / و خدیجه بقچه های گلدوزی شده را / در ته صندوق ها پنهان کرد / چه کسی اسب های وحشی را رام می کند؟ / من هم می میرم / اما نه مثل فاطمه / از سرما خوردگی / پس مادرش کتری پر سیاوشان را / در رودخانه شست / چه کسی گندم ها را به خرمن جا می آورد؟ / من هم می میرم / اما نه مثل غلامحسین / از مارگزیدگی / پس پدرش به دره ها و رودخانه های بب پل / نگاه کرد و گریست / چه کسی آغل</p>

		گوسفندان را پاک می کند؟ / من هم می میرم اما در خیابان های شلوغ / در برابر بی تفاوتی چشم های تماشا / زیر چرخ های بی رحم ماشین / پس، دو روز بعد/ در ستون تسلیمت روزنامه / زیر عکس شش در چهار خواهند نوشت : ای آنکه رفته ای چه کسی سطل های زباله را پر می کند؟ /
مولوی	اشاره براین است که مفلسان نظام سوداگری بسیار مایلند که مصرف کنندگان را با بمباران آوازه گری های اقتصادی و بازاریابی چریکی به ریات های ابله و حرف شنو و سر به زیر مبدل کنند. آنان به خوبی می دانند وجودشان به وجود بلاهت بستگی دارد. تقلیل آدمی به ابزار جاندار زباله سازی زباله خواری در بازار بغداد سوداگری به جز قشر خربزه رانینند.	از همه عیش و خوشی ها و مزه / او نبیند جز که قشر خربزه
حافظ	اشاره براینست که ساخت های اقتصادی و اداری ما در آخرین پاگرد و حداقل از ۱۵۰ سال قبل با هدف های مستتر در مکتب نوسازی در توسعه و پیشرفت خردمندانه برای نظام استعماری و بیخردانه برای نظامات ملی ما و کل جهان توسعه نیافته (جهان سوم) طراحی شده است که دستورالعمل حیاتی و برنامه های شفابخش دل سوختگان وطن رابه حال روزی می اندازد که در پایان راه با برنامه های پیشین جز در اسم و ظاهر وعدد و آمار و امداد باطن هیچ فرقی نکرده باشد.	چو غرض آمد هنر پوشیده شد / صد حجاب از دل به سوی دیده شد
نویسنده	اشاره به استفاده از تجارب گذشته (انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن نفت و جنگ تحمیلی) برای شکستن تولیدگریزی و مصرف گرایی مرضی	این همه باغچه را چرا میوه نداد / از چه باغ شهدا عریان است
اصطلاح ایرانی	چیزی را تجربه نکردن ولی در جریان امر بودن. اشاره به ارائه آدرس های غلط توسط اقتصاددانان تاچرشناس و فاجرناشناس ایران به دولتمردان، و هرگز شنیده نشدن سخنان اقتصادشناسان ایرانی	اگر نخورده ایم نان گندم، ولی دیده ایم دست مردم
مولوی	حقیقت در درون ما است و شرط دیدن آن . اشاره به فراهم آوردن شرایط برای سودآوری تولید توسط قوای سه گانه در این وضعیت و نه توجه به امر خصوصی سازی و جلب سرمایه های خارجی در شرایطی که فرهنگ کار و تولید مهیا نمی باشد	آب کم جو تشنگی آور به دست / تا بجوشد آب از بالابو پست
امین خضرائی	اعتماد بیهوده به دشمن دیرینه، اشاره به بازرگانان همسود داخلی وابسته به نظام سوداگری - استعماری و مملکت ما روی توسعه به خود نخواهد دید مگر آنکه از نظر قانونی کاری کنیم که تجارت خارجی (واردات و صادرات) از اختیار نظام سوداگری استعماری خارجی وهمسودان داخلی آن بیرون شده باشد	گرگ گرسنه چون یافت گوشت نپرسد / کاین شتر صالح است یا خر دجال
مولوی	اگر سرمایه در خدمت تولید و کار باشد نکو خواهد بود. اشاره براین است که اگر منافع تجارت و سرمایه تجاری در بخش و پیشرو صنعت و تکنولوژی به دنبال منافع خود قرار گیرد با ملت و دولت هم گرایی پیدا خواهد کرد و ریشه در این سرزمین خواهد دواند و در شرایط متفاوتی کردی متفاوت و ناهمسو با منافع ملی خواهد داشت که آن سم است	آب در کشتی هلاک کشتی است / آب در بیرون کشتی پستی است
دراویش پرده زن و پرده خوان	قدرت تشخیص و شناسائی دشمن در هر لباسی - دشمن شناسی	دیده خواهیم تا که باشد شه شناس / شاه را بشناسد اندر هر لباس
سعدی	توان داشتن و استعماری نکردن یعنی برخاستن کشوری از جای خود بدون زمین زدن کشور و ویاکشورهای دیگر یعنی توسعه فتوتی	کجا خود شکر این نعمت گزارم / که دیگر زور مردم آزاری ندارم

مولوی	ساده کردن مسئله و تقلیل گرائی در حد کشتن. اشاره به جدا کردن دوقلوی سیاست از اقتصاد باناشیانه ترین روش ها و تقلیل قدرت سیاسی آن هم در عصر حاضر و تقلیل آن به سیاست داخلی کشورهای توسعه نیافته بعنوان یک قدرت و سیاست مستقل و از یاد بردن متنی که این سیاست جزئی از همه سطوح و در همه عناصر متاثر از آن کل و سیاست کلی بوده است	شیر بی یال و دم اشکم که دید/ این چنین شیری خدا خود نافریدت
مولوی	ریشه یابی کردن چیزی جهت توسعه. اشاره به خلق الساعه نبودن پس افتادگی توسعه و توجه به ابعاد تاریخی و ریشه در گذشته کشورها و در ارتباط با خود و سایرین دارد.	نرمک نرمک گفت شهر تو کجاست که علاج درد هر شهری جداست
مولوی	حیرت مانع بحث و فکر است - مبادله نامتقارن سرد. اشاره بر این است که صدسالگی است که هر روز به علم و معرفت کمتر احساس نیاز می کنیم، چرا، برای آنکه هر روز به تولید احساس نیاز کمتری داریم و هنگامی که ملتی به تولید کاری نداشت و به مصرف بسنده کرد دیگر چه نیازی به علم و نردبان های معرفت دارد؟	چون رسی بر بام های آسمان / ننگت آید جستجوی نردبان
شیخ بهائی	اشاره به این است که از نظر چینیان رسیدن به یک هدف از سه راه (بودایی، تائویی و کنفوسیوسی) است که عبارت از یک زندگی پرهیزگارانه بود که در نظر آنان بینشی بسیار معقول بود.	هر کس به زبانی صفت حمد تو گوید/ بلبل به غزل خوانی قمری به ترانه
ناصر خسرو	در باب ارزش وفاداری بیگانه. اشاره به این است که اگر نسخه های مکتب نوسازی و از آن جمله ماکس وبر (که پس افتادگی کشور های توسعه نیافته را به گردن تاریخ و فرهنگ خود آن ها می اندازد) خوب و شفاف بخش بود بی شک ما و کشورهای نظیر ما این لطف و راهنمایی را هرگز فراموش نمی کردیم مسئله این است که در راه نادرست هر قدم، گامی در دور شدن از مقصود است	گرگی که مرا شفا دهد میش من است / بیگانه اگر وفا کند خویش من است
خیام	در باب ارزش وفاداری بیگانه. اشاره به این است که اگر نسخه های مکتب نوسازی و از آن جمله ماکس وبر (که پس افتادگی کشور های توسعه نیافته را به گردن تاریخ و فرهنگ خود آن ها می اندازد) خوب و شفاف بخش بود بی شک ما و کشورهای نظیر ما این لطف و راهنمایی را هرگز فراموش نمی کردیم مسئله این است که در راه نادرست هر قدم، گامی در دور شدن از مقصود است	گر زهر موافقت کند ، تریاق است / گر نوش مخالفت کند نیش من است

منبع: فرهادی، ۱۳۹۷

ب - ضرب المثل ها: در بخش ضرب المثل ها، اول عنوان ۳۱ ضرب المثل ذکر و در کنار آن اصلات آن (از نگاه نویسنده) و پدید آورنده آن ذکر شده است.

جدول شماره ۱۱: ضرب المثل های بعد سیاسی توسعه به تفکیک اصلات و پدید آورنده

ضرب المثل	اصلات (از نگاه نویسنده)	پدید آورنده
خدا نداده تورا عقل من چکار کنم	توهم توطئه (بی تاثیر اعلام کردن نقش مخرب نظام سوداگری - استعمار توسط طرفداران مکتب نوسازی)	نویسنده
با پنبه سر بریدن	اشاره به رفتارهای استعماری کمر شکن پوشیده	اصطلاح ایرانی
هر که شمشیر میکشد سرانجام با شمشیر کشته می شود	اشاره به محکومیت سروری دنیای غرب	نویسنده
تاریخ را فاتحان می نویسند	اشاره به اینکه قلم در کف دشمن است	اصطلاح غربیان
قلم در کف دشمن است	اشاره به اینکه سخنان بر پایه نوشته ها و نظریات و طبقه بندی های فاتحان است	اصطلاح ایرانی
عذر رو را سفید نمیکند	اشاره به قدرت استعماری - سوداگری نظام غربی که همه چیز و از آن جمله دانش را برای اهداف خود قبضه می کند و می داند که چگونه و چه اندازه و در چه هنگامی باید از آن و برای چه کسانی و به چه منظوری و به شیوه قطره چکانی استفاده کند	اصطلاح کرمانی

اصطلاح الیگودرزی	اشاره به نظریات مکتب نوسازی که اعلام داشته سنت بزرگترین مانع توسعه برای کشورهای جهان سوم می باشد که نظر نویسنده برخلاف آن بوده و بیان می دارد برای توسعه راه سلطنتی و کاخی وجود ندارد و به فراروی فروتنانه فرادادی و فتوتی بوم زاد نیازمند است	کاکل از بالا بلندی عاقبت چیزی نشد / جاده از افتادگی از کوه بالا می رود
نویسنده	اشاره به استدلال کاسب کارانه یک سیاست مدار غربی در توجیه کمک به کشورهای فقیر	دهان های باز و گرسنه امروز، مشتریان فردای ما خواهند بود
اصطلاح ایرانی	اشاره به انواع ترفندهای اختفایی و استتاری اندیشیده شده از طرف نظام استعماری - سوداگری جهت چپاول و غارت کشورهای و ملت های جهان سوم	جو در کاه
اصطلاح ایرانی	اشاره به نپیمودن مراحل ایستگاه به ایستگاهی و پله به پله و سطح به سطح مکتب نوسازی روستویی تا حد بلوغ توسط کشورهای جهان سوم و رسیدن به مرحله مصرف انبوه (باحذف مرحله بلوغ) بعنوان هدف غایی بدون تولید انبوه و بدون دانش انبوه و بدو فرهنگ تولیدی و کار	نه چک زدیم نه چانه / عروس آمد به خانه
اصطلاح ایرانی	اشاره به کودتای (۲۸ مرداد) دو قدرت (آمریکا و انگلیس) نه چندان همراه در یک مسئله که نگذاشتن با پیروزی ایران بر تحریم نفت و رسیدن به خودکفایی و توسعه پایدار الگوی شیعی امت طلایع دار و آغازگر توسعه پایدار در موج سوم توسعه در جهان گردد	ما همسایه ایم و خانه هم را ندیده ایم
نیچه	اشاره بر این است که ذات نظام تمدنی و فرهنگی در بخش مسلط غرب از یونان و روم باستان تا به امروز بر محور اصلی رقابت بوده که ستیزه و جنگ را به دنبال داشته و خواهد داشت.	مرد و زن را چنین می خواهیم. یکی را ساخته بهر جنگ دیگری را ساخته بهر زایمان
نویسنده	اشاره بر این است که معتقد بر تکامل علم تکنولوژی است اما هرگز این تکامل و پیشرفت را به عنوان تکامل همه جانبه و همه سویه نمی پذیرد.	مورگان چگونه ندانسته است /؟ که اختراع مسلسل / یعنی: تنازل انسان / این حرف را آیا :حایل میان دو سویه سفید و سرخ / نشنیده از قبیله سنکای /؟ داروین خوش خیال و مورگان مهربان به کجایند / با سنجه ی دگر دسی وزغ و قورباغگان / کی میتوان تکامل انسان را گز کرد /؟ با پیشرفت فقط علم و فناوری / تصدیق کرد، تکامل همه جانبه انسان را
اصطلاح ایرانی	اشاره بر این است که تازمانی که بیداد استعمار زنده است ندیدن قطار پربار شترانش در طی چهار صد سال به قول ضرب المثل ایرانی "شتر را با بار رها کردن و گرفتن پای پشه کوره است و همچنین ندیدن دکل های نفت و خواب خوش زیر آن سایه های آن به جای سایه بید.	شترش با بار می رود، پای پشه کوره را چسبیده است
اصطلاح ایرانی	اشاره به علت اصلی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (شکست اقتصادی نیروهای استعمار داری اثر سازی حربه تحریم نفت بود که می توانست الگوی کارآمد و موثر برای همه کشورهای توسعه نیافته نفت خیز خاورمیانه و جهان شود) و نقش آمریکا و انگلیس در این کودتا و همچنین آن دسته از رهبران سیاسی که نمایش مشاجرات لفظی و سطحی و رقابت های نفتی انگلیس و آمریکا را باور کردن و بر سر حقوق شکننده و تثبیت نشده به جدل پرداخته و از دشمنان راستین غافل شدند. که متأسفانه این غفلت یکی از درناک ترین لحظات تاریخی ایران که عقب گردی ربع قرنی و نابودی همه نیروهای که قلب شان برای استقلال اقتصادی و وطن می تپید را به همراه داشت.	ارث گرگ به کفتار می رسد یا میراث گرگ مرده به کفتار می رسد.
اصطلاح لرستانی	اشاره به علت اصلی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (شکست اقتصادی نیروهای استعمار داری اثر سازی حربه تحریم نفت بود که می توانست الگوی کارآمد و موثر برای همه کشورهای توسعه نیافته نفت خیز خاورمیانه و جهان شود) و نقش آمریکا و انگلیس در این کودتا و همچنین آن دسته از رهبران سیاسی که نمایش مشاجرات لفظی و سطحی و رقابت های نفتی انگلیس	گاو نخریده آخور بستند

	<p>و آمریکا را باور کردن و بر سر حقوق شکننده و تثبیت نشده به جدل پرداخته و از دشمنان راستین غافل شدند. که متأسفانه این غفلت یکی از درناک ترین لحظات تاریخی ایران که عقب گردی ربع قرن و نابودی همه نیروهای که قلب شان برای استقلال اقتصادی و وطن می تپید را به همراه داشت.</p>	
سلمان هراتی	<p>اشاره بر این است که مفلسان نظام سوداگری بسیار مایلند که مصرف کنندگان را با بمباران آوازه گری های اقتصادی و بازاریابی چریکی به ربات های ابله و حرف شنو و سربه زیر مبدل کنند. آنان به خوبی می دانند وجودشان به وجود بیهوشی دارد. تقلیل آدمی به ابزار جاندار زباله ساز یا زباله خواری در بازار بغداد سوداگری به جز قشر خریزه رانی بند.</p>	<p>ابله نره به بازار ، بازار همیشه دل آزار</p>
اصطلاح ایرانی	<p>خراب بودن اصل و بنیان چیزی و منفی بودن نتایج آن . اشاره به نگاه به تجربه دوران ملی شدن صنعت نفت در ارتباط با اقتصاد بدون نفت و بستن کمر بندها و بالا کشیدن پاشنه گیوه ها در جهت تکیه بر خویش و حرکت راستین به سمت خود کفایی</p>	<p>آب از سرچشمه گل است</p>
پروین اعتصامی	<p>اشاره به اقدام دیر هنگام مسولین دربی توجهی به اهمیت اقتصاد بدون نفت و اگر این بموقع انجام نگیرد دیر یازود تاریخ به این داوری خواهد نشست</p>	<p>تمام نیک و بد ما نوشته خواهد شد / زمانه را قلم و دفتر و دیوانی ست</p>
اصطلاح کرمانی	<p>حسن زیاد و فراوان . اشاره به همراهی گروه های همسود داخلی با غرب که با وجود داشتن شرایط ژئوپلیتیکی و همچنین ذخایر نفتی و هوشی و پتانسیل فرهنگی و غیره نتوانستیم خود را از مدار توسعه نیافتگی نجات دهیم</p>	<p>خدا خوب کرده</p>
اصطلاح مرکزی	<p>ایجاد فرصت در حوادث - خوش شانس . اشاره بر اینست که ساخت های اقتصادی و اداری ما در آخرین پاگرد و حداقل از ۱۵۰ سال قبل با هدف های مستتر در مکتب نوسازی در توسعه و پیشرفت خردمندان برای نظام استعماری و بی خردانه برای نظامات ملی ما و کل جهان توسعه نیافته (جهان سوم) طراحی شده است</p>	<p>از خر افتاده و گرده جسته</p>
اصطلاح کرمانی	<p>ایجاد فرصت در حوادث - خوش شانس . اشاره بر اینست که ساخت های اقتصادی و اداری ما در آخرین پاگرد و حداقل از ۱۵۰ سال قبل با هدف های مستتر در مکتب نوسازی در توسعه و پیشرفت خردمندان برای نظام استعماری و بی خردانه برای نظامات ملی ما و کل جهان توسعه نیافته (جهان سوم) طراحی شده است که دستورالعمل حیاتی و برنامه های شفاف بخش دل سوختگان وطن را به حال و روزی می اندازد که در پایان راه با برنامه های پیشین جز در اسم و ظاهر و عدد و آمار و مادر باطن هیچ فرقی نکرده باشد.</p>	<p>باد آمد و خدا داد به خوچه چین</p>
اصطلاح کرمانی	<p>ایجاد فرصت در حوادث - خوش شانس . اشاره بر اینست که ساخت های اقتصادی و اداری ما در آخرین پاگرد و حداقل از ۱۵۰ سال قبل با هدف های مستتر در مکتب نوسازی در توسعه و پیشرفت خردمندان برای نظام استعماری و بی خردانه برای نظامات ملی ما و کل جهان توسعه نیافته (جهان سوم) طراحی شده است</p>	<p>تغاری بشکنند ماستی بریزد / جهان گردد به کاک کاسه لیسان</p>
اصطلاح لرستانی	<p>اشاره بر اینست که ساخت های اقتصادی و اداری ما در آخرین پاگرد و حداقل از ۱۵۰ سال قبل با هدف های مستتر در مکتب نوسازی در توسعه و پیشرفت خردمندان برای نظام استعماری و بی خردانه برای نظامات ملی ما و کل جهان توسعه نیافته (جهان سوم) طراحی شده است که دستورالعمل حیاتی و برنامه های شفاف بخش دل سوختگان وطن را به حال و روزی می اندازد که در پایان راه با برنامه های پیشین جز در اسم و ظاهر و عدد و آمار و مادر باطن هیچ فرقی نکرده باشد.</p>	<p>نه خانی آمده و نه خانی رفته</p>
دهخدا	<p>هیچکس غصه کار دیگری را نمی خورد. اشاره مولف به نظام سوداگری وابسته جهان سومی به ویژه اگر حکومت های وابسته و یا ناآگاه همراه شود تنها چیزیکه در آن دیده نشده و خورده نمی شود منافع ملی است.</p>	<p>موریانه همه چیز را خورد جز غم صاحبخانه</p>
اصطلاح ایرانی	<p>خطا در فهم و بصیرت . اشاره بر عدم کنترل سیاست های اقتصادی داخلی از داخل توسط دولت و قرار دادن افسار تجارت و نوع اقتصاد و سیاست اقتصادی در دست دیگران است که تا این اصلاح نشود هیچ الگوی دیگری به جز الگوی تجارت آزاد مورد دلخواه نظام سوداگری - استعماری پیروز نخواهد شد</p>	<p>کوسه و ریش پهن چگونه بود</p>

اصطلاح ایرانی	اعتماد بیهوده به دشمن دیرینه. اشاره به بازرگانان همسود داخلی وابسته به نظام سوداگری -استعماری ومملکت ما روی توسعه به خود نخواهد دید مگر آنکه از نظر قانونی کاری کنیم که تجارت خارجی (واردات وصادرات)ازاختیار نظام سوداگری استعماری خارجی وهمسودان داخلی آن بیرون شده باشد	هرگز گرگ گله را به مهمانی نمی برد
اصطلاح ایرانی	اعتماد بیهوده به دشمن دیرینه.اشاره به بازرگانان همسود داخلی وابسته به نظام سوداگری - استعماری ومملکت ما روی توسعه به خود نخواهد دید مگر آنکه از نظر قانونی کاری کنیم که تجارت خارجی (واردات وصادرات)ازاختیار نظام سوداگری استعماری خارجی وهمسودان داخلی آن بیرون شده باشد	گرگ را دوختن آموز که دریدن خوی اوست
اصطلاح ایرانی	اعتماد بیهوده به دشمن دیرینه. اشاره به بازرگانان همسود داخلی وابسته به نظام سوداگری -استعماری ومملکت ما روی توسعه به خود نخواهد دید مگر آنکه از نظر قانونی کاری کنیم که تجارت خارجی (واردات وصادرات)ازاختیار نظام سوداگری استعماری خارجی وهمسودان داخلی آن بیرون شده باشد	نکند گرگ پوستین دوزی
اصطلاح ایرانی	اشاره نویسنده به این است که کشورما در حال جنگ اقتصادی بانظام سوداگری-استعماری است اگر مسولان و ملت ما این را به خوبی دانستن و حرف دلسوزان و دغدغه داران جامعه و دوستانی را که گفتند گفتمت را شنید، شنید و گرنه درآینده دشمن خواهد گفت "خواهت گفت"	دوست می گویدگفتمت، دشمن می گوید خواهت گفت!
اصطلاح ایرانی	پاسخ به پیشنهاد مطلوب و مورد نیاز یا هنگام پیش آمدن شرایط و موقعیت مناسب و دلخواه . اشاره به این است که اگر نسخه های مکتب نوسازی وازآن جمله ماکس وبر (که پس افتادگی کشور های توسعه نیافته را به گردن تاریخ وفرهنگ خود آن ها می اندازد)خوب وشفابخش بود بی شک ما وکشورهای نظیر ما این لطف وراهنمایی را هرگز فراموش نمی کردیم مسئله این است که درراه نادرست هرقدم، گامی دردورشدن ازمقصود است	کور از خدا چی میخواد دو تا چشم

منبع: فرهادی، ۱۳۹۷

رتبه بندی بندی محورهای موضوعی و ابعاد چهارگانه توسعه بر حسب درصد اشعار و ضرب المثل ها در این بخش محورهای موضوعی ابعاد چهارگانه توسعه بر حسب فراوانی و درصد اشعار و ضرب المثل ها شناسایی و تحلیل شده اولویت بندی شده است. همانگونه که داده های جدول نشان می دهد اولویت ابعاد به ترتیب عبارت از فرهنگی با ۳۶ درصد، اقتصادی با ۲۸ درصد، سیاسی با ۱۹ درصد و اجتماعی با ۱۷ درصد است. این یافته تایید کننده سهم برجسته بعد فرهنگی توسعه در ادبیات سنتی ایران در اشعار و ضرب المثل های فارسی می باشد. در کنار این اصالت های تبیین شده برای اشعار و ضرب المثل های فرهنگی نیز حکایت از سهم برجسته ابعاد فرهنگی در ادبیات سنتی ایران دارد. از نظر محورهای موضوعی، اهمیت و پیشینه مشکلات توسعه پایدار در ایران با ۲۰ درصد رتبه اول را در اشعار و ضرب المثل ها دارد و ژاپنی پسر عموی شرق شرقی ما چه کرده است و ما چه می کنیم؟ با ۱۷ درصد رتبه دوم و پی آمدها و پسامدهای غیراقتصادی (اقتصاد بادآورده)، جامعه فرا مصرف گرا و تولید ستیز ایران هرکدام با ۱۵ درصد اشعار و ضرب المثل های کتاب، رتبه های بعدی را دارند.

جدول شماره ۱۲: رتبه بندی محورهای موضوعی و ابعاد چهارگانه توسعه بر حسب درصد اشعار و ضرب المثل ها

رتبه	بعد	رتبه	محور موضوعی
۱	فرهنگی	۱	مقدمه - کلیات (اهمیت و پیشینه مشکلات منظومه ای توسعه پایدار در ایران)
۲	اقتصادی	۲	ژاپنی پسر عموی شرق شرقی ما چه کرده است و ما چه می کنیم؟
۳	سیاسی	۳	پی آمدها و پسامدهای غیر اقتصادی (اقتصاد باد آورده)
۳	اجتماعی	۳	جامعه "فرا مصرف گرا و تولید ستیز ایران (آزار ناسور و عود علائم نو نما و نوفزود" اقتصاد باد آورده و از آن جمله آزار هلندی و نفرین نفت
-	-	۴	صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن
-	-	۵	توسعه پایدار دانشگران و دانشگاه های ما

-	-	۶	چین چه میکند ما چه میکنیم
-	-	۷	مکتب نوسازی، روستو و خیز گلایدری
-	-	۸	آزار ایرانی الاصل و هلندی الاسم و پیامد ها و پسامد های آن در ایران
-	-	۸	هندیان "دیرینه تر خویشان ما" چه کرده اند، ما چه میکنیم

منبع : محاسبات پژوهشگر

همانگونه که داده های جدول نشان می دهد سهم دو بعد فرهنگی و اجتماعی در مجموع ۵۳ درصد می باشد که بیانگر اهمیت بسیار بالای ابعاد فرهنگی و اجتماعی توسعه در ادبیات و سنت ایران زمین می باشد و از نظر محور موضوعی، موضوعاتی چون توسعه پایدار ایران، ژاپن پسر عموی شرق شرقی ما چه کرده است و ما چه می کنیم؟، پی آمدها و پسامدهای غیراقتصادی (اقتصاد باد آورده)، جامعه فرامصرف گرا و تولید ستیز ایران رتبه های اول تا سوم را دارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف این مقاله تبیین مولفه های توسعه پایدار ملی با رویکرد ادبیات سنتی ایران با تمرکز بر اشعار و ضرب المثل های گردآوری، تحلیل و طبقه بندی شده از سوی فرهادی با تمرکز بر کتاب سنت بر فراز صنعت یا در برابر آن بوده است. برای نیل به مقصود مذکور و تحلیل ابعاد متفاوت و مختلف موضوع از روش اسنادی و تحلیل محتوای کتاب مذکور و رویکردها و دیدگاه های فرهادی در سایر کتابها، منابع، مجلات و رسانه ها استفاده شده است. به عبارتی برای دستیابی به یک دیدگاه جامع و کامل همه اشعار و ضرب المثل های موجود در کتاب بررسی، مطالعه، تحلیل و طبقه بندی شده است. یافته های پژوهش نشان داد اشعار و ضرب المثل های موجود در کتاب در چهار بخش و ده محور موضوعی قابل احصاء و طبقه بندی است. به عبارتی یافته های مطالعه در چهار بعد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در هر بعد دو بخش اشعار و ضرب المثل و در هر بخش سه موضوع عنوان، اصالت و پدیدآورنده و در ده محور موضوعی و در هر محور موضوعی مضمون ها و شاخص های توسعه ای شناسایی، تحلیل، طبقه بندی و ارائه شده است. فراوانی درصدهای استخراج شده حکایت از این دارد که ۲۰ درصد اشعار و ضرب المثل ها مربوط به موضوع توسعه پایدار ایران، ۱۷ درصد مربوط به ژاپنی پسر عموی شرق شرقی ما چه کرده است و ما چه می کنیم؟، ۱۵ درصد مربوط به پیامدها و پسامدهای اقتصادی، ۱۵ درصد مربوط به مصرف گرایی و تولید ستیزی، ۸ درصد مربوط به راه ها، چاه ها و چاره ها، ۸ درصد مربوط به صنعت بر فراز سنت، ۷ درصد مربوط به توسعه پایدار دانشگران و دانشگاه های ما، ۴ درصد مربوط به چین چه می کند و ما چه می کنیم، ۳ درصد مربوط به مکتب نوسازی، روستو و خیز گلایدری و موضوعات آزار ایرانی الاصل و هلندی الاسم و پیامد ها و پسامد های آن در ایران و هندیان "دیرینه تر خویشان ما" چه کرده اند، ما چه میکنیم؟ هر کدام ۲ درصد بوده است. همچنین ۳۶ درصد از محتوای اشعار و ضرب المثل ها مربوط به بعد فرهنگی، ۲۸ درصد از محتوای اشعار و ضرب المثل ها مربوط به بعد اقتصادی، ۱۹ درصد از محتوای اشعار و ضرب المثل ها مربوط به بعد سیاسی و ۱۷ درصد از محتوای اشعار و ضرب المثل ها مربوط به بعد اجتماعی توسعه است.

فرهادی در بخشی از تحلیل های خود در خصوص مسیر توسعه به این موضوع اشاره می کند که واقعیت به محض کشف شدن پذیرفته نخواهد شد و با اشاره به شکل گیری علم هیأت چنین استدلالی را منطقی و واقع بینانه تبیین و تشریح می کند امروزه چنین نگاهی به فرهنگ سنتی به عنوان مانعی سترگ بر سر راه توسعه است. وی عقیده دارد اروپا و جهان غرب در بستر سنت خود رشد و به توسعه دست یافته و انتقال الگوی توسعه مدنظر جوامع غرب و اندیشه های جامعه شناسان و متفکران غربی بدون توجه به بافت، فرهنگ و سنت ملتها و کشورها نه تنها مسیر توسعه را هموار نخواهد کرد بلکه توسعه نیافتگی و دچار شدن به پدیده هایی چون اقتصاد بادآورده را بدنبال خواهد داشت. بنابراین، در کتاب صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن و اندیشه ها و آثار فرهادی توسعه مبتنی بر سنت رخ خواهد داد. فرهادی بارها در نوشته های خود تاکید کرده است مقصود وی از مفهوم "برفراز سنت" ماندن و فسیل شدن در فرهنگ بومی، گذشته و توقفگاه های تاریخی نیست؛ بلکه عقیده دارد توسعه و استفاده از فناوری باید در بستری رخ دهد که از ریشه های سنتی نشأت گرفته باشد و بعد ویژگی درونزا داشته باشد. وی در این رابطه می نویسد "روستاییان کرمانی می گویند درخت روی ریشه اش سبز می کند، اما تکنوکرات های وابسته با چشم پوشی بر تجربیات چند هزار ساله تیشه بر ریشه زدند. نجات کشاورزی ما در پیوند سنت و صنعت بود نه در سنت کشی کورکورانه".

یافته های مقاله که از تحلیل اشعار و ضرب المثل های موجود در کتاب مذکور شناسایی، طبقه بندی و تحلیل شده است نشان می دهد در ادبیات سنتی ایران مشتمل بر اشعار و ضرب المثل های سنتی، ابعاد توسعه مطرح بوده و می توان با تکیه بر چنین سنتی مسیر توسعه پایدار ایران را هموار نمود. بررسی اصالت اشعار و ضرب المثل ها در ابعاد چهارگانه توسعه حکایت از توجه و اهتمام ادبیات سنتی

ایران به موضوع توسعه است. بررسی وجوه اشتراک و افتراق یافته‌های این پژوهش با پیشینه پژوهش نشان می‌دهد در آثار و مطالعات پژوهشگران دو رویکرد متمرکز بر صنعت به عنوان مسیر توسعه در مقابل تمرکز بر سنت به عنوان مسیر توسعه مطرح بوده است برای نمونه در مطالعه پیروز و عبدالمهی (۱۳۹۳) رویکرد توسعه مبتنی بر صنعت، در مطالعه (ارمکی و همکاران، ۱۳۹۲) رویکرد توسعه مبتنی بر سنت، در مطالعه (جویباری و چراتی، ۱۳۹۵) رویکرد توسعه مبتنی بر سنت، در مطالعه (پرشکوهی و عیسی پور، ۱۳۹۵) رویکرد توسعه مبتنی بر سنت بهر گرفته شده است. مرور آثار فرهادی بیانگر این است که در اغلب آثار و شاید همه آثار و در صفحه به صفحه کتاب صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن رویکرد توسعه مبتنی بر سنت آرمان و اندیشه غالب ایشان بوده است.

چنانکه در بیان مساله اشاره شد فرهادی در سربرگ مقاله‌ای با عنوان "صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن" (آسیب شناسی روند توسعه پایدار در ایران) عبارت «برخورد شجاعانه کسانی که در مباحث توسعه، سهم سنت را هم لحاظ می‌کنند، سبب حیرت دیگران می‌شود. آیا این یک مصیبت است؟» را بکار برده است. چنین نگاهی از سوی ایشان بیانگر این است که در ادبیات سنتی ایران توسعه مغفول نیست و توسعه سنتی با تمرکز بر مولفه‌هایی چون «فرهنگ تولیدی، فرهنگ کار و دانش‌های سنتی اعم از رسمی مکتوب و دانش مردمی شفاهی و نامکتوب، اعم از دانش صریح و ضمنی، فناوری‌های سنتی، تکنیک‌های بدن، گروه‌ها و سازمان‌های یاریگر، مدیریت‌های سنتی و مشارکتی صنفی، باورهای نظری برانگیزاننده و پشتیبانی کننده، رازآموزی‌های مذهبی و هنری و فلسفی واقع‌گرایانه و مردمی ضروری دیرینه و کهن‌ریشه، ادبیات شفاهی چندمنظوره و پرآموزه با محتوی میان‌رشته‌ای و میان‌عرفتی آسان‌نشین بر دل و روان آدمی از اقتصاد تا جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی و تعاون و یاریگری گرفته تا علمی نظیر آب و هواشناسی و گیاه‌شناسی و بوم‌شناسی تا آموزه‌های اخلاقی مذهبی و فلسفی...» بستر اصلی توسعه ایران محسوب می‌شود. وی در بخشی از کتاب چنین می‌نویسد «منظور ما از بر "فراز سنت" قرار گرفتن مکانیکی و فیزیکی و مکانی نیست و از سوی دیگر بر فراز سنتی مرده نیست، بلکه سنتی است که میل به دگرگونی و تکامل و زایش و رویش و جهش دارد. یک پای آن در گذشته و حتی گذشته‌های بسیار دور، و یک پای آن در آینده است». وی در بخش دیگری چنین می‌نویسد: «طبقه‌بندی جوامع جهان به سنتی و صنعتی از آن جهت یک طبقه‌بندی نامناسب و گمراه‌کننده است که تلویحاً و تصریحاً سنت را در برابر صنعت و سنتی را در برابر صنعتی قرار می‌دهد. درحالی‌که اگرچه جوامع صنعتی امروز جهان با همان جوامع در روزگار سنتی بودنشان تفاوت‌هایی دارند؛ اما بذر و جوانه‌های این جوامع صنعتی از دل همان جوامع سنتی رشد کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد اشعار و ضرب‌المثل‌های موجود در کتاب بر ابعاد چهارگانه توسعه تمرکز دارند و ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی توسعه در ادبیات سنتی ایران مورد توجه بوده و بهره‌گیری از ادبیات سنتی ایران می‌تواند مسیر توسعه پایدار ایران را هموارتر نماید. فرهادی در بخشی از کتاب، راه توسعه پایدار ایران و کشورهای نظیر آن را رستاخیزی ملی و همه جانبه ذکر می‌کند که همچون کشورهای مصداق توسعه یافته موج دوم، بتوانند همه نیروها، سرمایه‌های موجود و پتانسیل فرهنگی خود، یعنی تجربیات تاریخی- فرهنگی و شناخت آگاهی صریح و ضمنی و کوشندگی یکایک ملت و پویندگی و برنامهریزی‌های آگاهانه و خردمندانه خرد و کلان دولت را هماهنگ و همسو سازند و در این راه همراهی اولوالالباب (صاحبان خرد) و خرده‌گیرهای تجربی و منطقی آنان با پندخواهی و اندرزپذیری صاحبان قدرت همچون نان شب واجب است. فرهادی در این خصوص دلایل توسعه کشورهای سنتی صنعتی شده موج دوم شرقی مانند ژاپن، چین و هند را متکی نشدن به اقتصادهای بادآورده، تاریخ و فرهنگ پر بار باستانی، رهان‌کردن وطن پرستی، جوهره فرهنگ بومی، فرهنگ تولیدی و فرهنگ کار و ارزش‌ها و هنجاری آنها بر شمرده است. بنابراین با تکیه بر ادبیات سنتی و اصالت و مضامین اشعار و ضرب‌المثل‌های کتاب درمی‌یابیم مسیر توسعه پایدار ایران توجه به مولفه‌هایی چون رهایی از اقتصادهای بادآورده، توجه تاریخ و فرهنگ سنتی، وطن پرستی، استمداد از فرهنگ بومی، فرهنگ تولیدی و فرهنگ کار، توجه به سنت‌ها و ارزش‌های کهن، اقداماتی مشابه اقدام دولت مصدق، توجه به عرصه‌های فرهنگی و مقدس، بازنگری در شیوه‌های تولید، مدیریت مصرف، توجه به تجربیات صنعتی همراه با تجربیات سنتی، توجه به بعدها چند بعدی، بهره‌گیری از فرصت‌های حاصل از ظهور تکنولوژی و فناوری‌های نوین می‌باشد. در یک عبارت با نگاه توسعه‌ای فرهادی و محتوای کتاب می‌توان بیان کرد ایران مدرن باید بر شانه‌های سنت‌های کهن ایرانی بنا گردد. لذا از دیدگاه نویسنده آنچه به شکل مشخص در استقلال فرهنگی حرف نخست را برای توسعه کشور می‌زند، بازگشت به فرهنگ کار و فرهنگ تولیدی از دست رفته و پتانسیل‌های فرهنگی فراموش شده چند هزار سال‌های است که توانسته ملتی را در سخت‌ترین شرایط کویری و نیمه کویری و انواع بلاهای طبیعی و یورش‌های دور و نزدیک از عصر اسکندر تا امروز حفظ و حراست کند. نویسنده همچنین در برابر پرسش س.ک. دیوپ که می‌گوید برخورد شجاعانه کسانی که در مباحث توسعه، سهم سنت را هم لحاظ می‌کنند سبب حیرت دیگران می‌شوند، آیا این یک مصیبت است؟ می‌گوید "ما می‌گوییم هرگز!"

منابع و مراجع

- [۱] ارمکی و همکارانش (۱۳۹۲). تحلیلی کیفی نگرش توسعه ای در ادبیات عامیانه : با تاکید بر ضرب المثل های لری، فصلنامه جامعه شناسی نهادهای اجتماعی، ش ۱، دوره ۱، ص ۹-۳۴.
- [۲] پیروز، غلامرضا، عبدالهی، مریم. (۱۳۹۳) ادبیات به عنوان کانون بازتاب توسعه فرهنگی و اجتماعی: گذار از سنت به تجدد در آثار میرزاده عشقی. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی. دوره ۲، شماره ۲. ص ۲۸ تا ۹.
- [۳] تقی پور ظهیر، علی (۱۳۹۴). جزوه گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۴. منتشر نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات. دانشکده مدیریت و اقتصاد.
- [۴] تودارو، مایکل پی. (؟) توسعه اقتصادی، ترجمه وحید محمودی (۱۳۹۲). تهران: نگاه دانش.
- [۵] جوانمرد، کمال و نجیب زاده، مهناز (۱۳۹۰). بررسی مردم شناختی ویژگی های فرهنگی و اقلیمی در ضرب المثل های شهر کرمان، فصلنامه ادبیات و زبان های محلی ایران زمین، ۳، ص ۳۸-۶۰.
- [۶] جویباری، کبری و چراتی، عیسی (۱۳۹۵). چشم انداز اشعار معاصر ایرانیه توسعه اجتماعی. مجله علمی-پژوهشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا، دوره ۷، شماره ۱، پیاپی ۱۴.
- [۷] خاکی، غلامرضا (۱۳۸۷). تحلیل زبانزدی، روشی برای فهم عقلانیت ایرانی، تدبیر، ۱۳۶، ص ۳۸-۴۳.
- [۸] ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶). هویت ایرانی و دینی در ضرب المثل های فارسی، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۸، دوره ۲، ص ۲۷-۵۲.
- [۹] زاهدی شمس السادات و نجفی، غلامعلی (۱۳۸۴). بسط مفهومی توسعه پایدار. فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۴. ص ۴۳ تا ۷۶.
- [۱۰] ساروخانی، باقر و قبادی، علیرضا. (۱۳۸۶)، روایت اجتماعی-فرهنگی قصه های ترکمنی، مطالعات ملی، ش ۸، دوره ۳، ص ۱۱۹-۱۳۶.
- [۱۱] عاشقی، حسن (۱۳۹۷). اصول توسعه حرفه ای مدیران، تهران: رصد علم.
- [۱۲] عاشقی، حسن و قهرمانی، محمد (۱۳۹۵). شناسایی و تبیین ابعاد، مولفه ها و شاخص های توسعه شایستگی مدیران صنعت بانکداری، فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی، شماره ۱۴.
- [۱۳] فرهادی مرتضی (۱۳۹۷). سنت بر فراز سنت یا در برابر آن : تهران : دانشگاه علامه طباطبایی. جلد اول و دوم.
- [۱۴] فرهادی، مرتضی (۱۳۹۱). صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن؟ (آسیب شناسی روند توسعه پایدار در ایران) دو فصلنامه دانش های بومی ایران، شماره ۱. ص ۷۱ تا ۱۳۰.
- [۱۵] گرجی، مصطفی و حسینی منش منصوره (۱۳۹۸). تحلیل مفهوم شهر و زندگی در اشعار محمد شمس لنگرودی با محوریت توسعه بافت کلان شهر، فصلنامه پژوهشنامه اورمزد، شماره ۲۸۵، ص ۲۷۲ تا ۲۸۵.
- [۱۶] مشایخ، فریده. (۱۳۹۸) دیدگاههای نو در برنامه ریزی آموزشی. تهران: سمت.
- [۱۷] نوابخش، مهرداد. (۱۳۹۵) نظریه های کاربردی توسعه پایدار اجتماعی تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- [۱۸] نوین، حسین، (۱۳۸۷)، تحلیل روان شناختی امثال و حکم فارسی، فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره: ۶، شماره ۱۰.

[19] Kirkpatrick C.& et. al.; Development of criteria to assess the effectiveness of national strategies for sustainable development ; Institute for Development Policy and Management; University of Manchester, 2001.

[20] UNDP(2018). Human development indices and indicators.

[21] UNDP(2020). Human development indices and indicators.